



بسم الله الرحمن الرحيم

انما نخشى الله من عباده

العلماء





بسمه تعالی

با نام و یاد خداوند متعال و سلام و درود بیکران بر فرستاده‌اش
حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت طاهرینش سلام الله علیهم
اجمین، آنچه در این مختصر تقدیم شما می‌گردد، متن سخنان مرحوم
آیت الله میرزا عبدالکریم حق شناس قدس سره الشریف است که پس از
پیاده‌سازی و ویرایش، برای استفاده در خدمت همه‌ی مشتاقان
معارف ناب اخلاق اسلامی قرار گرفته است.
از خداوند متعال علو درجات برای آن عزیز سفر کرده خواستاریم.
جهت هرگونه پیشنهاد یا انتقاد می‌توانید با شماره تلفن‌های
۰۹۱۲-۳۵۰۴۳۸۷ یا ۰۷۳۲۳۳۳-۰۹۳۶ تماس حاصل نمایید.

التماس دعا

حوزه علمیه قم - غلام حسن بخشی



سخنرانی شماره (۵۶ ب) تاریخ ۶۸/۰۷/۲۸

بسم الله الرحمن الرحيم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

نزاع بين ابن ابی عمير و هشام در مسئله ی ملكيت

شارع دو ملكيت قرار داده است. نزاع ابن ابی عمير و هشام در اين بود كه ابن ابی عمير می فرمود: تمام املاك متعلق به پروردگار است، ولی هشام می فرمود كه يك ملكيت به عنوان اولی داریم و يك ملكيت هم در طول آن داریم كه شارع در مقام داد و ستد معتبر دانسته است.

رعايت حق ملكيت مردم، علامت مسلمانی است

حق با هشام است نه با ابن ابی عمير و شارع اين ملكيت را معتبر می داند و اگر من بخواهم در خانه ی کسی تصرف كنم، بايد با رضایت صاحب خانه باشد. بنده ی خدا بايد اينطور باشد.

بنده مسائلی می شنوم كه ناگزير می شوم اين حرف ها را بزنم. اگر بنده جایی را اجاره كرده باشم و يك روز از مدت اجاره باقی مانده باشد، می توانم حق سكونت اين يك روز را - مثلاً - به يك ميليون تومان بفروشم، اما خدا رحمت كند حاج احمد اخوان را كه با آنكه از مدت اجاره ی ایشان باقی مانده بود، اما وقتی صاحب ملك تقاضای تخليه ملك را در مقابل دریافت مبلغی كرد؛ ایشان از پذیرفتن آن مبلغ خودداری كرد و ملك را به صاحب آن تحويل داد.



این علامت مسلمان است، دیگر نیازی به چاقو و چاقو کشی نیست.
متأسفانه بعضی اشخاص زمین دیگران را غصب کرده و در آن ساختمان
بنا کرده‌اند در حالی که صاحب زمین مستأجر است.

بطلان نماز در لباس و مکان غصبی

یک نخ غصبی اگر در لباس من باشد، نماز من باطل است. اگر در کوچه
بنشینی بهتر از این است که در ملک دیگری بنشینی و نماز بخوانی.

باقی مانده‌ی عمر قیمت ندارد!

باز توجه به موقعیت خودمان بکنیم. حیف این عمر است آقا!
امیرمؤمنان^(ع) می‌فرماید: «فان بقية العمر لا ثمن لها».^۱ ای داد بیداد! باقی مانده‌ی
عمر قیمت ندارد.

ارزش تفقه در دین

«لا خير في دين لا تفقه فيه».^۲ اسلام سراسر تفقه است. خیری نیست در دینی
که تفقه در آن نباشد. «من لم يتفقه في الدين فهو اعرابي».^۳ یعنی هر کس تفقه

۱ - عن الامام علي عليه السلام: بقية عمر المؤمن لا قيمة لها، يلزم بها ما فات و يحیی ما مات. الدعوات للروندی، ۱۲۲

۲ - عن ابي حميلة قال سمعت علیاً (ع) علی منبر الکوفة یقول: ایها الناس ثلاث لا دین لهم... ثم قال: ایها الناس لا خیر فی دین لا تفقه فيه و لا خیر فی دنیا لا تدبر فيه و لا خیر فی نسک لا ورع فيه. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد البرقي ج ۱ ص ۵

۳ - عن ابي عبدالله عليه السلام: تفقهوا فی الدین فانه من لم يتفقه منکم فی الدین فهو اعرابي ان الله یقول: لیثقفوها فی الدین و لیتدبروها قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون. الکافی، للشیخ الكلینی ج ۱ ص ۳۱



در دین نکند، بدوی و بیابانی است. «ولم ينظر الله اليه يوم القيامة».^۱ پروردگار در قیامت به کسی که تفقه در دین نکرده، نظر نخواهد کرد.

خواب عالم، بهتر از بیداری جاهل

خواب عالم از بیداری جاهل بهتر است، زیرا عالم می‌خواهد تا قوت بر طاعت و کسب اطلاعات علمی پیدا بکند، برای راهنمایی مردم.

دینداری بدون ترک حرام فایده ندارد

«ولاخير في دين لاتفقه فيه لآخر في دنيا لاتدبر فيها ولا خير في نسل لا ورع فيه».^۲ اگر چنانچه دین داشته باشی داداش جون، ولی از محرمات پروردگار دوری نکنی، نتیجه‌ای ندارد.

داستان زن احمق (رشته کردن بافته‌ها)

مانند آن زن احمق در میان عرب نباشید که در ابتدای روز همه را وامی‌داشت کیسه‌های محکمی ببافند و هنگام غروب آفتاب دستور می‌داد که تمام آنچه بافته شده است را دوباره باز کنند! مبدا شماها مانند آن زن باشید.

﴿ولا تكونوا كالتی نقصت غزلها من بعد قوة انكاثا﴾.^۳

مبدا شماها مثل آن زن احمق باشید. باید تدبیر بکنید. اگر عمل حرام انجام

۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام: علیکم بالتفقه فی دین الله ولا تكونوا اعرابا فانه من لم يتفقه فی دین الله لم ينظر الله اليه يوم

القیامة و لم یزک له عملا. الکافی، للشیخ لکلی ج ۱ ص ۳۱

۲ - المحاسن، احمد بن محمد بن خالد البرقی ج ۱ ص ۵

۳ - نعل/۹۲



دهید، اگر عقب نشینی کنید؛ تمام اعمالی که بافته‌اید، به کلی باطل خواهد شد.

اختصاص یک روز در هفته برای یادگیری دین

روش بنده این است که در ابتدای صبحتم، شما را به موقعیت خودتان متوجه کنم. «اف لكل مسلم لا يجعل في كل جمعة يوماً يتفقه فيه امر دينه». 'اف بر آن مسلمانی که روزی را برای یادگیری دینش قرار ندهد.

شرکت در مجالس دینی، بالاتر از زیارت ثامن الحجج^۷

خدا رحمت کند مرحوم آقا شیخ مرتضی زاهد را که می‌فرمود: اگر در مجالس یادگیری حلال و حرام شرکت بکنید، از زیارت ثامن الحجج^۷ بالاتر است، زیرا تفقه در دین مورد نظر امام^۷ است.

اگر به زیارت بروید، اما تفقه در دین نداشته باشید؛ حضرت می‌فرماید: «اف لكم». وای بر شما که نرفتید در امر دینتان تدبیر کنید. یک صلوات بفرستید.

سخنرانی در شبهای عزاداری، نشانه‌ی اهمیت موضوع

این شبها، شبهایی است که باید عزاداری بکنیم، اما مرسوم ما طلبه‌ها این است که در حوزه‌ی علمیه اگر در ایام عزاداری کسی سخنرانی بکند، معلوم می‌شود که می‌خواهد مطلب مهمی را - که منظور اهل بیت عصمت: است- پیاده کند.

۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام عن آبائه علیهم السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: اف لكل مسلم لا يجعل في كل جمعة يوماً يتفقه فيه أمر دينه و يسأل عن دينه. انجاس، احمد بن محمد بن خالد البرقي ج ۱ ص ۲۲۵



حضرت امام^۱: تهذیب اخلاق در رأس علوم است

حضرت امام^۱ تهذیب اخلاق را در رأس علوم قرار داده است. آی رفقای اهل علم! بارها عرض کرده‌ام که مبدا علم تهذیب اخلاق را فراموش کنید.

تأثیر شرکت در درس اخلاق

خدا شاهد است که وقتی بنده هفته‌ای یک بار در درس اخلاق شرکت می‌کردم، استاد اخلاق خاطرات مرا می‌کویید و من مهذب می‌شدم و اخلاق پاکیزه پیدا می‌کردم تا هفته‌ی دیگر، اما اگر یک هفته استاد نمی‌آمد، با اینکه در طول هفته در کمال مراقبه بودم، اما میل به قبیاح و زشتی‌ها پیدا می‌کردم، باید وسیله‌ی زنده کردن وجود داشته باشد.

قلب را با موعظه زنده کن

امیرمؤمنان^۲ فرمودند: حسن جان! قلب می‌میرد. قلبت را با شنیدن موعظه زنده کن. «احي قلبك بالموعظة»^۱

«فابتغوا لها طرائف الحكم»^۲ حکمت‌های تازه را- که فرمایشات آل محمد: است- طلب کنید.

تنها هدف بنده، نجات خودم و شماست

خدا شاهد است که یگانه هدف من از نوشتن و خواندن این احادیث نجات

۱ - كان من وصية الامام (ع) لابنه الحسن (ع). نصح البلاغة كتاب ۳۱

۲ - قال علی (ع): ان هذه القلوب تمل كما تمل الابدان فابتغوا لها طرائف الحكم. نصح البلاغة قصار الکلام ۹۱



دادن شماها و خودم است. غیر از این راهی نیست. توجه کنید. تدبیر کنید.
یک صلوات بفرستید.

قوام دنیا به چهار چیز (عالمی که علمش را استعمال کند)

حضرت فرمود قوام این دنیا به چهار چیز است:

«عالم يستعمل علمه»^۱. 'عالمی که علمش را استعمال بکند.

عالم باید علمش را استعمال بکند. همانطور که از جاهل می‌پرسند: چرا نرفتی یاد بگیری، به عالم هم می‌گویند: چرا نگفتی، آقا جان من؟

لجام آتشین برای عالمی که علم را به اهلش نرساند!

بنده شرم می‌کنم برای بعضی از همکاران خودم این روایت را بخوانم که حضرت فرمود: عالمی که تحصیل علم بکند، ولی به اهلش نرساند، پروردگار لجام آتشین به دهان آن عالم می‌زند.

قوام دنیا به چهار چیز (جاهلی که از یاد گرفتن امتناع نورزد)

«و جاهل لا يستنكف أن يتعلم». جاهلی که از یاد گرفتن استنکاف نکند.

با این درخت علمی که به خون انبیاء و اولیاء و اوصیاء آبیاری شده است، آیا خدا از شما می‌گذرد که عالم بگوید و شما برای یاد گرفتن نیایید؟!

۱ - قال الامام (ع): دخل جابر بن عبدالله الانصاری علی امیرالمؤمنین (ع) فقال له امیرالمؤمنین (ع): یا جابر قوام هذه الدنيا بأربعة: عالم يستعمل علمه و جاهل لا يستنكف أن يتعلم و غنی جواد بمعرفة و فقیر لایبغ آخرته بدنيا غیره یا جابر من کثرت نعم الله علیه کثرت حوائج الناس الیه فان فعل ما یجب الله علیه عرضها للدوام والبقاء و ان قصر فیما یجب الله علیه عرضها للزوال والفناء ... ثم قال امیرالمؤمنین (ع) فاذا کتم العالم و زها الجاهل فی تعلم ما لاید منه و یخل الغنی بمعرفة و باع الفقیر دینه بدنيا غیره حل البلاء و عظم العقاب. تفسیر الامام العسکری (ع) ص ۴۰۳



قوام دنیا به چهار چیز (ثروتمندی که بخل نورزد، فقری که آخرت را به دنیا نفروشد)
 «وغيّ جواد بمعروفه و فقير لايبيع آخرته بدنياه». ثروتمندی که بخل نورزد و به فقراء برساند و فقری که آخرتش را به دنیا نفروشد.

اگر این چهار چیز نباشد، بلا نازل خواهد شد

حضرت در ادامه فرمودند: وقتی عالم علمش را از اهلش دریغ بکند و جاهل - خوب گوش بدهید- در یاد گرفتن احکام ضروری خود کوتاهی و سرپیچی بکند و غنی و ثروتمند به فقراء نرساند و فقیر دینش را به دنیا بفروشد، بلا نازل خواهد شد. «حل البلاء».

نزول بلاء در اثر ترک جلسه‌ی مسجد (استخاره در حرم امام رضا^۷)
 خدا شاهد است که وقتی در حرم ثامن الحجج^۷ و در محضر ایشان بودم، استخاره کردم که یکی از جلسات سخنرانی مسجد را کم بکنم، قرآن را که باز کردم، آیه آمد که بلا نازل خواهد شد.

اگر مرا اطاعت نکنید، ظالم را بر شما مسلط می‌کنم!

پروردگار می‌فرماید که اگر شما اطاعت نکنید، ظالم را بر شما مسلط می‌کنم و به سبب او از شما انتقام می‌گیرم. «الظالم جندی انتقم به»^۱.

بیان علت موشک باران تهران در خواب

دو شب قبل از موشک باران تهران، به یکی از رفقا در خواب گفتند که

۱ - الشفاء الروحی، عبداللطیف البغدادی ص ۸۶



این بلاء نازل می‌شود و علت آن هم این است که ثروتمندان به فقراء رسیدگی نکرده‌اند و مردم هم از یادگیری احکام الهی سرپیچی نموده‌اند.

شرکت در مجالس دینی، مانع نزول بلاء

اگر دوست دارید که بلاء نازل نشود آقاجون من، باید در مجالس دینی شرکت بکنید، نه فقط در این مسجد، بلکه در هر جایی که یک چراغی روشن است و می‌توانید استفاده کنید.

یک صلوات بفرستید.

اگر مردم به وظائفشان عمل نکنند، چه باید کرد؟

این قسمت را در این روایت ندارد، ولی در روایت دیگری حضرت می‌فرمایند: اگر زمانی را درک کردید که مردم از یادگیری احکام خود استنکاف کردند، عالم به وظیفه‌ی خودش رفتار نکرد و ثروتمند هم به فقراء کمک نکرد، در میان مردم باشید و منتظر فرج و بلا باشید. در میان مردم باشید، ولی اخلاقاً و قلباً با آنها مماشات نکنید و آنها را نصیحت کنید که در مجالس علم شرکت کنند. «خالطوهم بالبرانية»^۱.

۱ - عن ابی جعفر (ع) قال: قال امیرالمؤمنین (ع): قوام الدنیا باریعة: بعالم ناطق مستعمل له و بغنی لایبخل بفضله علی أهل دین الله و بفقریر آخرته بدنیه و بجاهل لایتکبر عن طلب العلم فإذا کتم العالم علمه و بخل الغنی بماله و باع الفقیر آخرته بدنیه واستکبر الجاهل عن طلب العلم رجعت الدنیا الی ورائها القهقری فلاتفرزکم کثرة المساجد و أجساد قوم مختلفة، قيل: یا امیرالمؤمنین کیف العیش فی ذلک الزمان؟ فقال: خالطوهم بالبرانية - یعنی فی الظاهر- وخالطوهم فی الباطن، للمرء ما اکسب و هو مع من احب و انتظروا مع ذلک الفرج من الله عزوجل. غفر الله عزوجل لرجل کان سهلاً فی أربعة احوال. الخصال، للشیخ الصدوق ص ۱۹۷



بشارت به مؤمن در خواب

نبی اکرم^۹ وقتی به مسجد تشریف می آوردند، می فرمودند: «هل من مبشرات». ^۱ یعنی آیا کسی خواب خوبی دیده است، تا برای ما بیان کند؟ در آیهی نورانی هم دربارهی بشارت‌هایی که در خواب به مؤمن داده می شود، می فرماید: ﴿فَلَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾.^۲

خواب یکی از جوانها (نمی توانستم سورهی «الرحمن» را بخوانم!)

یکی از این جوانها دیشب برای من نقل کرد که در خواب دیده است که هر چه می خواهد سورهی «الرحمن» را بخواند، نمی تواند. هر سوره‌ای یک تعبیری دارد. تعبیر سورهی «الرحمن» این است که اگر کسی در خواب این سوره را بخواند، موفقیت در دین پیدا می کند. این جوان گفت: هر چه من می خواستم سورهی «الرحمن» را بخوانم، یک عده از جوانها به صورت من خاک می پاشیدند که من موفق به قرائت این سوره نشوم.

همین‌ها بچه شیطان‌ها هستند. این شیطان‌ها در قلب تو مرتکز هستند و نمی گذارند تو سورهی «الرحمن» را بخوانی. باید فکری بکنی. اما تو آدم خوبی هستی که این خواب را دیده‌ای و باید خود را تا در اول

۱ - عن الرضا (ع) قال: ان رسول الله (ص) كان اذا اصبح قال لاصحابه: هل من مبشرات. یعنی به الرؤيا. الكافي، ج ۷ ص ۹۰

۲ - عن ابي جعفر (ع) قال: قال رجل لرسول الله (ص) في قول الله عزوجل: «لهم البشرا في الحياة الدنيا» قال:

هي الرؤيا الحسنة يرى المؤمن فيبشر بها في دنياه. الكافي، ج ۸ ص ۹۰



جوانی هستی، معالجه کنی باباجان من!
اگر چشم حقیقت بین داشتی، همین بچه شیطان‌ها را در عالم بیداری هم
می‌دیدی که چطور مانع از این هستند که تو راه سعادت را طی بکنی.
یک صلوات بفرستید.

بنده خدمتگزار شما هستم

خود امام زمان^۷ شاهد است که من در این صحبت‌هایی که برای شما
می‌کنم، به غیر از خدمتگزاری نسبت به شما هیچ خیالی ندارم.
بنده خدمتگزار شما هستم آقا جان! اما وای به حال شما اگر خدمتگزار شما
کمر خدمت بسته باشد، ولی شما اجابت نکنید.

مبادرت به تحصیل سعادت، قبل از استحکام صفات مهلك

«بادرو الي تحصیل السعادات قبل ان تستحکم فیکم الملکات المهلکه».^۱ مبادرت
کنید به تحصیل سعادت قبل از اینکه صفات هلاک‌کننده در شما مستحکم
شود. وقتی یک صفت بد در شما جوانه زد - مثلاً غیبت کردن، اهانت کردن -
باید فوراً ریشه‌ی آن را در بیاورید.

بعد از سی سال تازه به فکر بازی افتاده!

وقتی عصر به مسجد می‌آمدم، دیدم یک عده جوان در کوچه جمع شده‌اند،
پرسیدم: اینها برای چه اینجا جمع شده‌اند؟ گفتند: اینها برای بازی کردن

۱ - جامع السعادات، ج ۱ ص ۶۶



جمع شده‌اند! تازه آقا بعد از بیست سال و سی سال می‌خواهد بازی کند!

حضرت یحیی ۷در کودکی: ما برای بازی خلق نشده‌ایم

وقتی بچه‌ها از حضرت یحیی ۷در سن کودکی برای بازی دعوت کردند، ایشان فرمود: ما برای بازی خلق نشده‌ایم. «ما للعب خلقنا».^۱

برطرف کردن صفات بد بعد از استحکام، بسیار سخت است

«بادروا». تا عادات بد در شما قوی نشده، به ریشه کن کردن آنها مبادرت کنید، که همانا برطرف کردن این صفات بعد از استحکام آنها بسیار سخت است. «فان ازالة الرذائل بعد استحکامها فی غاية الصعوبة».^۲

شیطان هست، نفس هم هست، حوادث روزگار هم هست، جوانی تو هم هست، غرائز تو هم هست که دائم دعوت به بدی‌ها می‌کند.

ضعف تصمیم‌گیری در سنین بالا

«والمجاهدة مع احزاب الشیاطین بعد الکبر قلما یفید الاثر». سن که بالا رفت، تصمیم‌گیری‌ات هم ضعیف می‌شود.

تلاش کن و درجا زن!

«فاجتهدوا بقدرالقوة والاستطاعة». تلاش کنید، زحمت بکشید، تصمیم بگیرید.

«فانه خیر من التمدادی فی الباطل». بی‌خودی درجا می‌زنی. ای داد بیداد!

۱ - تفسیرالامام العسکری (ع) ص ۶۶۱

۲ - جامع السعادات، ج ۱ ص ۶۶



بی تفاوتی به کم و زیاد شدن دنیا، در اثر یقین به پروردگار

اگر یقین به حضرت صانع داشته باشیم، بود و نبود دنیا در نظر ما یکسان خواهد بود. مالم زیاد بشود یا نشود، فرقی نخواهد داشت. تعریف و مذمت در نظرم یکسان خواهد بود. آن وقت حق دارم که بگویم: «لامؤثر فی الوجود الا الله»^۱.

هنوز به کلاس اول هم نرسیده‌ای!

ولی اگر کسی به جنابعالی بگوید: تو نفهمیدی، دو روز با او قهر می‌کنی که چرا به من گفتی «تو»؟ پس معلوم می‌شود که در مکتب امام‌صادق^۷ هنوز در مرحله‌ی قبل از کلاس اول درجا می‌زنی. همان مرحله‌ای که بچه‌های کوچک را برای تمرین در آن کلاس می‌برند.

۱ - «هیچ مؤثری در وجود غیر از خدا نیست».



سخنرانی شماره (۵۷ ب) تاریخ ۶۸/۰۷/۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

توجه به موقعیت

باز همانطور که روش بنده است، آقایان را به موقعیت خودشان توجه می‌دهم که انسان در چه موقعیتی است؟ چقدر سرمایه دارد؟ چکار باید بکند؟ باید دائم به استاد گفت: چه کنم؟ چه راهی را بروم؟ اگر بخواهم به سعادت آینده‌ام متوجه باشم، راهش چیست؟

اگر بهشت می‌خواهید، باید طالب علم باشید

«یا اباذر من خرج من بیته یلتمس باباً من العلم کتب الله عزوجل بكل قدم ثواب نبي من الانبياء و اعطي الله بكل حرفٍ یسمع او یکتب مدینه فی الجنة».^۱ یا اباذر هر کس از خانه‌اش برای یادگیری علم خارج شود، خداوند برای هر قدمی که بر می‌دارد، ثواب پیامبری از پیامبران را به او می‌دهد و برای هر حرفی از علم که بشنود یا بنویسد، به او شهری در بهشت می‌دهد. همه‌اش علم است، آقا! این طالب علم چقدر فافزش بالاست. اگر بهشت می‌خواهید، باید طالب علم باشید، داداش جون!



علمی که حال شما را اصلاح نکند، گمراهی است!

اما حضرت فرمود: «عَلِمٌ لَا يَصْلُحُ ضَلَالٌ».^۱ یعنی علمی که حال شما را اصلاح نکند، گمراهی است. علم به معنای حقیقی، آن علمی است که راه را به ما نشان بدهد.

اعطاء علم حقیقی به کسانی که به مساجد رفت و آمد کنند

یک روایت دیگر برای شما بخوانم که حضرت می فرماید: هر کس به مساجد رفت و آمد کند، پروردگار عزیز آن علم حقیقی را به او مرحمت می کند.^۲ (اینها از عطایای گرانبهائی است که پروردگار عزیز جل و عز اعطاء می فرماید).

عزاداری در کنار یادگیری مسائل حلال و حرام

وامصیبتا! من که نمی گویم شما عزاداری نکنید، باباجان! عزاداری بکنید، اما یک نفر را هم بیاورید که برای شما مسائل حلال و حرام را بگوید، نه اینکه در زمین غصبی بنا بسازید. یا اگر مستأجری پول اجاره را ندهید!

وای به حال کسی که شفیع او دشمنش باشد!

وای به حال آن اشخاصی که شفعاء آنها خصماء آنها باشند.^۳ (کسی که باید

۱ - «قال علی علیه السلام: علم لا یصلحک ضلال و مال لا ینفعک ویا». غرالحکم، ۶۲۹، ۴۰.

۲ - عن الاصبغ بن نباته عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال: کان یقول: من اختلف الی المساجد اصاب احدی الثمان أخوا مستغداً فی الله او علماً مستطرفاً او آية محكمة او رحمة منتظرة او كلمة تردده عن ردى او یسمع كلمة تدله علی هدی او یتربک ذنباً خشية او حیاء. الخصال للشیخ الصدوق ص ۴۰۹.

۳ - و قال سلیمان بن یسار وجد حجر مکتوب علیه:

لا بد أن ترد القيامة فاطم و قمیصها بدم الحسین ملطخ



او را شفاعت کند، دشمن او باشد)

توبه بدون راضی کردن طلبکاران، توبه نیست

حضرت فرمود: «اذا تاب العبد و لم يرض الخصماء فليس بتائب».^۱ هر کس که توبه کند، ولی طلبکارانش را راضی نکند، توبه نکرده است. توبه مگر فقط گفتن لفظ «اتوب الي الله» است، در حالی که خصمای او - یعنی همین طلبکاران - راضی نباشند؟!

اولین موقف قیامت، موقف مظالم است

اولین موقف قیامت، موقف مظالم است که طلبکار یقه‌ی بدهکار را می‌گیرد، آقا جان من! آن وقت این آقا رفته از یک نفر عمامه به سر در این باره سؤال کرده، او هم گفته: مثل شیر حلال است! در میان عمامه‌ای‌ها هستند کسانی که کم سوادند. باید مسئله را از مجتهد و اشخاص تحصیل کرده پرسید، بابا جان من! یک عمر در مکان غصبی نماز می‌خوانی، اما با علم به غصبیت، همه‌ی این نمازها باطل است.

طالب علم را خدا و ملائکه و پیامبران دوست دارند

«وطالب العلم احبه الله».^۲ طالب علم را خدا دوست دارد، ملائکه دوستش

ویل لمن شفعاؤه خصمائهم والصور فی يوم القيامة ینفخ نظم در السمتین، الزندی الحنفی ص ۲۱۹

۱ - جامع احادیث الشیعة، للسید البروجردی ج ۱۴ ص ۳۵۱

۲ - جامع الاخبار عن ابی ذر قال: قال رسول الله (ص): یا اباذر من خرج من بیته یلتمس بابا من العلم کتب الله عزوجل له بكل قدم ثواب نبی من الانبیاء و اعطاه الله بكل حرف یسمع او یکتب مدینه فی الجنة و طالب العلم احبه الله و احبه الملائکه و احبه النبیون ولا یحب العلم الا السعید فطوبی لطالب العلم يوم القيامة و من خرج من بیته یلتمس بابا من العلم کتب الله له بكل قدم ثواب شهید من شهداء بدر و طالب العلم حبیب الله و من احب العلم



دارند، پیغمبرها دوستش دارند. «و لا يحب العلم الا السعيد». علم را شخص خوب دوست دارد.

خوشا به حال طالب علم در قیامت

«وطوبى لطالب العلم يوم القيامة». خوشا به حال طالب علم در روز قیامت. روز قیامت یقیناً را باید پاره کنی که نیامدی تحصیل علم واقعی بکنی!

این علوم متداول تا دم قبر است

این علوم متداول تا دم قبر است، اما از آن علمی که مربوط به ماوراء طبیعت است، از شما سؤال خواهد شد. این درخت علمی که با خون انبیاء و اوصیاء و اولیاء آبیاری شده است، آیا پروردگار از کوتاهی در آن می‌گذرد؟

ثواب شهید برای هر قدم طالب علم

«ومن خرج من بيته يلتمس باباً من العلم كتب الله له بكل قدم ثواب شهيد». هر کس از خانه برای یادگیری علم خارج شود، پروردگار برای هر قدمش ثواب شهیدی که در جبهه شهید می‌شود، اعطاء می‌فرماید.

«مداد العلماء افضل من دماء الشهداء».^۱

وجبت له الجنة و يصبح و يمسي في رضا الله و لا يخرج من الدنيا حتى يشرب من الكوثر و يأكل من ثمرة الجنة و يكون في الجنة رفيق خضر (ع) و هذا كله تحت هذه الآية «يرفع الله الذين آمنوا منكم والذين اوتوا العلم درجات». بحارالانوار ج ۱ ص ۱۷۸

۱ - عن ابي عبدالله (ع) قال: اذا كان يوم القيامة جمع الله عزوجل الناس في صعيد واحد و وضعت الموازين فتوزن دماء الشهداء مع مداد العلماء فيرجح مداد العلماء على دماء الشهداء. الامالي، للشيخ الصدوق ص ۲۳۳



برخی از ثمرات و فضائل طلب علم

«وطالب العلم حبيب الله». طالب علم دوست خداست.

«ومن احب العلم وجبت له الجنة». کسی که علم را دوست دارد، بهشت بر او واجب است.

هرقدر هم که بدون علم تلاش کنی و مقدس باشی، -مثلاً- بجای اینکه امر به معروف کنی، توهین می کنی!

«يصبح و يمسي في رضا الله عزوجل». صبح و شام در رضایت خداست، چون با علم و دانستن به دنبال اصلاح حال خود است.

«ولا يخرج من الدنيا حتي يشرب من الكوثر». از ثمره‌ی جنت به او می دهند و در جنت رفیق پیغمبران هست.

حضرت می فرماید که تمام این فضائل در تحت این آیه است که ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾^۱ البته پروردگار مؤمنین را ترفیع درجه می دهد، اما به اهل علم درجاتی اعطاء می فرماید.

برتری عالم بر عابد، برتری ماه شب چهارده بر ستارگان

حضرت فرمود: «فضل العالم علي العابد كفضل القمر على سائر النجوم في ليلة البدر»^۲. فضل عالم بر عابد، مانند فضل ماه شب چهارده است بر ستارگان، آقاجان من! جلّ العلم و جلّ الاسلام که اینقدر اهمیت به علم داده است.

۱ - المجادلة/ ۱۱

۲ - الامالی، للشيخ الصدوق ص ۱۱۶



اگر احکام معاملات را یاد نگیرید، گرفتار ربا می شوید

حضرت فرمود: اشخاصی که معامله می کنند، باید احکام معاملات را یاد بگیرند. مثلاً- انسان به اسم مضاربه در ربا می افتد. اگر انسان مسائلش را یاد نگیرد، گرفتار ربا می شود، داداش جون!

عبادت بدون علم، دور شدن از حقیقت

اگر مسائل عبادات را یاد نگیرید، به فرموده‌ی حضرت هر چه بر سرعت سیرتان بیافزاید، از حقیقت دورتر خواهید شد.^۱
سیر بدون استاد فایده ندارد، آقا جان!

این ره که تو می روی به ترکستان است

رفتن به دربار شاهان آدابی دارد

اگر بخواهی به دربار شاهان بروی، باید واسطه داشته باشی، باید آدابی را رعایت بکنی، باید کفشهایت را دریاوری، تعظیم کنی، سلام کنی.
سعدی می گوید:

در میر و وزیر و سلطان را

بی وسیلت مگرد پیرامن

سگ و دربان چو یافتند غریب

این گریبان بگیرد آن دامن

۱ - عن ابی عبدالله (ع) قال: العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر الطریق لانیذیه سرعة السیر الا بعداً. الکافی ج ۱ ص ۴۳



آیا رفتن به دربار مالک الملوک آدابی ندارد؟!

آیا رفتن به دربار مالک الملوک آدابی ندارد؟! - مثلاً- در باب نماز جماعت، یک به یک آداب و احکامی بیان شده است. در نماز جماعت آیا می‌توان سجده را طولانی کرد و از امام جماعت عقب افتاد، یا متابعت از امام جماعت مقدم بر طول دادن سجده است؟ کسی که احکام و آداب نماز جماعت را نمی‌داند، آنقدر سجده را طول می‌دهد، تا اینکه امام جماعت به رکعت بعدی برسد و در این صورت تأخیر فاحش موجب فرادی شدن نماز و به فتوای بعضی موجب بطلان نماز او می‌شود.

باید قواعد و احکام نماز جماعت را یاد گرفت، آقا جان من! این هم یک علمی است. یک علمی لازم دارد.

آداب یادگیری علم (دوری از شهوات و اختلاط با ابناء دنیا)

حال باید ببینیم روش یادگیری چیست؟

مرحوم نراقی؛ در جامع السعادات در آداب یادگیری علم می‌فرمایند: «أن یجتنب المتعلم عن اتباع الشهوات و الهوی و الاختلاط بابناء الدنیا». ^۱ از آداب یادگیری این است که طالب علم باید از پیروی شهوات، هوی و هوس و اختلاط با ابناء دنیا پرهیزد.

۱ - جامع السعادات، محمد مهدی النراقی ج ۱ ص ۱۱۳



ابناء دنیا چه کسانی هستند؟

ابناء دنیا آنهایی اند که فقط اسکناس و پول و مادیات را طلب می کنند. گوش و چشمشان کر و کور است. هیچ نمی فهمند. طالب علم نباید با این قبیل اشخاص معاشرت کند.

پروردگار دنیای غیر ضروری را از اولیاء خود می گیرد

مادیت و معنویت نسبت معکوس دارند. پروردگار عزیز که مربی اولیای خداست، هر قدر که معنویات آنها زیاد بشود، مادیات غیر ضروری را - که مانع مناجات با پروردگار است - از آنها می گیرد. (حالا ما که آنطور نمی شویم، مگر در خواب ببینیم!)

ببینید چطور خداوند همه تقیدات مادی را از این جوان گرفته!

حضرت فرمودند: این جوان را می بینید؟ این شخصی بود که - مثلاً - متکایش باید از پر قو باشد، تشکش چنین و چنان باشد، خوراکش مغز قلم باشد و.. حالا ببینید چگونه زندگی می کند. چه دستی و چه قدرتی او را به این صورت در آورده و یک دفعه همه تقیُّدات مادی زندگی را از او گرفته است؟ (حضرت فرمود: «عرفت الله بفسخ العزائم»^۱، خدا را با به هم خوردن تصمیم ها شناختم) حضرت فرمودند: «هو رجل نور الله قلبه»^۲. پروردگار قلب این جوان را نورانی کرده است. وقتی حضرت پرسید: «ما علامة إيمانك؟»،

۱ - قال علی (ع): عرف الله سبحانه بفسخ العزائم و حل العقود. نفع البلاغه، قصار الکلام ۲۰۰

۲ - الکافی، ج ۲ ص ۵۳



عرض کرد: یا رسول الله! کسی در باطن من است که مرا از روز واپسین برحذر می‌دارد، می‌گوید: چرا به خودت نمی‌آیی! مرا شب و روز نصیحت می‌کند. یا رسول الله! مرا شب بیدار می‌کند، مرا به صیام و قیام وامی‌دارد. چه قدرتی و چه دستی این تحول را ایجاد کرده؟ دست پروردگار است. اگر چه ذات پاکش لامکان است چو نیکو بنگری در دل نهان است

من در دل بنده‌ی مؤمنم هستم

شخصی سؤال کرد: یا رسول الله خدا کجاست؟

حضرت فرمود: در دل خودت.

«لا یسعی ارضی و لا سمائی بل یسعی قلب عبدی المؤمن»^۱ خدا ماده نیست که محتاج به مکان باشد. فرمود: من در دل بنده‌ی مؤمنم هستم. لا اله الا الله! یک صلوات بفرستید.

خواسته‌های دل، مانع از دیدن انوار قدسیه

«كما ان الحاسة الجلیدية اذا كانت مؤوفة برمد و نحوه فهي محرومة من الاشعة الفائضة عن الشمس كذلك البصيرة»^۲ وقتی چشم، گرد و غبار بگیرد، از دیدن نور آفتاب محروم خواهد شد. آن بصیرتی هم که در باطن توست، اگر به دنبال خواسته‌های دل باشید، از دیدن انوار قدسیه محروم خواهد بود. «كذلك البصيرة اذا كانت مؤوفة بمتابعة الشهوات والهوى والمخالطة ببناء الدنيا فهي محرومة من

۱ - عوالی اللّٰهالی، ابن ابی جمهور الاحسائی ج ۴ ص ۷

۲ - جامع السعادات، محمد مهدی النراقی ج ۱ ص ۱۱۳



ادراك الانوار القدسية و محجوبة عن ذوق اللذات الانسية».

درب خانه‌ی پروردگار، خواسته‌ی دل معنی ندارد، داداش جون!

ابناء دنیا را می‌خواهی چه کنی؟ هر چه بنخواهی خدا می‌دهد

با ابناء دنیا کاری نداریم. ابناء دنیا را می‌خواهی چه کنی؟! هر چه بنخواهی،

خدا به تو می‌دهد آقا جان من! نان می‌خواهی، آب می‌خواهی، لانه

می‌خواهی، زن می‌خواهی، هر چه می‌خواهی، خدا به تو می‌دهد.

پروردگار می‌خواهد هم تو را هم واحد بکند.

مبادا پیچ و خم‌های دنیا شما را از خدمت مولا بازدارد

خدا رحمت کند آقا سید محی‌الدین^۱ را که یک روز وصیت نامه‌ی

اب‌الزوجه‌اش^۲ را برای بنده خواند که در آن نوشته شده بود: مبادا پیچ و

خم‌های دنیا شما را از خدمت مولا، از خدمت امام‌زمان^۷ باز بدارد.

خدای من پهلوی است که نان مرا می‌دهد!!

شخص در زمان پهلوی به یکی از مأمورها گفته بود: تو را به حضرت

عباس رحم کن! آن مأمور هم در جواب گفته بود: ما اینها را نمی‌شناسیم!

باز گفته بود: تو را به خدا، جواب داده بود که خدای من پهلوی است که

نان مرا می‌دهد!!

چنین اشخاصی عین مادیت و نفس مادیت شده‌اند.

۱ - که نزدیک میدان اعدام در کوچه‌ی مقدس نماز می‌خواند.

۲ - پیر زن



آیا مولای شما آن قدر اقتدار ندارد که قضایای شما را تکمیل بکند، تا دائم این طرف و آن طرف نروید، آقا جان من! پدر عزیز من!

قطع شدن فیض الهی در اثر پیروی از شهوات و مخالفت با ابناء دنیا
پس اگر از شهوات متابعت و با ابناء دنیا مخالفت کردید، فوراً فیض قطع می‌شود. «محرومة من ادراك انوار القدسیة».

رؤیایی در چگونگی مراقبه

یک شب گفتم: پروردگار! مراقبه چگونه است؟ همان طوری که در حال استراحت بودم، چرتم برد. یک دفعه دیدم باران مثل سیل از آسمان جاری است. بعد دیدم یک نفر کنار من ایستاد. توجهم به باران بود، اما همین که این طرفم را نگاه کردم، باران قطع شد! گفتم: همین طور که به باران توجه داشتی در حال مراقبه بودی، یک لحظه که غفلت کردی، باران قطع شد. مراقبه هم همین طور است، آقا جان من!

مقام مراقبه این است که خودت را در حضور و محضر پروردگار بدانی. خدا رحمت کند رهبر کبیر انقلاب^۱ را که فرمود: عالم همه محضر حق تعالی ﷻ است و همه‌ی شما در حضور حق تعالی ﷻ هستید. یک صلوات بفرستید

شوق و مهربانی پروردگار به بندگان

چقدر پروردگار مهربان است، داداش جون!
ما با تویم گر تو ز ما می‌روی به قهر باز آ هر آنچه هستی بر عاشقی گرای



نازار کنی به ناز تو ما راست اشتیاق معشوق نازکش که بود غیر من تو را
 «لو علم المدبرون کیف اشتیاقی بهم لماتوا شوقاً»^۱ (واقعاً نمی‌شود این حدیث را هضم
 کرد) باری تعالی می‌فرماید: اشخاصی که به من پشت کرده‌اند، اگر بدانند
 که چقدر من مشتاق لقای آنها هستم، از کثرت اشتیاق جان می‌سپارند.
 یک صلوات دیگر بفرستید.

ابلیس و دنیا در صدد صید شما

لا اله الا الله، نمی‌خواهم اوقاتتان را تلخ بکنم، داداش جون! اما حضرت
 فرمود: «البدار البدار والحدار الحذار من الدنيا و مكائدها»^۲ از دنیا و فریب‌هایش
 بر حذر باشید. ابلیس و دنیا برای شما ابزار صید نصب کرده‌اند. «وتحلي لك من
 زيتها». دنیا خودش را با انواع زینت‌ها نمایش می‌دهد که شما را گول بزند.

هیكلت در میان مردم باشد، اما سیر خودت را بکن

بنده که نمی‌گویم گوشه نشین باش، بلکه هیكلت در میان مردم باشد، اما
 سیر خودت را بکن.

آیا انسان عاقل به دنیای فانی حرص می‌ورزد؟!

«فهل يحرص عليها لیبّ او يسر بلذتها ارب و هو على ثقة من فنائها»^۳ آیا انسان

۱ - جامع السعادات، محمد مهدی الترقی. ج ۳ ص ۱۰۳

۲ - فالبدار البدار والحدار الحذار من الدنيا و مكائدها و ما نصبت لك من مصائدھا و تجلی لك من زینتها واستشرف لك

من فنائها. الصحیفة السجادية (الابطحی) ص ۵۰۲

۳ - الصحیفة السجادية (الابطحی) ص ۵۰۲



عادل نسبت به دنیا- با علم به فانی بودن آن- حرص می‌ورزد؟! پروردگار می‌فرماید: ﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ﴾^۱

و کل وجدان حظ لا ثبات له فان معناه فی التحقيق فقدان^۲

هر لذتی که ثبات ندارد، در حقیقت فقدان است. همین که از گلو پایین رفت، دیگر تمام شد. این لذتها آنی است، داداش جون! این چشم چگونه بخوابد؟! شاید یک مرتبه رسول پروردگار (ملک الموت) به سراغ من بیاید.

یک صلوات دیگر بفرستید.

برتری مجلس علم دین بر مجلس دعا و مناجات

«و خرج رسول الله^۹ فاذا في المسجد مجلسان مجلس يتفقهن و مجلس يدعون الله تعالى و يسألونه»^۳ در مسجد دو دسته نشسته بودند، یک طرف مسائل حلال و حرام گفته می‌شد، یک طرف هم مشغول به مناجات و دعا بودند. شخصی سؤال کرد: در کدام یک از این دو مجلس شرکت کنیم؟

۱ - نخل/ ۹۶ « آنچه نزد شماست فانی است ».

۲ - زیاده المرء فی دنیاہ نقصان و ربحه بعد محض الخیر خسران

وکل وجدان حظ لا ثبات له فان معناه فی التحقيق فقدان

القصيدة لابی الفتح علی بن محمد البستی الشاعر الکاتب الادیب المعروف بجودة الشعر صاحب القصيدة النونية المشتمة علی الحکم والمواظع اوردها الدمیری فی حیاة الحيوان. الکنی واللقاب، الشیخ عباس القمی ج ۲ ص ۸۲

۳ - و خرج رسول الله (ص) فاذا فی المسجد مجلسان: مجلس يتفقهن و مجلس يدعون الله تعالى و يسألونه فقال: کلا المجلسین الی خیر اما هؤلاء فیدعون الله و اما هؤلاء فیتعلمون و یفقهون الجاهل هؤلاء افضل بالتعلیم

ارسلت ثم قعد معهم. منیة المرید، الشہید الثاني ص ۱۰۶



حضرت فرمودند: این مجلسی که مسائل حلال و حرام بیان می‌شود، افضل است. «بالتعلیم ارسلت». من آمده‌ام تا به مردم آگاهی بدهم، آمده‌ام مردم را بیدار کنم، آمده‌ام مردم را از وادی جهالت رهایی بدهم. «ثم قعد معهم». رسول‌الله^۹ رفت و در جمع آنها نشست.



سخنرانی شماره (۵۷ الف) تاریخ ۱۴/۰۷/۶۸

بسم الله الرحمن الرحيم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

فضیلت طلب علم

قال رسول الله^۹ «من سلك طريقاً يطلب فيه العلم سلك الله به طريقاً إلى الجنة و ان الملائكة لتضع اجنحتها لطالب العلم رضاً به»^۱.

هر کس که در راه کسب علم باشد، راهی به سوی بهشت برای خودش باز کرده است و ملائکه بالهای خودشان را زیر قدمهای طالب علم پهن کرده و برای او خضوع و کرنش می کنند با خشنودی و اظهار رضایت. برای طالب علم اهل آسمان و زمین دعا می کنند، حتی ماهی های دریا. یک صلوات بفرستید.

برترین مردم کسی است که عاشق بندگی است

حضرت فرمودند: «افضل الناس من عشق العبادة»^۲. برترین مردم کسی است که عاشق بندگی باشد.

۱ - الکافی ج ۱ ص ۳۵

۲ - عن ابی عبدالله (ع) قال: قال رسول الله (ص): افضل الناس من عشق العبادة فعانقها و احبها بقلبه و باشرها بجسده و تفرغ لها فهو لایبالی علی ما اصبح من الدنيا علی عسر ام علی یسر. الکافی ج ۲ ص ۸۳



نمونه‌ای از عشق به تحصیل

در ایام تحصیل، هم بحث بنده-که عاشق علم بود-گفت: یک شب هر چه به من تذکر دادند که وقت شام خوردن است، اعتنا نکردم و گفتم: تازه ابتدای مطلب است، مشغول فکر کردن هستم. دو مرتبه تذکر دادند، سه مرتبه، چهار مرتبه، گفتم: وسط مطلب است، تا اینکه یک مرتبه اذان صبح را گفتند!! این علامت عشق به علم است.

آیا ما عاشق بندگی هستیم؟!

«افضل الناس من عشق العبادۃ». آیا ما هم نسبت به بندگی پروردگار این طور معاشقه می‌کنیم؟! آیا همین‌طور که این آقا به واسطه‌ی عشق و علاقه به تحصیل از خوراک و از لذت‌های طبیعی و مادی صرف نظر کرد، من هم نسبت به بندگی پروردگار این کار را می‌کنم؟!

چرا برخی دعاها مستجاب نمی‌شود؟

یک روز به اخلاص بیا بر در ما گزر کار تو از ما نگشاید گله کن پروردگار در آیه‌ی نورانی می‌فرماید: ﴿ادعونی استجب لکم﴾^۱. یعنی مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را. اگر دعای ما مستجاب نمی‌شود، بخاطر این است که ما حقیقتاً یک چیز دیگر را می‌خوانیم و حواسمان جای دیگر است. اگر واقعاً با تمام شراشر وجودی پروردگار را بخوانیم، پروردگار



دعای ما را اجابت می کند. ﴿ادعونی استجب لکم﴾.

این روح را از قفس تن خارج کن!

نسبت به خود بنده‌ی روسیاه این طور است که همه‌ی اعضا و جوارح من التماس می کنند که این روح را از قفس تن خارج کن! این یوسف کنعانی را از ته این چاه خارج کن!

اگر اطاعت کنید، روزگار ملائم طبع شما خواهد بود

«فان الله تبارك و تعالي قد ضمن لمن اتقاه أن يحوله عما يكره الي ما يحب»^۱.

اگر کسی اطاعت از پروردگار بکند، پروردگار عزیز هم کاری می کند که روزگار ملائم طبع او بچرخد.

من همیشه خودم را با این حدیث می سنجم (ثمرات بندگی خدا)

آن حدیثی که - مانند ترازو- همیشه من خودم را با آن می سنجم، این حدیث است: «یابن آدم تفرغ لعبادتي املأ صدرك غني و اسد فقرک»^۲. یعنی ای پسر آدم! اگر به من توجه بکنی، اگر بندگی مرا بکنی، قلب تو را پر از بی نیازی می کنم. (یعنی فقط موجد کائنات را مؤثر در وجود خواهی دانست و به دیگری توجه

۱ - عن ابی عبدالله(ع): اما بعد فانی اوصیک بتقوی الله فان الله قد ضمن لمن اتقاه ان يحوله عما يكره الي ما يحب و يرزقه من حيث لا يحتسب فايك ان تكون ممن يخاف على العباد من ذنوبهم و يأمن العقوبة من ذنبه فان الله عزوجل لا يخدع عن جنته و لا ينال ما عنده الا بطاعته ان شاء الله. الکافی ج ۸ ص ۴۹

۲ - و فی الکافی عن ابی عبدالله (ع) قال: فی التوراة مکتوب: یابن آدم تفرغ لعبادتي املأ قلبک غنی و لا اکلک الی طلبک و علی ان اسد فافتک و املأ قلبک خوفا منی و ان لا تفرغ لعبادتي املأ قلبک شغلا بالدنیا ثم لا اسد فافتک و اکلک الی طلبک. الکافی ج ۲ ص ۸۳



نخواهی داشت) «املاً صدرك غني و اسد فقرک». و بیچارگی‌های تو را برطرف خواهم کرد.

قلب را از غیر من خالی کن، تا آن را پر از بی‌نیازی کنم

وقتی بنده اظهار احتیاج کردم- البته نه در مقام مادی بلکه در مقام علمی- و گفتم که آیا می‌شود احتیاجات علمی من به کلی برطرف بشود، در خواب این حدیث را برای بنده خواندند. یعنی قلب را از غیر من خالی کن، تا آن را پر از بی‌نیازی کنم.

نسبت بین عبودیت و رفع احتیاجات انسان

«تفرغ لعبادتي املاً صدرك غني و اسد فقرک». نسبت صدر و ذیل این روایت معلوم است، هر قدر که احتیاجات شما مانده است، نشانه‌ی این است که از عبودیت کم گذاشته‌ید و هر قدر که از عبودیت و توجه پروردگار بیشتر برای شما حاصل بشود، احتیاجات شما به کلی مرتفع می‌شود.

پر شدن قلب از خوف پروردگار در اثر بندگی

«و علی ان اسد فاقک». پروردگار می‌فرماید: اگر خودت را برای عبادت من فارغ کردی، بر عهده‌ی من است که بیچارگی‌های تو را برطرف کنم. «و ملئت قلبك خوفاً مني». قلب را از خوف خودم پر می‌کنم. وقتی که قلب من از خوف پروردگار پر شد، دیگر محرمات پروردگار را انجام نخواهم داد.

بعضی از این جوان‌ها حتی از مشتبهات هم پرهیز می‌کنند

بعضی از این جوانها علاوه بر اینکه در مقام مبارزه و رفع موانع، نفس



خودشان را در امیال نفسانی حرام کنترل کرده‌اند، از مشتبهات و مکروهات هم پرهیز می‌کنند و ما هنوز در مرحله‌ی اول- که ترک حرام و انجام واجبات است- معطلیم، داداش‌جون! اگر کسی با نفسش مجاهده بکند، برای خودش کرده است و اگر چنانچه -خدای نکرده- معصیت بکند، بر علیه خودش اقدام کرده است.^۱

صلوات بفرستید.

راه رسیدن به مراتب عالی (تصفیه‌ی قلب و تزکیه‌ی نفس)

«لا يمكن الوصول الا بالمواظبة التامة عليها و الاجتهاد الشديد فيها». اگر کسی بخواهد به مراتب عالیّه برسد، باید از راه تصفیه‌ی قلب و تزکیه‌ی نفس راه را طی بکند داداش‌جون!

کوی جانان را که صد کوه و بیابان در ره است

رفتم از راه دل و دیدم که ره یک گام بود

باید همت کنی و بگذری تا اینکه -ان شاء الله تبارک و تعالی- این یوسف

کنعانی را از ته چاه طبیعت در بیاوری، آقا جان!

یک صلوات بفرستید.

مبادا علمی که واجب نیست، شما را از علم واجب بازدارد!

بالاترین علمها آن علمی است که قلب ما را اصلاح بکند و موسی بن جعفر^۸ می‌فرماید: مبادا آن علمی که بر تو واجب نیست، از علمی که

۱ - «و من جاهد فانما يجاهد لنفسه ان الله لغني عن العالمين». عکبوت/۶



تحصیلش بر تو واجب است و از تو سؤال خواهند کرد، تو را باز بدارد.
باز یک صلوات بفرستید.

اگر بخواهید سیرالی الله بکنید، باید نفس خود را حبس کنید

و قال السجاد^۷ «جاهد هواك كما تجاهد عدوك»^۱. باید با هوای نفس مبارزه کنی، داداش جون! شیطان و نفس - مخصوصاً جوانها را- دعوت به منافیات اخلاق و خلاف شرع انور می کنند.

«فیجب علي السالك أن يقهرها ويحبسها عن حظوظها». باید شما با نفستان مجاهده کنید و اگر کسی بخواهد سیر الی الله بکند، باید نفسش را حبس بکند.

استفاده از حلال صافی فقط به قدر ضرورت

امیرمؤمنان^۷ می فرماید که بعضی ها علاوه بر اینکه از حرام الهی اجتناب می کنند، از حلال صافی هم فقط به قدر ضرورت استفاده می کنند، مبدا از سیر تکاملی باز بمانند. «احتز واللّه عن حلال الصافی».

یک صلوات دیگر بفرستید، داداش جون!

اهل غفلت، صید شیطان

کسی که اوقاتش را به اهمال و غفلت می گذراند، صید شیطان است، چنین شخصی نمی تواند مجاهده بکند. خدا عاقبت شما را به خیر بکند، ان شاء الله.

۱ - وسائل الشیعة (آل البيت)، الخرازمی، ج ۱۵ ص ۲۸۰



سخنرانی شماره (۵۸ الف) تاریخ ۶۸/۰۷/۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

﴿والذين يؤتون ما آتوا وقلوبهم وجله انهم الى ربهم راجعون﴾.^۱

شرکت در درس اخلاق، ضامن تداوم علم شماس

بنده به همکاران خودم و آقایان طلبه و دانشجو هشدار می‌دهم که اگر بخواهند علمشان ادامه پیدا بکند، باید در درس اخلاق شرکت کنند، هر جا که مقدورشان است، نزدیک منزلشان، شمال شهر، وسط شهر، جنوب شهر.

اخبار پشت پرده، ابوعلی‌ها را هم اسیر خود کرده است!

باید ببینند پشت پرده چه خبر است که ابوعلی‌ها را اسیر خود کرده است. ابوعلی کسی است که می‌گوید: من هیچ چیزی را بدون دلیل و استدلال قبول نمی‌کنم. اگر ایشان چند وقتی در نزد استادی شاگری می‌کرد، دیگر استاد از پس او بر نمی‌آمد. چنین شخصی می‌گوید:

با جان و روان بوعلی مهر علی چون شیر و شکر به هم درآمیخته است
آن کسی که هیچ چیزی را بدون دلیل و استدلال قبول نمی‌کند، حال غلام
علی شده است. الله اکبر!



در نامه‌ی دانشوران است که ایشان به ابوسعید نامه نوشت که ای صدیق یگانه! ما همه‌اش در بند دنیا و مادیت گرفتار هستیم و این است که نه دنیا داریم نه آخرت.

ای دنیا! خادم کسی باش که در خدمت من است

«یا دنیا اخدمی من خدمنی و اتعبی من خدمک»^۱. این خطاب تکوینی است که پروردگار می‌فرماید: ای دنیا! خدمتگزار کسی باش که خدمتگزار من است و هر کس که خدمتگزار تو باشد، او را در رنج و زحمت و محنت و بلا قرار بده.

صلواتی بفرستید.

فضیلت ذکر صلوات

اینکه من دائم شما را به ذکر صلوات متوجه می‌کنم، به این جهت است که در بعضی از روایات وارد شده است که هر کس بر ما صلوات بفرستد، ما ده صلوات برای او می‌فرستیم و در بعضی روایات مرحوم مجلسی؛ نقل می‌کند که هزار صلوات برای او می‌فرستیم.

نسبت معکوس بین دنیا و آخرت

عالم محضر پروردگار است، محضر علم است و ما هم در این مکتب مشغول تحصیلیم.

۱ - من لایحضره الفقیه، للشیخ الصدوق ج ۴ ص ۳۶۳



رسول اکرم^۹ فرمودند: نسبت دنیا و آخرت معکوس است. هر وقت دیدید که دنیا در نظر شما بزرگ شده است، یقین بدانید از آن طرف کم می‌شود. هر چه از مشرق دور بشوید، به مغرب نزدیک می‌شوید. از مغرب دور بشوید، به مشرق نزدیک می‌شوید، آقاجان!

تقاضای اهل علم از آیت‌الله بروجردی برای داشتن استاد اخلاق

پدر عزیز من! با چه مثال‌هایی من مطالب اخلاقی را به شما تعلیم می‌کنم! وقتی که بنده رفتم مدرسه آقای حجت^۱، آقایان اهل علم - که همه فاضل و مشغول به درس خارج بودند - به بنده گفتند: شما که پیش آقای بروجردی^۱ می‌روید، به ایشان بفرمایید که ما میل به دنیا پیدا کرده‌ایم و برای ما استاد اخلاق تعیین بفرمایند.

وقتی به ایشان این مطلب را عرض کردم، ایشان فرمودند: من از کجا برای ده هزار اهل علم استاد اخلاقی تهیه کنم؟ (در آن زمان ده هزار نفر اهل علم در حوزه علمیه مشغول به تحصیل بودند)

فهمیدی داداش جون! پس معلوم می‌شود که اگر آقایان بخواهند تحصیلات آنها ادامه پیدا کند، باید از درس اخلاق غافل نباشند.

حضرت امام^۱ هم فرمودند که در رأس علوم، تهذیب اخلاق است.

اگر درس اخلاق نباشد، تمایلی به این تحصیلات ندارم!

یکی از جوان‌هایی که واقعاً در حال مراقبه است، به بنده گفت: اگر من علم اخلاق تحصیل نکنم، این تحصیلات را رها می‌کنم!

بنده هم همین طورم، اگر مطالب اخلاقی را مورد مذاکره قرار ندهم، به این



تحصیلات تمایلی نخواهم داشت.

هدف از تحصیل، خدمت به امام زمان ۷ است

اگر درس اخلاق نباشد، تحصیلات شما منقطع خواهد شد. استعداد را خدا می‌دهد، عشق به تحصیل را خدا می‌دهد و غایت تحصیل هم این است که خدمتگزار امام زمان ۷ باشیم.
یک صلوات بفرستید.

مذاکره‌ی اخلاق در روزهای تعطیل

در حوزه‌ی علمیه روزهای پنجشنبه - که درس تعطیل بود- با برخی از بزرگان می‌نشستیم و مذاکره‌ی اخلاقی می‌کردیم تا این یک روز، یک هفته‌ی ما را تأمین بکند.

آیت‌الله بروجردی^(ه): اساتید قبل از درس یک حدیث اخلاقی بخوانند
آقای بروجردی^۱ می‌فرمودند: اساتید باید قبل از درس یک حدیث اخلاقی برای آقایان محصلین بخوانند، تا قلوب آنها پاک و پاکیزه و مهیای برای درک مطالب علمی بشود.

عشق به تحصیل از من رفته است!

در زمان ما یک کسی را آورده بودند مدرسه‌ی دارالشفاء^۱ برای درس خواندن. پدرش آمد و یک ججره‌ای را رنگ کرد و پرده‌های قلمکار

۱ - حوزه علمیه دارالشفاء واقع در جنب حوزه علمیه فیضیه قم



اصفهانی نصب کرد و چراغ خوراک پزی آلمانی و... برای او فراهم کرد. آن شخص گفت: پدر من همه‌ی این کارها را کرد، اما آن چیزی که اگر نباشد، اینها سودی ندارد، عشق به تحصیل است که در من وجود ندارد. عشق به تحصیل از من رفته است.

آغاز تحصیل باید توأم با درس اخلاق باشد

من به شما هشدار می‌دهم. مبدا با خودتان بگویید: نه بابا! این مطالب اخلاقی را بعداً خودمان مطالعه می‌کنیم! خیر، از همان اول که جامع‌المقدمات^۱ را باز می‌کنم، باید استاد اخلاق داشته باشم و الا عشق به تحصیل گرفته خواهد شد.

یک صلوات بفرستید.

مقام فقیهی که برای مردم احکام و روایات را بیان کند

باز برای اینکه شوق همکاران بنده زیاد بشود، این روایت را بخوانم که حضرت فرمود: «فقیه واحد ینقذ یتیمًا من ایتامنا المنقطعین عنا و عن مشاهدتنا بتعلیم ما هو محتاج الیه اشد علی ابلیس من الف عابد».^۲

یعنی فقیهی که رهایی دهد یتیمی از ایتام آل محمد^۹ را و برای مردم احکام و روایات را بیان کند، مساوی است با هزار عابدی که جز عبادت کاری ندارند.

۱ - اولین کتاب درسی حوزه‌های علمیه

۲ - عن الامام موسی بن جعفر (ع). الاحتجاج، للشیخ الطوسی ج ۱ ص ۸



لیس الیتیم من مات والده ان الیتیم یتیم العلم والادب^۱
یتیم حقیقی آن کسی نیست که پدرش مرده باشد، ممکن است همین
شخص یکی از بزرگان بشود. یتیم حقیقی آن کسی است که از علم و
ادب محروم مانده باشد.

فرق بین عالم و عابد

«لان العابد همه ذات نفسه»^۲. عابد می خواهد خودش را رهایی بدهد. اما عالم
می خواهد به بندگان خدا آگاهی بدهد. شغلش شغل انبیاست. عالم تلاش
می کند که بندگان خدا را از دست ابلیس و کارگران او خارج کند.
این هم بیان موقعیت آقایان گوینده نسبت به آقایان شنونده. آیا این
حدیث که از زبان موسی بن جعفر^۸ صادر شده است، مشوق نیست؟!

نجات یک نفر از گمراهی، زنده کردن اوست

شخصی از حضرت سؤال کرد: یابن رسول الله! معنای این آیه چیست که
پروردگار می فرماید: هر کس یک نفر را زنده کند، کأنّ تمام مردم را
زنده کرده است؟ حضرت فرمود: کسی که یک نفر را از گمراهی به
هدایت راهنمایی بکند، مانند این است که او را زنده کرده است.^۳

۱ - دیوان الامام علی (ع) ص ۱۸

۲ - الاحتجاج، للشیخ الطبرسی ج ۱ ص ۹

۳ - عن سماعة عن ابي عبدالله (ع) قال: قلت له: قول الله عزوجل: «من قتل نفسا بغير نفس او فساد في الارض فكأنما قتل الناس جميعا و من احياها فكأنما احيا الناس جميعا». فقال: من اخرجها من ضلال الى هدى فكأنما احياها و من اخرجها من هدى الى ضلال فقد قتلها. وسائل الشیعة، الحواله ج ۱۱ ص ۴۴۸



هر حدیثی که بنده برای شما می‌خوانم، یک هدیه است و شکرانه‌ی این هدیه یک صلوات است.

خوف مؤمن از قبول نشدن اعمالش

حضرت در بیان اینکه مؤمن اعمالش را به جا می‌آورد، اما قلب و دلش خائف و لرزان و هراسان است، فرمود: مؤمن نماز می‌خواند، روزه می‌گیرد و صدقه می‌دهد، اما خوفش از این است که مبدا اعمالش مقبول درگاه پروردگار واقع نشود.^۱

خوف، ریشه‌ی شهوات را می‌سوزاند

«ومتی سكن الخوف القلب احرق موضع الشهوات منه وطرد عنه الرغبة فی الدنيا».^۲ زمانی که خوف در قلب ساکن شود، ریشه‌ی شهوات را می‌سوزاند.

گشایش کارها و پر شدن قلب از خوف، در اثر بندگی

یک شب به طاعت تو نیاورده‌ام به صبح
باید در تاریکی شب پروردگار را بخوانی، باباجان!
یک شب به طاعت تو نیاورده‌ام به صبح
بیهوده رفت روز و شب و سال و ماه من
این است که فرمود: اگر تو بندگی بکنی، کارت را آسان و قلبت را پر از خوف خودم می‌کنم.

۱ - مسند احمد بن حنبل ج ۶ ص ۲۰۵

۲ - قول بعض ارباب القلوب. البداية والنهاية، لابن کثیر ج ۱۱ ص ۲۶۶ و رياض السالکين، سيد علی خان ج ۵ ص ۳۲۷



بی رغبتی به دنیا و دوری از امیال نفسانی در اثر خداترسی

وقتی که خدا ترسی آمد، امیال نفسانی را می‌سوزاند. دیگر نگاه به نامحرم نمی‌کند، زیانش را کنترل می‌کند، آقا جان من!

«وطرد عنه الرغبة فی الدنیا». اگر خوف در قلب ساکن شد، رغبت به دنیا از بین می‌رود. (بی رغبتی به دنیا ابتدای کلاس حکمت است)

زهد در دنیا به معنای گوشه نشینی نیست

حضرت فرمود: زهد در دنیا به معنای گوشه‌نشینی نیست، بلکه زاهدترین زاهدان آن جوانی است که پا روی غرایز شهوانی و امیال نفسانی بگذارد.

گاهگاهی می‌خندد، اما دلش پر از حزن است

«و اظهر آثار الحزن علی وجهه». نشانی‌اش هم این است که آثار حزن در قیافه‌اش ظاهر است. اگر چه گاهگاهی بخندد، اما قلب و دلش مملو از حزن است.

به عالمی نفروشم غم محبت جانان که این متاع گرامی به نقد عمر خریدم
باز یک صلوات دیگر بفرستید، داداش جون!

مؤمن در هر حالی بمیرد، شهید است

حال ببینیم که موقعیت مؤمن چقدر است. شخصی گفت: یابن رسول الله! من عمرم خیلی گذشته است و دلم می‌خواهد که در بستر نمیرم و شربت شهادت بچشم. (خوب گوش کنید آقا!) حضرت فرمودند: مؤمن چون در تمام



مراحل زندگی متوجه وظایف خود است، در هر حالی بمیرد، شهید است.^۱
مؤمن شهید است ولو در بستر بمیرد و سندش هم این آیه است که فرمود:
﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾^۲

توجه مؤمن به وظایف شرعی

مؤمن به وظایف خود توجه دارد، - مثلاً- توجه به اینکه مرجع تقلیدش چه دستور می‌فرماید.

شب اول قبر از اعمال شما سؤال می‌کنند، می‌پرسند: معارف اسلامی را از چه کسی یاد گرفتی، از چه راهی یاد گرفتی، احکام اسلامی را از کجا یاد گرفتی.

آقاسیدعبداله‌ادی؛ روز قیامت عمل مستند می‌خواهند

خدا رحمت کند آقاسید عبداله‌ادی را که می‌فرمود: روز قیامت عمل مستند می‌خواهند. عمل انسان باید مستند باشد و جاهل هر چه بر سرعت سیرش اضافه بکند، از حقیقت دور می‌افتد، چون راه را نمی‌داند.
این ره که تو می‌روی به ترکستان است

۱ - تفسیر نور الثقلین، الشیخ الحویزی ج ۵ ص ۲۴۴

۲ - حدید/۱۹ «و کسانی به خدا و فرستادگانش ایمان بیاورند، همانا صدیقان و شهداء در نزد خدایند».



سخنرانی شماره (۵۸ ب) تاریخ ۶۸/۰۷/۲۸

بسم الله الرحمن الرحيم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

نماز شب خواندن حتی سوار بر مرکب

انسان می تواند نمازهای مستحبی و نماز شب را روی مرکبش که سوار است، بخواند.

محرومیت از درک فضائل علم حقیقی

در هفته ی گذشته ما یک شب از درک فضائل علم حقیقی - که بیانات اهل بیت: است - محروم ماندیم و من خیلی متأثر شدم که چه شده است که ما و رفقا در آن شب از فضائل علم محروم ماندیم؟!

مناجات شهید: بعد از محروم شدن از نماز شب

شهید: وقتی یک شب از نماز شب محروم ماند، شروع کرد به مناجات با پروردگار که ای پروردگار عزیزم! اولیاء تو در تاریکی شب از ذکر تو لذت بردند، اما من محروم ماندم.

الاولیاء تلذذوا بک فی الدجی بتخشع و تذلل و حنین^۱

ای پروردگار! امشب که مرا محروم کردی و رفقای من در سیر به سوی

۱ - أمل الامل، الحرالعاملی ج ۱ ص ۱۸۲



تو، بر من سبقت جستند، آیا من گناهی کرده‌ام که از آنها باز ماندم؟ یا اگر آنها هم گناه کردند، آنها را بخشیدی و مشغول سیر شدند و من مورد عفو تو واقع نشدم.

این یک داستان دیگری است، باباجان من!

استمداد از سحر برای حل معضلات علمی و فلسفی

آن کسی که سحرها بلند می‌شود و می‌گوید: علم مقدم است، نظر خود اوست، اما حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی^۱ به آقای یاسری فرمودند: من جواب شما را فردا می‌دهم، چون می‌خواهم استمداد از سحر بجویم. بعضی از رفقا می‌گویند که ما حل مشکلات و معضلات علمی و فلسفی را وقت سحر از پروردگار درخواست می‌کنیم و پروردگار هم آن مشکلات را رفع می‌کند.

کسب علم حتی وقت جان دادن

بنده خیلی به علم اهمیت می‌دهم. در احوالات ابوریحان بیرونی می‌نویسند که در حالت جان دادن هم مطالعه می‌کرد. یک صلوات بفرستید.

محرومیت از علم حقیقی در اثر معصیت

و قال امیرالمؤمنین^۷ «إذا ارذل الله عبداً خطر عليه العلم». یعنی اگر خداوند وَعَزَّ بنده‌ای را بر اثر ناشایستگی و معصیت، فرومایه و پست بکند، رحمتش را



از او باز می‌دارد و او را از علم و دانش منع می‌کند و برای به دست آوردن دانش او را موفق نمی‌کند. خوب فهمیدی، باباجان! (همانطور که طاعت مقرب است، معصیت دورکننده است)

فیزیک می‌خواند، شیمی می‌خواند، قماربازی هم می‌کند.
علوم اسلامی یک مبحث دیگری است، علم به حمل اولی و شایع است.
«اذا ارذل الله عبداً خطر عليه العلم».

موفق به یاد گرفتن علم نمی‌شود. فهمیدی، داداش جون!
آن شب چه داستانی بود که ما از درک فضائل علم حقیقی محروم شدیم؟!
آیا من روسیاه گناه کرده‌ام؟! آیا شما هم با من شریک جرم بودید؟! من تا صبح ناراحت بودم. علم است آقا، خیلی مهم است.

ای نبی محترم ما! بلند شو و مردم را نجات بده

رسول اکرم^۹ وقتی با عده‌ای بالای کوه حراء بودند و از آنجا به سمت وسط وادی آمدند، آوازی برآمد. هر چه حضرت به اطراف نگاه کرد، کسی را ندید. ناگهان جبرئیل را دیدند که بر روی کرسی نشسته است. (هر وقت که وحی بر مقام رسالت نازل می‌شد، ایشان حالت غیر عادی پیدا می‌کردند) حضرت فرمودند که مرا پوشانید. آب بر سر حضرت ریختند. در همین حال آیه نازل شد که ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ﴾^۱ ای نبی اکرم ما! بلند شو، راحتی را کنار بگذار و مردم را نجات بده، مردم را بیدار کن.



وقتی که خدا و پیغمبرش می‌خواهند شما را نجات بدهند، آیا شما نمی‌خواهید خودتان را نجات دهید، باباجان؟!

«وِثَائِبُکَ فِطْهَرٌ»^۱ قلبت را از غیر خدا پاک کن. «و طهر قلبک عن ما سوی الله». بعضی هم «تطهیر» را به معنی «تشمیر» دانسته‌اند، یعنی کمرت را ببند برای خدمت به مردم.

آیا پروردگار عزیز از ما می‌گذرد که ما وقتمان را صرف سیب‌زمینی و پیاز و این حرفها بکنیم؟!

چرا برخی موجب گرانی ارزاق مسلمانان می‌شوند؟!

خدا شاهد است که من وقتی بعضی از چیزها را می‌شنوم، خیلی ناراحت می‌شوم. امام^۷ فرمود: افراد جامعه را باید به این نظر نگاه بکنید که پدر و برادر و پسر شما هستند. این چه نحو اسلامی است که بعضی‌ها موجب گران شدن ارزاق مسلمانان می‌شوند!

دستور امام صادق^۷ به فروش گندم خانه

امام صادق^۷ وقتی که دید قیمت ارزاق گران شده، فرمودند این گندمی که در خانه است را به بازار برده و بفروشید و در دسترس مردم قرار بدهید. پروردگار بخاطر بعضی از اعمال، برکت را از پول و رزق شما بر می‌دارد. حضرت فرمودند: کسی که نسبت به یک مسلمان غش در معامله کند، در قیامت با یهود و نصاری محشور می‌شود.



اتحاد مسلمانان، عامل پیروزی با کمترین امکانات

«المسلم اخ المسلم»^۱ مسلمانان باید با یکدیگر اتحاد داشته باشند، آقاجان من! والا دشمنان از نفاق شما سوء استفاده خواهند کرد.

مسلمانان با کمترین امکانات در جنگها شرکت می کردند، آنها با همین نیزه‌ها و شمشیرهای شکسته اسلام را حفظ می کردند. چند نفر با یک خرما قوت می گرفتند. این طور اسلام را حفظ کردند، داداش جون و تا تنگه‌ی جبل الطارق و اندلس پیش رفتند. آن خبیث‌ها هم با کاشتن تخم نفاق، وحدت کلمه بین مسلمین را از بین بردند.

شرح ماجرای غم انگیز مسلمانان اسپانیا، در کتاب «غروب آفتاب در اندلس» بیان شده است.

یک صلوات بفرستید.

ای داد بیداد! باز یک صلوات دیگر بفرستید.

وقت نماز فقط باید متوجه پروردگار باشی

نبی اکرم^۹ هنگام نماز می فرمودند: «ارحنا یا بلال»^۲. یعنی ای بلال! وقت نماز است، بیا و ما را راحت کن.

وقت نماز، نباید با کسی کاری داشته باشی و کسی هم نباید با تو کار داشته باشد، باید متوجه پروردگار باشی.

۱ - تحف العقول ص ۲۰۳

۲ - رسائل الشهد الثانی (ط ق) ص ۱۲۰



نظر پروردگار به بنده‌ی مؤمن در حال نماز

«اذا قام العبد المؤمن في صلاته نظر الله عزوجل اليه او اقبل الله عليه حتي ينصرف»^۱.
وقتی بنده‌ی مؤمن به نماز می‌ایستد، پروردگار به او نظر می‌کند، به او اقبال می‌کند. «المصلي يناجي ربه»^۲. نمازگزار با پروردگار مناجات می‌کند.
«واظلمته الرحمة من فوق رأسه الى افق السماء»^۳. در حال نماز، رحمت پروردگار بر سر شما می‌بارد.

«و الملائكة تحفه من حوله الى افق السماء». فرشتگان هم در حال نماز اطراف شما را می‌گیرند و یاری‌تان می‌کنند و برایتان دعا می‌کنند، برایتان استغفار می‌کنند. عجب موقعیتی است!

اگر می‌دانستی با که سخن می‌گویی، از جای تکان نمی‌خوردی

«و وكل الله به ملكاً قائماً علي رأسه يقول له ايها المصلي لو تعلم من ينظر اليك و من تناجي ما التفت و لازلت من موضعك ابداً».
یک ملکی هم بالای سر من می‌ایستد و می‌گوید: اگر می‌دانستی که چه وجودی به تو نگاه می‌کند و چه کسی نظر رحمت به تو دارد، به جایی توجه نمی‌کردی و اگر می‌دانستی که با چه کسی مناجات می‌کنی، هرگز از جای تکان نمی‌خوردی.

۱ - الکافی، ج ۳ ص ۲۶۵

۲ - بحارالانوار ج ۶۸ ص ۲۱۵

۳ - الکافی، ج ۳ ص ۲۶۵



به همین جهت، کراهت دارد انسان در حال نماز دست در سوراخ دماغ و گوش خود کند و خودش را بخاراند.

یک نماز ظاهری داریم و یک نمازی که نهی از فحشاء می کند
یک نماز ظاهری داریم که ساقط کننده‌ی تکلیف است و یک نمازی هم داریم که نهی از فحشاء و منکر می کند که حضور قلب و توجه می خواهد.

دزد نمازخوان

مع ذلک شخصی عرضه داشت: یا رسول الله! شخصی هست که دزدی می کند، بعضی کارهای بد می کند، ولی نماز هم می خواند! حضرت فرمودند: ان شاء الله این نماز، او را از آن کارهای بد جدا می کند.

یک صلوات بفرستید.

اگر لذت ترک لذت بدانی

سعدی می گوید:

اگر لذت ترک لذت بدانی دگر لذت نفس را لذت نخوانی
در مقام نصیحت این نفس خبیث باید گفت: ای نفس! آخر نمی شود ما از دنیا برویم و این مراتب را نبینیم، از حسرت می میریم. ای نفس! بیا و بخاطر پروردگار از این مناظر حرام صرف نظر کن!

دگر لذت نفس را لذت نخوانی

سفرهای علوی کند مرغ جانت گر از چنبر آرز بازش رهانی

هزاران در از خلق بر خود ببندی گرت باز باشد در آسمانی



و اما این بیت خیلی مهم است که می‌گوید:

هزاران در از خلق بر خود ببندی گرت باز باشد در آسمانی
وقتی هَمّت، هَمّ واحد شد، همه‌ی درها را به روی خود می‌بندی، دیگر چه
احتیاجی به کس دیگر داری؟! همان پروردگاری که اگر اطاعتش کنی،
نان و آبّت را می‌دهد، تمام مجاری را بر روی تو باز می‌کند. اینکه دیگران
به من ارادت نداشته باشند یا مرا دوست نداشته باشند، این مسائل مطرح
نیست. «وما الذي فقد من وجدك»^۱ ای پروردگار عزیز! آن کس که تو را
دارد چه ندارد. کسی که تو را دارد، همه‌ی درها را به روی خود می‌بندد.

چرا این بنده در تمام کردن نمازش عجله می‌کند؟!

مرحوم حاج میرزا جواد آقا، در کتاب «اسرار الصلاة» می‌فرمایند که وقتی
نمازگزار نمازش را تند می‌خواند و توجه به خدا و حضور قلب ندارد، (اذان
و اقامه را نمی‌خواند، تسبیحات اربعه را یکی می‌خواند و ...) پروردگار در مقام گلایه
از او می‌فرماید: ای ملائکه! این بنده‌ای که تمام حوائجش در دست من
است، چرا در تمام کردن نمازش عجله می‌کند؟!

به قدری که کار کردی، به تو می‌دهند، داداش جون!

﴿وان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم﴾^۲ خزینه‌ی همه چیز
پیش پروردگار است، منتهی به قدری که لیاقت داری و ظرفیت جا دارد،

۱ - دعاء الامام الحسين في يوم عرفة. اقبال الاعمال، للسيد بن طاووس ص ۳۴۹

۲ - حجر/ ۲۱



در ظرف تو می ریزند. به قدری که کار کردی، به تو می دهند، داداش جون!
خام طمع نباش!

چهل روز خواندن دعای عهد و دیدن امام زمان^۷

حضرت فرمودند که هر کس چهل روز بعد از هر پنج نماز دعای عهد را بخواند، بالاخره - اگر شده یک دقیقه - امام زمان^۷ را خواهد دید.
یک کسی گفت من چهل روز این دعا را خواندم، یک مرتبه به من گفتند: مؤدب بایست! که امام زمانت در سمت راست تو ایستاده است.
اگر بتوانیم آفتاب را ببینیم، روی او را هم خواهیم دید.
یک صلوات بفرستید.

فراموش کردی تو عهد الست

ولیکن تو را صبر عنقا نباشد که در دام شهوت به گنجشک مانی
چنان می روی غافل و خواب در سر که می ترسم از کاروان باز مانی
آن شعری که همیشه بنده می خوانم این است:
به قید طبیعت شدی پای بست فراموش کردی تو عهد الست
می گوید: در عالم الست^۱ «بلی» گفتی، (که باید در مقام فعلیت عبودیت
پروردگار، به تدریج آن را پیاده کنی) اما امروز در بستر «لا» خفتی!
یک صلوات دیگر بفرستید، داداش جون!

۱ - « و اذ اخذ ربك من بني آدم من ظهورهم ذريتهم و اشهدهم على انفسهم الست بربكم قالوا بلى شهدنا ان تقولوا يوم القيامة انا كنا عن هذا غافلين ». اعراف/۱۷۲



بنده‌ای که نمازش را سبک بخواند

«اذا قام العبد فی صلاته فخفض صلاته قال الله تبارک و تعالی ملائکته اما ترون الی عبدی کانه یری ان قضاء حوائجه ید غیری اما یعلم ان قضاء حوائجه یدی»^۱.

وقتی بنده‌ای نمازش را سبک خواند، پروردگار خطاب به ملائکه می‌فرماید: آیا این بنده‌ی مرا می‌بینید؟! تصور می‌کند که برآورده شدن حاجات او به دست کس دیگری است! آیا او نمی‌داند که حاجات او به دست من است؟!!

نمی‌توانیم تصمیم قاطع بگیریم

رفقا یک قدری هم توحید عملی پیدا کنیم.

همی ترسم ای جان عالی مقام به چاه طبیعت بمانی مدام
می‌ترسم این شیطان و نفس نگذارند که ما بپریم. آی رفقای عزیز! این دست
و پا و ذهن و گوش و چشم به شما التماس می‌کنند، اما ما تصمیم قاطع
نداریم.

همی ترسم ای هدهد خوش خبر نشان سلیمان نبینی دگر
همی ترسم ای مرغ پرکنده بال به چنگال زاغان شوی پایمال

برافشان پر ای مرغ قدسی مکان

ای پروردگار عزیز! بیا و ما را دریاب.

برافشان پر ای مرغ قدسی مکان پر و بال ز آمیزش خاکیان

۱ - عن ابی عبدالله (ع) فی الکافی ج ۳ ص ۲۶۹



به خود دربی از این قفس برگشای به صقع سماواتیان پرگشای
ای پروردگار عزیز! به حق امام زمان ۷ ما را موفق بفرما.

سخنرانی شماره (۵۹ الف) تاریخ ۶۸/۰۸/۰۲



بسم الله الرحمن الرحيم
اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

یا عالم باشید یا متعلم

عن ابی عبدالله انه قال: «لست احب ان اري الشاب منكم الا غادياً في حالين اما علماً او متعلماً».^۱ حضرت فرمود: من دوست ندارم که شما را فارغ‌البال ببینم، باید شما بین دو عنوان زندگی کنید. علم باعث حیات قلب است، یا عالم باشید یا متعلم. یعنی باید به یکی از این دو عنوان متخلق باشید. البته عالم با عمل نه مثل بنده، یا متعلم باشید و تعلم کنید.

اگر نه عالم باشید نه متعلم، خود را ضایع کرده‌اید

«فان لم یفعل فرط». اگر جوانی یکی از این دو کار را نکرد، در وظایف انسانیت تقصیر کرده است.

«فان فرط ضیع». اگر تقصیر کند، خودش را ضایع کرده است. او را به این دنیا آورده‌اند برای اینکه یا عالم باشد و افراد جامعه را بسازد (در ضمن اینکه خودش تخلق علمی پیدا می‌کند) و یا متعلم باشد، نه اینکه یله و رها و متحیر باشد که من برای چه خلق شده‌ام؟

طاعت و بندگی فقط با علم مقدور است

بارها بنده این روایت را خوانده‌ام که حضرت می‌فرماید: «لا نجاة الا بالطاعة

۱ - الامالی، للشیخ الطوسی ص ۳۰۳



و الطاعة بالعلم»^۱ وقتی من می‌خواهم بندگی بکنم، باید بدانم که طریق بندگی چیست. طریق بندگی یک راه علمی است. علم به وظائف خودمان را هم باید از کسی که اهل خبره است و به این عنوان متخلق است، اخذ بکنیم.

لزوم آشنا شدن به وظایف اعضاء و جوارح

«فان ضیع اثم» اگر خودش را ضایع کرد، گناه کرده است. اعضا و جوارح التماس می‌کنند که ما را بر آنچه که برای آن خلق شده‌ایم، بگمار، ما را به وظیفه‌ی خودمان آشنا کن. دست چه وظیفه‌ای دارد؟ چشم چه وظیفه‌ای دارد؟ پا چه وظیفه‌ای دارد، آقا جان؟ باید به وظائف خودمان علم پیدا کنیم. سایر علوم تا لب قبر است، آقا جان!

علم واجب، علم تقوی و یقین است

«طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة و هو علم التقوی والیقین».^۲ آن علمی که طلبش بر هر زن و مردی واجب است، علم تقوی و یقین است. آیا راهی هست که مرا به مقام یقین برساند؟ البته که هست، آقا!

راه رسیدن به مقام یقین

برای رسیدن به مقام یقین، باید عقل را احیا بکنی و از امیال نفسانی جلوگیری بکنی، آقا جان من! این هم با رفتن به درگاه پروردگار است.

۱ - الکافی ج ۱ ص ۱۷ عن موسی بن جعفر علیهما السلام

۲ - مصباح الشریعة ص ۱۳



ما لي سوي فقري اليك وسيلة^۱ فبالافتقار اليك فقري ادفع^۱
ای پروردگار عزیزم! من هیچ جایی جز دربِ خانه‌ی تو ندارم.
﴿يا ايها الناس انتم الفقراء الى الله﴾^۲ ای مردم شما فقیران بسوی خدايید.
﴿و من جاهد فانما يجاهد لنفسه﴾^۳ اگر مجاهده بکنی، برای خودت کردی،
پروردگار بی‌نیاز از شماست.
پروردگار می‌فرماید: ﴿عليكم انفسكم﴾^۴ یعنی نفس را رها نکنید، باید
استقامت بکنید.

هدف خلقت، پرواز بالاتر از ملائک

شخصی سؤال کرد: یابن رسول الله! پروردگار برای چه ما را خلق کرده
است؟ برای اینکه به واسطه‌ی تخلق عملی پرواز کنید و از ملائکه بالاتر
روید، به مقامی برسید که ملائکه خدمتگزار شما شوند، که حضرت فرمود:
«الملائكة خدام شيعتنا»^۵ یعنی ملائکه خدمتگزار شیعیان ما هستند.
عمان سامانی می‌گوید:

در رتبه خویش را به ملایک توان رساند گر نهی نفس کرده پی مدعی شوی
در رتبه خویش را به ملائک، بلکه به فوق ملائک توان رساند.

۱ - المصباح، للكفعمی ص ۳۸۲

۲ - فاطر / ۱۵

۳ - عنکبوت / ۶

۴ - مائده / ۱۰۵

۵ - و فی الکافی عن ابی جعفر (ع): الملائكة خدام المؤمنين. الکافی ج ۲ ص ۳۳



داداش جون! نباید هر کسی خودش را به یک سلسله عادات مشغول بکند.

غایت علم چیست؟

یک عده به دانشگاه می‌روند و تحصیل می‌کنند، یک عده هم مثل ما در حوزه‌ی علمیه مشغول به تحصیل هستند، اما بالأخره غایت و هدف علم چیست؟ بالأخره باید تحصیل علم به جایی برسد که حال مرا اصلاح کند. مبدا علمی که بر شما واجب نیست، از علمی که واجب است، شما را باز بدارد.

برای ما چشم روشنی چه آورده‌ای؟ (سؤال بعد از مرگ)

بعد از رفتن از این دنیا، اولین سؤالی که از شما می‌شود، این است که ای بنده‌ی من! با امانت‌های من چه کردی؟ «عبدی ماذا صنعت فی امانتی؟»^۱
سؤال می‌شود که برای ما چشم‌روشنی چه آورده‌ای؟
البته این را به همه نمی‌گویند، این را به اشخاصی که مجهز هستند، می‌گویند، همان کسانی که حضرت درباره‌ی آنها فرمود: «و اعد القرى لیوم النازل به»^۲.

آتش جهنم در اثر توجه نکردن به علم و عمل

حضرت می‌فرمایند: «ان اثم سکن فی النار والذي بعث محمدًا بالحق»^۳. یعنی قسم

۱ - جامع السعادات، للمولی محمد مهدی النراقی، ج ۳ ص ۴۸

۲ - نهج البلاغه، خطبة ۸۷

۳ - الامالی، للشیخ الطوسی ص ۳۰۳



به کسی که مرا مبعوث کرد، اگر به یادگیری مسائل دینتان و عمل به آن توجه نکنید و نادیده بگیرید، گرفتار آتش جهنم خواهید شد. («و» در این عبارت برای قسم است و حضرت مبالغه نمی کند، داداش جون!)

عاقبت بی توجهی به احکام اسلامی

در سوره‌ی انشقاق می فرماید که نامه‌ی عمل بعضی را از پشت سر به آنها می دهند. وقتی می پرسند: چرا؟ می گویند: برای اینکه شما احکام اسلامی را پشت سرتان انداختید، دنیا را در مقابل و آخرت را پشت سرتان قرار دادید. اگر بخواهید بدانید که به عوالم اخرویه اقبال دارید یا ادبار، باید خودتان را به استاد عرضه کنید.

اختصاص ساعتی برای طلب علم

«یا بنی اجعل فی ایامک و لیالیک و ساعاتک نصیباً لک فی طلب العلم»^۱

حضرت لقمان به فرزندش فرمود: فرزندم! در شبانه روز و ساعات خودت زمانی را هم برای طلب علم قرار بده.

«فانک لن تجد له تضییعاً مثل ترکه». اگر این ساعت را در شبانه روزت ترک بکنی، زیانکار خواهی بود، اصلاً ما بازاء ندارد، آقا جان! اگر این ساعت طلب علم از دست تو رفت، دیگر نخواهی یافت.

خسران وقت جان دادن، برای کسی که به مرتبه‌ی یقین نرسیده

۱ - عن ابی عبدالله (ع): کان فیما وعظ لقمان ابنه ان قال له: یا بنی اجعل فی ایامک و لیالیک و ساعاتک

نصیباً لک فی طلب العلم فانک لن تجد له تضییعاً مثل ترکه. الامالی، للشیخ المفید ص ۲۹۲



هر کس هستی داداش جون! مبدا از تحصیل علم تقوی و یقین غفلت کنی. اگر به مرتبه‌ی یقین نرسی، ممکن است آن لحظه‌ی آخر «خسرالدنیا والاخرة» از دنیا بروی. اگر به مرتبه‌ی یقین نرسیم، شیاطین در وقت جان دادن حاضر می‌شوند و ما را خاسر و خائف از دنیا می‌برند. یک صلوات بفرستید.

قرائت قرآن (عوامل نورانیت قلب)

«و قال ۹ خمسة تنور القلب».^۱ حضرت فرمودند: پنج چیز است که قلب شما را منور می‌کند. اول قرائت قرآن است. قرائت قرآن حجابها را از روی قلب برمی‌دارد، خصوصاً اگر انسان با تدبیر بخواند.

انتخاب تفسیر مناسب

تفاسیر زیادی نوشته شده است. شما باید ببینید که کدامیک از تفاسیر با ذوق شما موافق است. تفسیر مرحوم علامه‌ی طباطبایی؛ به درد نوع شما نمی‌خورد، باباجان من! این تفسیر به درد اشخاصی که در مراحل بالا هستند می‌خورد. شما باید از کلاس اول شروع کنید، از تفاسیری مانند تفسیر مرحوم ملافتح‌الله (کاشانی) که هم خلاصه دارد، هم مطول. «افضل اعمال امتی قراءة القرآن مع التدبر».^۲ حضرت فرمودند: افضل اعمال امت من این است که قرآن را با تدبیر بخوانند.

- ۱

- ۲



کم خوردن (عوامل نورانیت قلب)

و اما دومین چیزی که قلب را نورانی می‌کند، کم خوردن است، بخصوص در شب. مؤمن غذایی که می‌خورد، غایت و هدفش این است که نیمه‌شب برخیزد و به درگاه قاضی الحاجات بندگی بکند، زیرا حضرت فرمود که تنها راه نجات، بندگی کردن است. «لإنجاة الا بالطاعة».^۱ مؤمن به دنبال بندگی کردن است، نه اینکه دائم به دنبال فربه کردن بدنش و توجه به مادیت باشد.

همنشینی با رهبران دین (عوامل نورانیت قلب)

«ومجالسة العلماء». سومین چیزی که قلب را نورانی می‌کند مجالست و همنشینی با دانشمندان و رهبران دین است. با عالم نشست و برخاست کنید که همین نشست و برخاست با عالم مؤثر است، داداش‌جون!

سوء ظن به خوبان در اثر همنشینی با انسانهای بد

امیرمؤمنان^۷ فرمودند: «مجالسة الاشرار توجب سوء الظن بالاخيار».^۲ یعنی معاشرت کردن با اشرار و انسانهای بد باعث می‌شود که انسان نسبت به خوبان و نیکان سوء ظن پیدا بکند. اما اگر با دانشمندان معاشرت بکند، اگر خللی در کارش باشد، به او تذکر می‌دهند.

۱ - الکافی ج ۱ ص ۱۷

۲ - الامالی، للشيخ الصدوق ص ۵۳۱



نماز شب و رفتن به مساجد (عوامل نورانیت قلب)

«و الصلاة في الليل». نماز در شب هم قلب شما را منور می کند.
 «و المشي في المساجد». وقتی که شما در مساجد ایاب و ذهاب کردید، خداوند علی‌اعلی از آن علوم حقیقیه نصیب شما می کند، پروردگار عزیز شما را موفق به ترک محرمات و فعل واجبات - که کلاس اول است - می کند تا کم کم در معرض رحمت او قرار بگیرید.
 «حق علی المزور ان یکرم الزائر».^۱ زائر بر کسی که به زیارتش آمده، حق دارد. ما هم زائریم و به مسجد - که خانه‌ی خداست - برای زیارت او آمده‌ایم و پروردگار هم این ثمرات را به شما مرحمت خواهد کرد.

صفات مؤمن در بیان امیرمؤمنان^۷

امیرمؤمنان^۷ در توصیف مؤمن می‌فرماید: مؤمن صادق است، در تمام مراحل پروردگار قلبش را توسعه می‌دهد، حافظ حدود شرع است، هر چیزی در این ظرف علم نمی‌ریزد، آقا جان! عقلش کامل و قلبش از غیر خدا سالم است.^۲

ای موسی! برای مؤمن تواضع کن

پروردگار هم در سفارش به رعایت مؤمن می‌فرماید: ای موسی! اگر مؤمن را

۱ - ثواب الاعمال، للشيخ الصدوق ص ۲۸

۲ - روی عن امیرالمؤمنین (ع) أنه قال: المؤمن يكون صادقا في الدنيا راعي القلب حافظ الحدود وعاء العلم كامل العقل مأوى الكرم سليم القلب ... جامع الاخبار ص ۸۴



دیدي، برای او تواضع کن. «فاذا لقيتهم ياموسى فاخفض لهم جناحك»^۱.
باید آقایان دعا بکنند که یک قدری سلامتی نصیب این مَرکَب^۲ بشود که
بنده خدمتگزار شما باشم، در خدمت شما باشم و حقیقتاً بنده دوستدار شما
هستم.

سخنرانی شماره (۵۹ ب) تاریخ ۶۸/۰۸/۰۵

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ - عدة الداعي، ابن فهد حلی ص ۱۴۷

۲ - اشاره به جسم است.



اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

احكام مضاربه

در مضاربه، يك نفر پول مي دهد و يك نفر هم با آن تجارت مي كند، اما اگر من پول را به عنوان مضاربه از شما بگيرم و به كس ديگر قرض بدهم، اين مضاربه باطل است.

گاهي اوقات در مضاربه نوع تجارت معين مي شود، گاهي اوقات هم مطلق است و نوع تجارت مشخص نمي شود. تقسيم منافع مضاربه بايد به صورت مشاع باشد، مثلاً صاحب پول بگويد: هر چه درآوردي، يك سومش مال جنابعالی و دو سومش هم مال من يا نصفش مال تو و نصفش هم مال من. اين صحيح است، نه اينكه مبلغ مشخصي تعيين بشود كه در اين صورت به عنوان مضاربه باطل است.

مسئله ديگر اين است كه اگر شخص عامل بگويد كه سرمايه را دزد برد، چه حكمي دارد؟ جواب اين است كه شخص عامل امين است و امين هم در چنين صورتي قسم مي خورد كه دزد مال را برده است. در مضاربه بايد پول مشخص باشد و مال مضاربه بايد عين باشد و دين نباشد.

آنقدر بايد من اين مسائل را بگويم، داداش جون! تا در ذهن شما فرو برود.

لقمان حكيم ۷: آنقدر موعظه مي كنم تا در دلت رسوخ كند

لقمان حكيم ۷ پدر حكمت بود، كسي بود كه حضرت سليمان و داود^۸ در درس او شركت مي كردند، اما پسرش به او گفت: پدر عزيز من! اين فرمايشات و كلمات شما در قلب من اثر نمي كند! حضرت لقمان^۷



فرمودند: اینها بیانات حق است، آنقدر می گویم تا در دلت رسوخ بکند.

سؤال از یادگیری احکام شرعی در شب اول قبر

شب اول قبر از شما راجع احکام تان سؤال می کنند که یاد گرفتید یا نه؟ از بس فقط مسائل طهارت و نماز و روزه گفته شده و این مسائل گفته نشده، از ذهن شما بیگانه شده است. من از آقایان در تلویزیون و رادیو خواهم می کنم که مردم را از مسائل اجاره و مضاربه و مواردی که در بانک و غیر بانک متداول است، آگاه کنند و این مسائل را برای مردم بگویند.

تهذیب اخلاق در رأس علوم

آن چیزی که شما را نگه می دارد- چه آقایان اهل علم و چه دیگر آقایان- همین درس اخلاق است آقایان من! رهبر کبیر انقلاب فرمودند که در رأس علوم، تهذیب اخلاق است، یعنی اول انسان باید تهذیب اخلاق کند، قلبش را از اخلاق رذیله پاک کند و محرمات را ترک و واجبات را انجام دهد.

نظر ناپلئون درباره ی احکام و قوانین اسلامی

وقتی احکام اسلامی را برای ناپلئون بیان کردند و قوانین اسلامی را حقیقتاً به او عرضه کردند، گفت من اگر سلطنتم مستقر بشود، قوانین اسلامی را پیاده خواهم کرد. وقتی قوانین اسلام را مطالعه کرد، دید این قوانین از سطح فکر بشر خارج است، پس مسلمانها که باید سیادت بر تمام اهل عالم پیدا بکنند، چرا چنین حال و روزی دارند؟!

اگر شما مسلمان بودید، ما نمی توانستیم بر شما مسلط شویم!



وقتی ناپلئون به مصر سفر کرد، درخواست کرد که چند نفر از مسلمانها را به حضور او بیاورند. وقتی مسلمانها آمدند، از آنها سؤال کرد: شما چه دینی دارید؟ گفتند: ما مسلمانیم. ناپلئون گفت: خیر! شما مسلمان نیستید! اگر شما مسلمان بودید، سیادت و بزرگی بر عالم داشتید و ما نمی توانستیم بر شما مسلط شویم.
صلوات بفرستید.

عادل کیست؟ (حفظ نفس از نگاه و صدای حرام)

«العادل هو الذي يحبس نفسه و يردّها عن هواها».^۱ عادل کسی است که نفس خود را از نگاه حرام و گوشش را از شنیدن صدای حرام حفظ کند. دوستی خدا و دوستی امیال نفسانی در یک دل جمع نمی شود.

اگر در حرمت چیزی شک داشتید، گوش ندهید، آقا جان!

حضرت امام^۱ هم فرمودند که اگر یقین دارید که چیزی زنده نیست، گوش بدهید، ولی اگر در چیزی شک داشتید، گوش ندهید، آقا جان!

قدرتهای خارجی مانع رشد کشورهای اسلامی

شماها نوعاً به سوریه رفته اید. یک دفعه که بنده به آنجا رفته بودم، دیدم که تمام جاها خراب است. خارجی ها نمی گذارند که اینها فکرشان متوجه اصلاح مملکتشان باشد و یکقدری کشورشان را نوسازی بکنند.

۱ - مجمع البحرين، للشيخ الطريحي ج ۳ ص ۲۲۳



خوشبختانه در رأس شما آقایان محترمی هستند و مثل زمان سابق نیست که نگذارند حرفها به مقامات عالی برسد. الحمدلله در رأس، مردمان سنجیده و مهذب قرار دارند و آقایان هر چه گلایه و حرف دارند به رهبرشان ارائه می‌دهند و ایشان با شما رفیق است. یک صلوات بفرستید آقا.

عاقل کیست؟ (کنترل نفس و توجه به پشت پرده)

شخصی سؤال کرد: یا رسول الله! عاقل و زیرک چه کسی است؟ حضرت فرمودند: عاقل آن کسی است که نفسش را زیر بار مقررات شرع می‌کشد، تا به مقام نفس مطمئنه برسد. عاقل کسی است که متوجه پشت پرده باشد. «الکيس من دان نفسه و عمل لما بعد الموت».^۱

عاقل کسی است که نفسش را در تحت قدرت خودش بگیرد، در تحت عبودیت بکشد، نفسش را محاسبه بکند و حساب خودش را با مردم تسویه بکند. «حاسبها».^۲ وقت ما دیگر تمام شد.

آب ار چه همی زلال خیزد از خوردن پر ملال خیزد

سخنرانی شماره (۶۰ ب) تاریخ ۶/۰۸/۰۶

۱ - الأُمالي، للشيخ الطوسي ص ۵۳۰

۲ - محاسبة النفس، للشيخ ابراهيم الكفعمي ص ۳۷



بسم الله الرحمن الرحيم
اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

اهمیت شرکت در نماز جماعت

امام صادق^ع فرمود: اگر کسی در نماز جماعت مسلمانها حاضر نشود، مسلمانها از کجا بدانند که او در خانه اش نماز می خواند؟

تارک جماعت مورد لعن است

انسان باید در جماعت مسلمین حاضر بشود. تارک جماعت مورد لعن است. حضرت فرمود که حتی المقدور با او هم غذا نشوید، به او دختر ندهید، از او دختر نگیرید.

انسان باید موقعیت اهل بیت را ببیند.

محرومیت موسی^ع از همنشینی با خضر^ع در اثر کم طاقتی

امام باقر^ع فرمود: اگر موسی^ع در همنشینی با خضر^ع صبر می کرد، چیزهای عجیبی نصیب او می شد، ولی نکرد. حضرت فرمودند: اگر من آنجا بودم، بین آنها قضاوت می کردم و یک چیزی هم از خضر^ع سؤال می کردم که او ندارد.

مقام اهل بیت این است، آقا!

همتت را در آخرت قرار بده (نصیحت خضر^ع)

در کتاب «حیة الحیوان» دمیری نوشته است که وقتی موسی^ع از خضر^ع جدا می شد، درخواست نصیحتی از ایشان کرد. خضر^ع فرمود: «اجعل همک فی



معادک»^۱. یعنی همت را در آخرت قرار بده! یعنی تمام موضوع این است که به پروردگار توجه بکنی و سایر امور برای رسیدن به این معنی است.

بهترین قلبها

شخصی عرض کرد: یابن رسول الله! بهترین قلبها کدام است؟
حضرت فرمود: بهترین قلبها، قلبی است که در آن غیر پروردگار نباشد.

علم را برای عمل کردن بیاموز

حضرت^۷ در ادامه‌ی نصایح خود فرمود: «لا تطلب العلم لتحديث واطلب العلم لتعمل به»^۲. علم را برای عمل کردن یاد بگیر. اینکه بنده احادیث را یاد بگیرم که منبر بروم و برای دیگران بگویم، چه نتیجه‌ای دارد، داداش جون؟
علم را برای عمل یاد بگیر.

چرا به مقامات عالی نمی‌رسیم؟

عرض کرد: یابن رسول الله! چرا ما به مقامات عالی نمی‌رسیم؟
حضرت فرمودند: چون در عمل به کلاسهای مقدماتی کوتاهی کرده‌اید.
دلیل عدم علم شما نسبت به کلاسهای بالا این است که در کلاسهای پایین عمل نکرده‌اید. اگر عمل کرده بودید، کلاس بالا را هم به شما اعطاء

۱ - و مما نقل من وصايا خضر (ع) لموسى (ع) عند الافتراق، يا موسى اجعل همك في معادك و لا تخض فيما لا يغنيك و لا تترك الخوف في امنك ولا تياس من الامن في خوفك فقال له موسى: زدني فقال الخضر (ع) لا تضحك من غير عجب ولا تعير احد المخاطبين بعد النام و ابك على خطيئتك يابن عمران يا موسى لا تطلب العلم لتحديث واطلب العلم لتعمل له و... مجمع البحرين، للشيخ الطريحي ج ۱ ص ۶۶۰

۲ - مجمع البحرين، للشيخ الطريحي ج ۱ ص ۶۶۰



می کردند.

دنيا محل تجارت آخرت است (نصیحت دیگری از خضر ۷)

واما وصیت دیگر خضر ۷ به موسی ۷ این بود که پروردگار این دنیا را محل تجارت قرار داده است برای بدست آوردن عوالم اخروی، نه اینکه اوقات را به دفع الوقت بگذرانیم. «وانما جعلت بلغة لیتزودوا منها للمعاد».^۱

ملك الموت هنگام مرگ ما را مشغول به آخرت ببیند

وقتی ملك الموت - که رسول پروردگار است - بیاید، دیگر نه طیبی می تواند به داد تو برسد، نه حبیبی.^۲ باید طوری باشیم که وقتی ایشان وارد می شود، ما را مشغول به آخرت ببیند، نه در حال غفلت.

رسول الله، سراج منیر است

رسول الله سراج منیر است، چراغی است که هیچ وقت خاموش نمی شود. ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفَئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ﴾.^۳ اینها می خواهند که نور خدا را خاموش کنند. ولكن ریشه‌ی آنها کنده خواهد شد. آن همه بر علیه مقام ولایت تلاش کردند، اما شهرت امیرمؤمنان ۷ تمام عالم کون و مکان را گرفته است.

حجاب قلب و سنگینی گوش در برابر سراج منیر

۱ - منية المريد، للشهيد الثاني ص ۱۴۰

۲ - قال الامام الهادي (ع): اذكر مصرعك بين يدي اهلك ولا طيب ينعك ولا حبيب ينفعك، بحارالانوار ج ۷۵ ص ۳۷۰

۳ - صف ۸/



چه شد که اینها در مقابل این سراج منیر ایستادند و گفتند: دل‌های ما از آنچه شما می‌گویید، در حجاب است و گوش ما از شنیدن سخنان شما سنگین است. ﴿قَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَ فِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَ مِنْ بَيْنِنَا وَ بَيْنَكَ حِجَابٌ﴾^۱

چرا قلب اینها اینطور شده است؟

چه شده است که قلب‌های اینها اینطور شده است؟ این برای این است که اینها در مقدمات کوتاهی کرده‌اند.

امام حسن عسکری^۷ در تفسیر «سینه‌ی محیطه»^۲ فرمودند: اگر انسان گناه بکند و درصدد جبران و توبه بر نیاید، یک مرتبه تمام قلبش را احاطه می‌کند و به جایی می‌رسد که آیات حق را تکذیب می‌کند.^۳

این برای این است که اینها به قلب‌های خودشان توجه نکردند و از وجود نفیس رسول اکرم^۹ و مرهم‌های ایشان- که علم و حکمت و موعظه است- استفاده نکردند.

پیامبر اکرم^۹ طیب قلبها

حضرت فرمود: من طبیعی هستم که قلب‌های شما را با بیانات حقه معالجه

۱ - فصلت/۵

۲ - «بلی من کسب سینه و احاطت به خطیته فاولک اصحاب النار». بقره/۸۱

۳ - تفسیرالامام العسکری (ع) ص ۳۰۴



می‌کنم. «طیب دوار بطبه».^۱

«قد احکم مراهمه». پیامبر^۹ طیب حاذقی است که مرهم‌های خود را برای معالجه مهیا کرده است. (البته در صورتی که نفوس قبول کنند) «و احمی مراسمه یضع ذلک حیث الحاجة الیه». البته داغهای خودش را هم آماده کرده است، در صورتی که حاجت به آن باشد.

داغ زدن، آخرین راه معالجه

«آخر الدواء الکی».^۲ برای معالجه اگر لازم شود، داغ می‌زنند و آن عضو را از بین می‌برند.

قلبه‌های کور، گوشه‌های کر و زبانهای لال را داغ می‌زنند. «من قلوب عمی و آذان صم و السنة بکم متبع بدوائه مواضع الغفلة».

علم در نزد آل محمد^۹ است

حضرت می‌فرماید: اینها از بیانات آل عصمت بهره نگرفتند. بیانات آل عصمت از حقائق واقعیه خبر می‌دهد. «لم یستضیئوا باضواء الحکمة».

حضرت فرمود: شرق بروید، غرب بروید، علم در نزد ما آل محمد^۹ است.^۳ باید سنگ چخماق را بزنی، تا جرقه بزنند. حضرت فرمودند: «ولم یقدحوا بزناد العلوم الثاقبة».

۱ - نهج البلاغه خطبة ۱۰۸ فی ذکر النبی (ص)

۲ - آخرین راه مداوا، داغ زدن است. (یکی از مثالهای عرب است) لسان العرب، ابن منظور ج ۱۵ ص ۲۳۵

۳ - بصائر الدرجات، محمد بن الحسن الصفار ص ۳۰



مردهای بین زنده‌ها

حضرت می‌فرماید: اینها مانند چهارپا هستند. (چه تشبیهی است!) «فهم فی ذلک كالانعام السائمة». یعنی مرده‌ای هستند در میان زنده‌ها. «میت بین الاحیاء».^۱ بعد حضرت می‌فرماید: «مالی اراکم اشباحاً بلا ارواح». چه شده است که شما را شبی‌های بدون روح می‌بینم؟! مگر روح ندارید، عقل ندارید. چرا از عقلتان استفاده نمی‌کنید آقا جان؟

استفاده از عالم ربانی و آماده کردن قلب برای مواعظ الهی

بعد می‌فرماید: «فاستمعوا من ربانیکم واحضروا قلوبکم». از عالم ربانی یاد بگیرید، دل‌های خودتان را برای شنیدن مواعظ الهی حاضر کنید و از پروردگار بخواهید که دل‌های شما را آماده و مهیا بکند.

چرا یقہات را پاره می‌کنی؟! قلبت را آماده کن

یک حدیث هم از امام صادق^۷ بخوانم که حضرت فرمود: موسی^۷ مشغول به موعظه بود که یک نفر بلند شد و یقه‌اش را پاره کرد! و گفت که اگر این فرمایشات راست باشد، باید به خدا پناه ببریم. پروردگار به موسی^۷ وحی کرد: ای موسی! به او بگو: چرا پیراهنت را پاره می‌کنی؟! قلبت را برای من آماده کن. «لا تشق قمیصک اشرح لی عن قلبک».^۲

۱ - تہذیب الاحکام، للشیخ الطوسی ج ۶ ص ۱۸۱

۲ - الکافی ج ۸ ص ۱۲۹



بیداری شب برای آماده شدن قلب

حال باید ببینیم که قلب چه وقت آماده می‌شود. برای آماده شدن قلب، باید شبها بلند شوید، داداش‌جون! «ان الله تبارك و تعالي ينظر في الاسحار الي قلوب المتيقظين».^۱ پروردگار در سحرها به قلوب بیداران نظر می‌کند.

اگر حال نداری، نماز نخوان، چایی بخور! به بیداری سحر عادت کن

همت کن و سحرها بیدار شو و اگر حال هم نداری، نماز هم نخوان! چایی بخور، به بیداری سحر عادت کن، داداش‌جون!

سفر الی الله بدون شب‌زنده‌داری غیر ممکن است

«ان العبد اذا تخلي بسيدة في جوف الليل المظلم و نجاه اثبت الله النور في قلبه».^۲ وقتی بنده‌ای در دل شب تاریک با خدای خود خلوت کند، پروردگار قلب او را نورانی می‌کند. تا از راه شب‌زنده‌داری وارد نشوی، غیر ممکن است بتوانی سفر الی الله بکنی، آقا جان! باید این قسمت را داشته باشی. تمام اولیاء و علمای اعلام و بزرگان دین اهل شب‌زنده‌داری بوده‌اند.

اولیاء از هم‌صحبتی با تو لذت بردند، اما من محروم ماندم!

یک شب شهید‌از بیدار خوابی شب، خوابش برده بود و برای نماز شب بیدار نشده بود. (گاهی اوقات پروردگار برای اینکه بنده‌اش مبتلا به عجب نشود، خواب را بر او غلبه می‌دهد و همان تأثر و ناراحتی از بیدار شدن برای او بهتر است)

۱- المحجة البيضاء، للفيض الكاشانی ج ۲ ص ۳۹۹

۲- الامالی، للشيخ الصدوق ص ۳۵۴



وقتی بیدار شد و دید که از نماز شب محروم مانده این اشعار را گفت:
 الاولیاء تمتعوا بک فی الدجی متهجدا بتخشع و حنین^۱
 ای پروردگار عزیز من! اولیاء تو از همصحبتی با تو لذت بردند، چطور شد
 که من خوابم برد.

سخنرانی شماره (۶۰ الف) تاریخ ۶۸/۰۸/۰۷

۱ - الکنی واللقاب، للشیخ عباس القمی ج ۲ ص ۳۷۸



بسم الله الرحمن الرحيم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

حکمت، گمشده‌ی مؤمن است

آن چیزی که گمشده‌ی مؤمن است، حکمت و دانش است. «الحكمة ضالة المؤمن»^۱. حکمت گمشده‌ی مؤمن است. هیچ چیزی قلب مؤمن را بجز «قال الصادق» و «قال الباقر» اشباع نمی‌کند.

اهمیت شرکت در درس اخلاق

رهبر کبیر انقلاب در قم شبهای جمعه درس اخلاق می‌دادند، آقایان اهل علم می‌آمدند، کسبه‌ی بازار می‌آمدند. اگر در محله‌ی یهودی‌ها هم کسی درس اخلاق بدهد، باید انسان برود و شرکت کند.

مقامی که بالاتر از ملاقات امام زمان^۷ است!

در زمان غیبت اگر کسی ادعای ملاقات امام زمان^۷ را بکند، باید او را تکذیب کرد تا این باب گشوده نشود. امام زمان^۷ را مگر هر کسی می‌تواند ببیند؟! با این حال در بین شما افرادی هستند که مقامی دارند که از ملاقات با امام زمان^۷ بالاتر است. در بین شما اشخاصی هستند که برنامه‌ی فردایشان را به آنها خبر می‌دهند، اینکه فردا به نماز جماعت موفق می‌شوند، یا نه.

بالاتر از این مقام این است که به انسان ابلاغ بشود که چه چیزی مانع شده



که به نماز جماعت موفق بشود. اگر به نماز شب موفق نشود، به او ابلاغ می‌شود که چه عواملی باعث شده او به نماز شب موفق نشود. اولیاء خدا اینطور هستند، اما در نظر ما این چیزها اهمیت ندارد! حیات اولیاء خدا در نماز شب است. همان نماز شب زمینه‌ی جماعت را برای آنها مهیا می‌کند.

رحمت خدا نزدیک به نیکوکاران است

وقتی خدمت ابوذر؛ عرض شد که کار ما چگونه است؟ فرمود: خودتان را به کتاب خدا عرضه کنید. پروردگار فرموده است: خوبان در نعیم و بهشت‌اند و فجار در جهنم‌اند. آن مرد گفت: پس رحمت خدا کجاست؟ پس اینهمه که مردم دم از رحمت خدا می‌زنند، چه می‌شود؟ ایشان در جواب، این آیه را خواند که ﴿إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾^۱ یعنی رحمت خدا نزدیک به نیکوکاران است.

مادر جان! سلامتی بدن من در نماز شب خواندن است

بنازم به آن جوانی که وقتی مادرش به او گفت: باباجان بگیر بخواب! هنوز یک ساعت به اذان صبح مانده است، اول مادرش را راضی کرد، دست و پای او را بوسید و بعد گفت: مادر جان! سلامتی بدن من در نماز شب خواندن است. همانطور که حضرت فرموده است: روزه بگیرد تا سلامتی نصیب شما بشود،^۲

۱ - اعراف/ ۵۶

۲ - الدعوات، قطب الدین راوندی ص ۷۶



همین که شما خواب را پاره کنید و برای نماز شب بیدار شوید، پروردگار هم سلامتی بدن و روح شما را تضمین می‌فرماید.

این جوان به مادرش گفت: مادرم! آیا نمی‌خواهی که بدن و روح من سالم باشد؟! بگذار من نماز شب بخوانم. استاد من گفته است که سلامتی بدن و روح تو منوط به این است که برای نماز شب برخیزی.

تأثیر سحرخیزی در طول عمر از نگاه اروپایی‌ها

اروپایی‌ها هم در بعضی از کتابهای معروفشان^۱ نوشته‌اند که کسانی که در خروس‌خوان اول بیدار می‌شوند، روی قاعده‌ی طبیعی - اگر آفتی به آنها نخورد- صد سال عمر می‌کنند. قوانین شارع ریشه دارد و آنها ریشه‌اش را کشف کردند. یک صلوات بفرستید.

چه احسانی درباره‌ی خودت کرده‌ای؟!

رحمت خدا کی‌جاست؟ رحمت خدا با محسنین است. ﴿ان رحمة الله قريب من المحسنين﴾^۲. خدا رحمت کند استاد ما را که وقتی به او می‌رسیدیم، می‌پرسید: اسم شما چیست؟ اگر کسی می‌گفت: اسم من محسن است، می‌گفت: چه احسانی درباره‌ی خودت کرده‌ای؟ اگر کسی می‌گفت: اسم من جواد است، ایشان می‌گفت: چه جودی نسبت به نفس خود کرده‌ای؟

محسن چه کسی است، یا رسول الله؟

۱ - ظاهراً کتاب متد برلیکس است.

۲ - اعراف/۵۶



شخصی گفت: یا رسول الله! خدا در قرآن فرموده که رحمتش نزدیک به محسنین است، محسن چه کسی است یا رسول الله؟ حضرت فرمود: محسن کسی است که جز حق نمی‌بیند.^۱

مراقبه (عوامل رسیدن به این مقام بلند)

آن شخصی که برنامه‌ی فردایش را به او ابلاغ می‌کنند، با مراقبه به این موقعیت رسیده است، یعنی خودش را دائم در حضور و محضر حق می‌داند. بیایید و یقه‌ی این آقا را بگیرید که از کجا به این مقام رسیده است؟ چه کرده است که اعمال فردا را به او ابلاغ می‌کنند؟

پرهیز از غذای مشته (عوامل رسیدن به این مقام بلند)

این شخص اولاً دائم در مقام مراقبه است و در ثانی از خوردن غذای مشته پرهیز می‌کند، تا احراز نکند که طرف مقابل معاشش از حلال است، از غذای او نمی‌خورد.

انطباق اعمال بر دستورات شرع (عوامل رسیدن به این مقام بلند)

و سوم اینکه درصدد است که اعمالش را منطبق با دستورات شرع بکند. این موارد را رعایت کرده که به این مقام رسیده است.

محسن جز حق نمی‌بیند و نمی‌گوید و نمی‌شنود

پس رحمت خدا نزدیک به محسنین است. فرمود: محسن کسی است که

۱ - المحسن لا يرى الا الحق.



جز حق نمی‌بیند، جز حق نمی‌گوید. «لایری الا الحق لا یقول الا الحق».

تا که زود است بزن بر دامن صاحب‌دلی دست

اول جوانی‌ات است، جوانی متجر (محل تجارت) اولیاء حق است. خودت را دریاب! محسن گوش به غیر حق نمی‌دهد، به اباطیل گوش نمی‌دهد.

دویدن برای دیدن سریال تلویزیون!!

یک شب عده‌ای را دیدم که در حال دویدن هستند، سؤال کردم: چه خبر است؟ گفتند: امشب فلان سریال از تلویزیون پخش می‌شود!

ای بیچاره! از عمرت سؤال خواهند کرد که صرف چه کردی، داداش‌جون!

درد و درمان انسان معلوم است

درد انسان معلوم است، اخلاق پست درد انسان است. بیچارگی‌ها و عقاید فاسد درد انسان است. نسخه‌ی درد هم فرمایشات انبیاء و اوصیاء است.

بین اینها چه اشخاصی هستند! چقدر پریده‌اند!

بنده وقتی با بعضی اشخاص همنشین می‌شوم، روحم شاد می‌شود. این جوان به بنده گفت: آقا! همین که به من ابلاغ می‌شود که فردا به نماز جماعت موفق نمی‌شوی، از همان اول شب قلب من در حجاب می‌رود! ای قربان این قلب، قربان این دل! بین اینها چه اشخاصی هستند، داداش‌جون! چقدر پریده‌اند! چقدر در مکتب امام‌صادق^۷ ورزش کرده‌اند!

باید بر سرت بزنی که تو چرا نمی‌پری؟!

این جوان این همه پریده است، اما می‌گوید: من دلم می‌خواهد که قبلاً



موانع مرا بگویند که امشب چرا به نماز شب موفق نمی‌شوم؟ فردا چرا به نماز جماعت موفق نمی‌شوم؟
البته اینکه موانع را به انسان بگویند، درجه‌ی بالاتر است.
یک صلوات بفرستید.

باید به نسخه‌ی طیب عمل کرد

درد معلوم است، نسخه‌ی درمان را هم داده‌اند، اما داشتن نسخه کفایت نمی‌کند، باید به نسخه‌ی طیب عمل کرد.
یک صلوات بفرستید.

معالجه‌ی درد شما با بیانات اهل بیت:

و قال علی^۷ «روحوا انفسکم بیدایع الحکمة»^۱. با بیانات اهل بیت: جانهای خودتان را تر و تازه کنید، با این بیانات دردهای شما معالجه خواهد شد.

رابطه‌ی فوری با علام الغیوب در اثر تصفیه‌ی نفس

وقتی تصفیه‌ی نفس کردی، وقتی نفست را از رذایل اخلاقی تصفیه کردی، فوری با علام الغیوب رابطه پیدا می‌کنی. بعضی‌ها هم گفته‌اند که با عقل فعال - که جبرئیل است - رابطه پیدا می‌کنی، عقل فعال افاضه می‌کند. ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمَ اللَّهُ﴾^۲ وقتی قلب با عالم بالا مرتبط شد، از آن علوم حقیقیه به قلب افاضه می‌شود.

۱- الکافی ج ۱ ص ۴۸

۲- بقره/ ۲۸۲. «تقوای الهی را پیشه سازید تا پروردگار به شما تعلیم نماید»



جمال یار ندارد نقاب و پرده ولیک
غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد
یک صلوات بفرستید، داداش جون!

دوری از مقام وحدت در اثر توجه به کثرت‌ها

تا توجه به کثرت‌ها داری، مقام وحدت را نمی‌توانی ببینی.
بر باد فنا تا ندهی گرد خودی را هرگز نتوان دید جمال احدی را
اول باید خودیت خود را الغاء کنی. اول باید ریشه‌ی مَنیت را بزنی! بعد باید
صفات رذیله و شیطانی را از خودت دور کنی، داداش جون!
یک صلوات دیگر بفرستید.

رفع کسالت قلب

پس حضرت فرمود: «روحوا انفسکم ببدايع الحکمة فانها تکل کما تکل الابدان».^۱
همان طور که بدنهای شما کسل می‌شود، قلبهای شما هم کسل می‌شود، با
بیانات اهل‌بیت: روحتان را تازه کنید. ولیکن متأسفانه ما در مکتب
امام صادق^۷ در مقام تعلم بر نیامده‌ایم!

چرا قلب ما درک نمی‌کند؟

چرا قلب ما درک نمی‌کند؟ چون تربیت اخلاقی نداریم، هر چه دلمان
می‌خواهد می‌گوییم، آقا جان! حساب دل بخواهی است، داداش جون! نه



حساب خدا خواهی.

رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند
بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت

از راه مراقبه پیش بروید

شما هم از همین راهی که این مؤمن رفته، بروید، داداش جون! از راه مراقبه،
از راه مراقبه که علامه طباطبایی؛ فرمود: اول مراقبه، وسط هم مراقبه، آخر
هم مراقبه. مراقبه یعنی اینکه خودم را در حضور و محضر پروردگار ببینم.
اگر تو او را نمی بینی، اما او تو را می بیند. «فانه یراک».^۱

دسته ی کلید در عالم رؤیا

متأسفانه ما گرفتاریم.

هستی اسیر چاه طبیعت چگونه باز

قرب و مقام موسی عمرانت آرزوست

﴿وان من شيء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم﴾.^۲

پیشب بنده در عالم رؤیا دیدم که از فاصله ی صد متری یک دسته کلید
به من دادند، اما دسته کلیدها افتاد ته چاه! کلید در خواب علامت گشایش
یک کاری است. وقتی دسته کلید به تو بدهند، علامت این است که
انشاءالله تمام کارهایت گشایش پیدا می کند. در خواب در این فکر بودم

۱- الکافی ج ۲ ص ۶۷

۲- حجر/ ۲۱ «و چیزی نیست مگر اینکه در نزد ماست خزائنش و نازل نمی کنیم مگر به اندازه ی معلوم».



که چه کسی برود ته این چاه و کلیدها را برای من بیاورد؟ یک مرتبه یک آقایی گفت: آقا غصه نخور! من خودم می‌روم و این کلیدها را برای شما می‌آورم. به قدرت پروردگار این شخص رفت ته چاه و کلیدها را برای بنده آورد. بنده هم خیلی تشکر کردم. در آن روز تمام گرفتاری‌های بنده یکی بعد از دیگری گشایش پیدا کرد.

﴿لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۱

کلید تمام گرفتاری‌ها، رفع تمام گرفتاری‌ها دست خداست.

شعری که آقا سید عباس ذغال فروش می‌خواند

یک آقا سید عباس بود که ذغال فروش بود و سواد هم نداشت، اما همیشه این شعر را می‌خواند:

خواجه پندارد که روزی ده دهد او پندارد که روزی ده دهد

این شعر جناس دارد. رفقای که علم بدیع خوانده‌اند، می‌دانند، داداش جون!

یک صلوات بفرستید.

نزول رحمت الهی در خانه‌ای که صدای اذان در آن می‌پیچد

زمان‌های سابق غیر از حال بود. آن وقت‌ها مردم نزدیک مسجد خانه می‌گرفتند که صدای اذان در خانه‌شان بیپچد. می‌گفتند که این میمنت دارد. البته روایت هم داریم که رحمت خدا بر آن خانه‌ای که صدای اذان در آن بیپچد، نازل می‌شود. متأسفانه بعدها مردم رو به دنیا کردند و خانه‌های نزدیک



مسجد را فروختند و رفتند بالای شهر، گفتند این خانه‌ها به درد ما نمی‌خورد. صدای اذان مسجد نمی‌گذارد ما صبح بخوابیم!
کم‌کم بدتر شدند و به کلاتری شکایت کردند که صدای اذان نمی‌گذارد ما بخوابیم! آن وقت ببینید وضعیت چگونه شده است؟!

ارزش شما نزد خدا به اندازه‌ی اهمیت دادن شما به دستورات شرع
رفقا! به قدری که شما به دستورات پروردگار اهمیت بدهید، از عالم غیب هم به شما اهمیت خواهند داد. چقدر به قوانین شارع اهمیت داده‌ای تا ارزش تو در نظر پروردگار زیاد باشد؟

رعایت حق الناس

در قهوه‌خانه یک نفر یک نعلبکی شکست، گفت: آقا جان! یک نعلبکی بخر و به جای آن بگذار که اگر امشب مرگ به سراغت آمد، بدهکار نباشی.
گفت: حالا ما بمیریم و یک نعلبکی بدهکار باشیم، چه ضرری دارد؟!

داستان شخصی که از پادشاهی گذشت!

یک شخصی از پادشاهی گذشت. دید که اگر بخواد غذا بخورد، باید اول فدایی‌ها از آن بخورند تا مسموم نباشد، بعد پادشاه بخورد. گفت: این چه کاری است؟! بعد با یک دوربین قوی مشغول نگاه کردن به بیرون قصر بود، یک حمال باربر را دید که سفره‌ی خود را پهن کرد و قدری نان خشک را در آب زد و خورد و بعد هم تکیه داد و خوابید. پادشاه گفت: مرده شور این پادشاهی را ببرد! این را گفت و پادشاهی را رها کرد.



برگشتن به انطاکیه برای پس دادن یک سوزن

یکی گفت: این خیلی فوق‌العاده است، اما بالاتر از این شخص، آن کسی است که در انطاکیه یک سوزن از شخصی برای دوختن لباسش گرفته بود، فراموش کرد که سوزن را به صاحبش بدهد، وقتی به وطن خود رسید، برای پس دادن سوزن دوباره به شهر انطاکیه برگشت!
بین چقدر مشکل است، آقا! حالا فهمیدی داداش‌جون!

اطلاع بر عیوب با محاسبه‌ی نفس

امیرمؤمنان^۷ می‌فرماید: «تجهزوا رحمکم الله فقد نودي فيکم بالرجیل».^۱
آماده شوید که بانگ عبور از این دنیا در میان شما زده شده است.
وقتی خودتان را محاسبه می‌کنید، این حدیث را به صفحه دلتان بنویسید که حضرت فرمود: «من حاسب نفسه وقف علی عیوبه».^۲ یعنی هر کس نفس خود را محاسبه کند، پروردگار عزیز او را بر عیوبش مطلع می‌کند، بصیر می‌کند، داداش‌جون! دیگر لازم نیست پیش من بیایی و بگویی: من چگونه آدمی هستم؟ پروردگار عیوبت را به تو نشان می‌دهد.

سخنرانی شماره (۶۲ ب) تاریخ ۶۸/۰۸/۳۰

۱ - نهج البلاغه خطبة ۲۰۴

۲ - غررالحکم / ۱۲۶۵



بسم الله الرحمن الرحيم
اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بیماری وسواس و درمان آن

عرف خوب تشخیص می‌دهد که انسان وسواسی شده است یا نه. رفقای انسان خوب تشخیص می‌دهند که آیا وسواسی شده است یا نه.

اگر انسان وسواسی شد، نباید اعتنا بکند. علاج وسواس، بی‌اعتنایی است. امام^۷ سراغ یک نفر از رفقا را گرفت، (در آن زمان هر کس سه روز غیبت می‌کرد احوالش را می‌پرسیدند که کجاست؟) گفتند: ایشان در منزل است و مشغول شستشو کردن! (وسواسی شده) حضرت فرمودند: چه کسی گفته است که او اینطور خودش را مشغول کند؟ خوراکش را چه کسی می‌دهد؟ خرجش را چه کسی می‌دهد؟ ثواب عبادتش مال کسی است که خرج او را می‌دهد. حضرت فرمودند به او بگویید: وقتی چیزی - مثلاً - با یک بار شستن پاک می‌شود، چرا چند بار می‌شویی؟ بعد به او بگویید: چه کسی به او دستور داده که این کارها را بکند؟ وقتی از او پرسیدند، گفت: لعنت بر شیطان! فهمیدید، آقا جان! پس بنابراین انسانی که وسواسی شده، اگر شک کند که رکوع زیادی کرده یا نه، باید بنا را بر این بگذارد که انجام نداده، چون زیادی رکوع باطل‌کننده‌ی نماز است. تنها راه علاج همین بی‌اعتنایی به شک است والا بدبخت خواهد شد.

کثیر الشک هم به کسی می‌گویند که در یک نماز سه دفعه یا در سه نماز در یک موضوع سه دفعه شک بکند. چنین کسی کثیرالشک است و نباید



به شکش اعتناء بکند تا مادامی که حالت عادی پیدا بکند.
صلوات بفرستید.

ارزش رفیق خوب

یک شعری برایتان خواندم که:

طی این مرحله بی هم‌رهی خضر مکن ظلمات است بترس از خطر گمراهی
انسان به سه چیز محتاج است و یکی از آنها به منزله‌ی غذاست که اگر به
انسان نرسد، می‌میرد و آن رفیق است. اگر ما می‌دانستیم که رفیق خوب
چه ارزشی دارد، ولو در تاریکی‌ها و ظلمات، به دنبالش می‌گشتیم. «واطلب
مؤاخاة الاتقیاء ولو فی ظلمات الارض».^۱

ارزش علم

حضرت درباره‌ی طلب علم هم فرمود: «اطلبوا العلم ولو بالصین».^۲ دورترین
نقطه‌ی عالم از طرف شرق چین بوده است. حضرت می‌فرماید که علم را
طلب کنید، حتی اگر در چین باشد.
در روایت دیگری حضرت فرمود: اگر مردم ارزش علم را می‌دانستند، ولو

۱ - قال الصادق (ع) ثلاثة اشياء فی کل زمان عزیزة و هی الاخاء فی الله تعالی والزوجة الصالحة الالیفة تعینه فی دین الله عزوجل و ولد الرشید و من وجد الثلاثة فقد اصاب خیر الدارین والحظ الاوفر من الدنیا والاخرة واحذر ان تؤاخی من ارادک الطمع او خوف او میل او مال او اکل او شرب واطلب مؤاخاة الاتقیاء و لو فی ظلمات الارض و ان افینیت عمرک فی طلبهم فان الله عزوجل لم یخل علی وجه الارض افضل منهم بعد النبیین و ما انعم الله تعالی علی العبد بمثل ما انعم به من التوفیق بصحبته. مصباح الشریعة ص ۱۵۰

۲ - وسائل الشیعة (آل البیت) ج ۲۷ ص ۲۷ حدیث نبوی



اینکه در دریاها فرو روند و دست و بالشان خونی شود، آن را طلب می‌کردند.^۱

رفیق خوب و استاد بیدار

طلب کن دوستی با اهل تقوی را که رفیق خوب بسیار ارزشمند است. اگر من بخواهم راه کمال را سیر بکنم، اول باید یک رفیق خوب داشته باشم. «الرفیق ثم الطريق».^۲ این رفیق مانند غذا برای انسان لازم است و بعد هم طریق و یک استاد بیدار.

ملاک دوست یابی در درون

رسول اکرم^۹ می‌فرماید: «إذا اراد الله بعبد خيراً كرهه مجالسة المعرضين عن ذكر الله عزوجل».^۳ یعنی در اثر عشق به سیر به سوی خدا، پروردگار در او ملاکی قرار می‌دهد که اگر به یک شخصی برسد که صلاحیت رفاقت ندارد، در درونش نفرتی از او حاصل می‌شود و از او دوری می‌کند. این ملاک دوست‌یابی را چه کسی به او مرحمت کرده؟ پروردگار.

هلاکت بدون استاد

بعد از رفیق، انسان یک استاد هم می‌خواهد. «هلاک من لیس له حکیم یرشده».^۴

۱ - عن علی بن الحسین (ع) فی الکافی ج ۱ ص ۳۵

۲ - المحاسن، احمد بن محمد بن خالد البرقی ج ۲ ص ۳۵۷

۳ - مصباح الشریعة ص ۱۹۰

۴ - بحارالانوار ج ۷۵ ص ۱۵۹



آن کسی که دانشمندی ندارد که او را راهنمایی بکند، هلاک شده است.

یا روح الله! با چه کسی همنشینی کنیم؟

حواریون به حضرت عیسی عرض کردند که یا روح الله! با چه کسی همنشینی کنیم؟ «یا روح الله من نجالس؟». حضرت عیسی^۱ فرمودند: با کسی که وقتی او را می بینید، به یاد خدا می افتید و وقتی سخن می گوید، بر علم شما افزوده می گردد. «من یدکرکم الله رؤیته و یزید فی علمکم منطقه».

با کسی باید همنشین بود که صورتش انسان را به یاد خدا می اندازد، وقتی می خواهد صحبت بکند، اول فکر می کند، بعد صحبت می کند. «لسان العاقل وراء قلبه».^۲ حرف مزخرف نمی زند، بد نمی گوید، خیلی متین، خیلی با ادب، با افراد جامعه، خیلی خوش برخورد است.

برخورداری از صلاحیت برخورد با افراد جامعه

حضرت فرمود کسی که در برابر پروردگار کرنش بکند، پروردگار هم صلاحیت برخورد با افراد جامعه را به او مرحمت می کند. قانون معاشرت بسیار مشکل است.

علم معاشرت از مشکل ترین علوم

یکمرتبه در قم مذاکره شد که چه علمی از همه ی علوم مشکل تر است؟ هر کس یک چیزی گفت. یکی گفت: ریاضیات، یکی گفت: فلسفه،

۱ - الکافی ج ۱ ص ۳۹

۲ - نهج البلاغه قصار الکلام ۴۰



یکی گفت: فقه، یکی هم گفت: علم معاشرت، علم به اینکه انسان با افراد جامعه چگونه باید برخورد بکند.

نتیجه‌ی علم جامعه‌شناسی باید وحدت افراد جامعه باشد

کسی که علم جامعه‌شناسی می‌خواند باید تلاش کند تا جامعه را به وحدت کلمه برساند، نه اینکه باعث حصول تفرق بین افراد جامعه باشد. اگر نتیجه‌ی تلاش جامعه‌شناس حصول وحدت کلمه میان افراد جامعه باشد، این شخص جامعه‌شناس خوبی است.

اوصاف همنشین خوب

پس باید با کسی همنشین شد که روی او شما را به یاد خدا بیاندازد و سخن گفتنش بر علم شما بیافزاید و عملش شما را به آخرت ترغیب و تشویق بکند. «یرغبکم فی الآخرة عمله»^۱. نمازهایش را اول وقت می‌خواند، شما را نصیحت می‌کند.

دوستی برای غیر خدا در قیامت دشمنی است

هر دوستی که برای غیر خدا باشد، در روز قیامت دشمنی است، اما آن اشخاصی که رفاقتشان برای خداست، در دار دنیا یکدیگر را به اعمال صالحه دعوت کرده و برای هم دعا می‌کنند.

رفیقی که از او استفاده می‌کنی را رها نکن

۱ - عوالی اللغالی، ابن ابی جمهور الاحسایی ج ۱ ص ۲۰۳



رفیقی که از او استفاده می‌برید را رها نکنید. «جلس تستفید مه فالزمه»^۱.
امیرمؤمنان^۷ فرمود: هر کس به من یک کلمه یاد بدهد، من بنده‌ی او
می‌شوم!
یک رفیقی هم هست که از شما استفاده می‌کند، او را هم اکرام کنید.
«وجلس تفیده فاکرمه».

از چنین همنشینی فرار کن!

اما از آن همنشینی که نه شما از او استفاده می‌بردید و نه او از شما استفاده
می‌کند، فرار کنید! چرا؟! برای اینکه هیچ خاصیتی بر وجود چنین کسی
مترتب نیست، نه فایده می‌دهد و نه فایده می‌گیرد، از چنین کسی باید فرار
کرد. «وجلس لاتفیده و لاتستفید منه فاهرب عنه».

پس رفیق‌شناسی را تا اندازه‌ای ما فهمیدیم. یک صلوات بفرستید.

در حلقه‌ی درویش ندیدیم صفایی (اشعاری از امام راحل^۱)

این شعر از رهبر کبیر انقلاب است که:

در حلقه درویش ندیدیم صفایی در صومعه از او نشنیدیم ندایی
یک زمانی بنده به دستور آیت‌الله‌العظمی شاه‌آبادی^۱ به خانقاه رفته بودم تا
رفقای خودم را از آنجا نجات دهم. کتاب موعظه‌ی آنها هم کتاب
"صالح‌علی‌شاه" بود.

در صومعه از او نشنیدیم ندایی در مدرسه از دوست نخواندیم کتابی



در جمع کتب هیچ حجابی ندریدیم

در جمع کتب هیچ حجابی ندریدیم
آن حجابهایی که روی قلب تمرکز پیدا کرده است، چطور برطرف می‌شود؟

غبار بر قلب پیغمبر^۹ در اثر برخورد با افراد جامعه

نبی اکرم^۹ وقتی از مجلسی بلند می‌شدند، استغفار می‌کردند و می‌فرمودند: «انه لیغان علی قلبی»^۱. یعنی در اثر برخورد ایشان با امثال بنده، قلبشان در حجاب می‌رفت.

در بتکده عمری به بطالت گذرانیدیم

در جمع کتب هیچ حجابی ندریدیم در درس صحف راه نبردیم به جایی
در بتکده عمری به بطالت گذرانیدیم در جمع حریفان نه دواپی و نه دایی
در بتکده بودن هم که معلوم است چه معنایی دارد.

در جرگه‌ی عشاق روم

در جرگه عشاق روم بلکه بیابم از گلشن دلدار نسیمی ردپایی
بروم و داخل در عشاق بشوم که حضرت فرمود: «افضل الناس من عشق



العبادة».^۱ برترین مردم کسی است که عاشق عبادت است. آیا معنای عاشق را می‌دانید؟ پروانه عاشق شمع است. بالش می‌سوزد، اما نمی‌فهمد. این معنای عشق است.

پروانه در آتش شد و اسرار عیان دید

مقصود از بیان داستان لیلی و مجنون توسط نظامی گنجوی

بنده به این موضوع فکر می‌کردم که آیا این کتاب لیلی و مجنون-که مرحوم نظامی دیوانی به این نام درست کرده است- برای بیان داستان لیلی و مجنون است؟ یا اینکه می‌خواهد به ما بفهماند که اگر بخواهید لیلی مقصود را در بر بگیرید و به هدف‌تان برسید، باید مجنون‌وار در این راه حرکت کنید. هم‌بحث بنده به من گفت: یک شب آنقدر مشغول مطالعه شدم و شام خوردن را به تأخیر انداختم که یکدفعه صدای اذان صبح را شنیدم! این عاشق است، داداش‌جون! کارهای ما عاشقانه نیست، داداش‌جون! «افضل الناس من عشق العبادة».

گر قصه‌ی عشق من و یارم بنگارند

گر قصه‌ی عشق من و یارم بنگارند

صد لیلی و مجنون همه بیرون رود از دل



این شعر را پدر آقای صدر فرموده است، کسی که مرجعیت به او عرضه شد و او قبول نکرد. یعنی اگر قصه‌ی عشق من را با پروردگار و امام زمان^۷ بنویسند، لیلی و مجنون و تمام کثرات خواهند رفت. یک صلوات بفرستید.

شعری از مرحوم نراقی:

مرحوم نراقی^۱ یک شعر قشنگی در کتابش نوشته است که:

و کیف تری لیلی بعین تری بها سواها^۱

یعنی چطور می‌خواهی لیلی را با چشمی که غیر او را دیده‌ای ببینی؟!

حق با لیلی است!

از مجنون پرسیدند: حق با معاویه است یا با علی؟ گفت: حق با لیلی است! اصلاً او بجز لیلی کسی را نمی‌دید.

با اینهمه اشتغالات چطور می‌خواهی پروردگار را ببینی؟!

آیا تو هم می‌توانی پروردگار عزیز را با چشمی که به دنبال پول و مقام و کثرات است، ببینی؟! وقتی هر چیز پست و بی‌ارزشی ذهنت را مشغول می‌کند، چطور می‌خواهی پروردگار را ببینی؟!

یک صلوات بفرستید، داداش جون!

تجلی صاحب‌خانه در خانه‌ی دل

۱ - جامع السعادات ج ۱ ص ۱۲۹ «وکیف تری لیلی بعین تری بها سواها و ما طهرتها بالمدامع».



وقتی دل را به صاحب دل و خانه را به صاحبش تسلیم نمودی و خود در آن تصرفی نکردی و از غیر او اعراض کردی و خانه را به دست غاصب - که شیطان و نفس است - ندادی، صاحب‌خانه در آن تجلی می‌کند و تجلی غنی مطلق، غنای مطلق می‌آورد.

«قلب المؤمن حرم الله و حرم علي حرم الله...»^۱ قلب مؤمن حرم خداست و حرام است در حرم خدا غیر خدا وارد شود. شاعر هم می‌گوید:

دادم به او من خانه را بر در گهش دربان شدم

سؤال کرد: یا رسول الله! خدا کجاست؟ حضرت فرمودند: در دل خودت.

«لايسعني ارضي ولاسمائي بل يسعني قلب عبدي المؤمن»^۲. یعنی آسمان و زمین جای من نیست، من در قلب بنده‌ی مؤمن هستم.

اگر چه ذات پاکش لامکان است چو نیکو بنگری در دل نهان است

یک دلیل ساده بر وجود معاد

یک کسی از بنده پرسید: آیا دلیل ساده‌ای بر وجود معاد هست؟

گفتم: دلیلش در خود توست، آقا جان! همینکه تمام غرایز ما را دنیا نمی‌تواند اشباع بکند و هر چه شما بخواهید، اینجا میسر نمی‌شود، دلیل بر این است که دنیای دیگری هست که خواسته‌های ما را اشباع کند.

بهشت یکنواخت نیست



دیروز یک کسی به بنده گفت که بهشت یکنواخت است! گفتم: بهشت یکنواخت نیست، چون مؤمن در این دنیا جلوی مشتهیات نفس را می‌گیرد، ولی در آخرت هر چه بخواهد، برآورده می‌شود.

بنده‌ی من! مطیع من باش، تا تو را مانند خودم قرار بدهم

پروردگار می‌فرماید: «عبدی اطعني حتي اجعلك مثلي».^۱ یعنی بنده‌ی من! مرا اطاعت کن، تا تو را مانند خودم قرار بدهم. من وقتی اراده می‌کنم، می‌گویم: «کن فیکون» و اراده‌ام محقق می‌شود، تو را هم اینگونه قرار می‌دهم.

دنیا غرائز انسان را اشباع نمی‌کند

آنچه در دنیاست، نمی‌تواند غرائز شما را اشباع کند، پس عقل می‌گوید که عالم دیگری در ورای این عالم هست که غرائز ما را اشباع کند و آنجا بهشت است. ﴿فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ الْعَيْنُ﴾.^۲ هر چه دلت بخواهد، مهیا می‌شود. مثلاً اگر اراده کنی تمام اهل بهشت را مهمان کنی، می‌توانی. پس بنابراین اینجا محدودیت هست، ولی در دار جزا محدودیتی وجود ندارد. پروردگار می‌فرماید: «تفرغ لعبادتي املأ صدرك غني».^۳ خودت را برای عبادت من فارغ کن، تا قلبت را پر از بی‌نیازی کنم.

۱ - الجواهر السنیه، الحواله ص ۳۶۱

۲ - زخرف / ۷۱

۳ - الکافی ج ۲ ص ۸۳



پول داری؟ بله، نان داری؟ بله، به چیزی احتیاج داری؟ نه.

اداره‌ی امور مؤمن توسط خود پروردگار

خود صاحب‌خانه اداره‌ی امور را بر عهده می‌گیرد و مؤمن را به حال خود وا نمی‌گذارد. «ولا اكلک الی طلبک». اگر خواسته‌ی نابجایی داشته باشد، به او می‌فهماند که این خواسته‌ی تو به ضرر توست، موجب هلاکت توست. خود پروردگار در جمیع امور او تصرف می‌نماید. فقر و فاقه‌ی عبد به کلی از بین می‌رود و از دو عالم بی‌نیاز می‌شود. چشمش چشم خدا، دستش دست خدا و زبانش زبان خدا می‌شود. آن وقت است که دیگر چیزی غیر از خدا را مؤثر نمی‌داند.

نجات حضرت یونس ۷ از شکم ماهی با تسبیح خدا

پروردگار عزیز می‌فرماید: ﴿فلولا انه كان من المسبحین للیث فی بطنه الی یوم یبعثون﴾^۱ اگر حضرت یونس ۷ تسبیح خدا را نمی‌کرد، تا روز قیامت گرفتار زندان شکم ماهی بود. بنابراین به حکم عقل و فطرت اگر در مقابل موجود لایتنه‌ای کرنش نکنید، همانطور که یونس در شکم ماهی زندانی شد، شما هم در زندان طبیعت تا آخر عمر خواهید ماند.

نجات از چاه طبیعت در اثر کرنش در برابر پروردگار

اگر یونس تسبیح خدا را نمی‌کرد، تا روز قیامت در شکم ماهی گرفتار



بود، اما در برابر پروردگار کرنش و تسبیح کرد تا نجات پیدا کرد.
پس ما هم باید کرنش کنیم تا این یوسف کنعانی را از این چاه طبیعت
نجات بدهیم.

سخنرانی شماره (۶۲ الف) تاریخ ۶۸/۱۰/۰۱



بسم الله الرحمن الرحيم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

﴿ولقد جئتمونا فرادی كما خلقناکم اول مرة وتركتم ماخولناکم وراء ظهورکم﴾^۱

بنده خودم را خدمتگزار شما می دانم

وقتی که بنده بالای منبر می نشینم، خودم را یک خدمتگزار در برابر آقایان می بینم نه اینکه من کسی باشم، من خدمتگزار آقایان هستم، برای آنها مسئله می گویم و حدیث می گویم.

زنده کردن امر آل محمد^۹

حضرت علی بن موسی الرضا^۷ فرمودند: «رحم الله عبدا احیی امرنا»^۲.
خدا رحمت کند کسانی را که امر ما را زنده می کنند. شخصی سؤال کرد:
یا بن رسول الله! امر شما چطور زنده می شود؟ حضرت فرمودند: علوم ما آل
محمد^۹ را یاد می گیرند و به مردم القاء می کنند. «فان الناس لو علموا محاسن
کلامنا لاتبعونا». اگر مردم زیبایی کلام ما را بفهمند، متابعت می کنند.

روح میت خطاب به اهل و عیال: دنیا با شما بازی نکند!

تمام توجه من به آیه ای است که برای شما خواندم، توجه به زمانی که ما را

۱ - انعام/۹۴

۲ - عیون اخبار الرضا (ع)، للشیخ الصدوق ج ۲ ص ۲۷۵



پای حساب می کشند.

پیامبرگرامی اسلام^۹ فرمودند: هنگام تشییع جنازه که می رسد، روح میت خطاب به اهل و عیال و فرزندان می گوید: دنیا با شما بازی نکند، همانطور که با من بازی کرد. «یا اهل ویا ولدی لاتلعبن بکم الدنیا کما لعبت بی». ^{۱۰}

جان دادن علامه مجلسی؛

علامه مجلسی؛ مبتلا به بیماری نقرس بود و خیلی اذیت می شد. (پروردگار با بیماری، درجهی اولیاء خود را بالا می برد، البته ایشان که چشم و چراغ آل محمد^۹ است) عرض کرد: پروردگارا! من دیگر طاقت این درد را ندارم، می خواهم راحت بشوم!

بعد ایشان یک آقای جلیل القدری را می بیند که وارد اطاق شد و سلام کرد و دستش را روی پای ایشان گذاشت و فرمود: آیا پایت باز هم درد می کند؟ ایشان جواب می دهد: آنجایی که شما دست می گذارید، دیگر درد نمی کند. (ایشان ملک الموت^۷ بوده است) بعد دستشان را روی زانوی ایشان می کشند و کم کم بالاتر تا اینکه روح مبارک ایشان را قبض می فرمایند.

داستان علامه مجلسی؛ و سید جزائری؛

سید جزائری؛ در محضر علامه مجلسی؛ شاگردی می کرد، اما نظرش این بود که عالم نباید خیلی متشخص باشد و نسبت به مرحوم مجلسی؛ که

۱ - بحارالانوار عن جامع الاخبار. ج ۶ ص ۱۶۱



مقامی داشتند و یک مقدار با شکوه ظاهری و همراه با نوکرها حرکت می‌کردند، انتقاد داشتند، تا اینکه بعد از وفات علامه مجلسی؛ اوضاع اصفهان دگرگون شد و نظم برخی از امور به هم ریخت و ایشان فهمید که در نظم اصفهان - که آن روز پایتخت بود- مرحوم مجلسی؛ و موقعیت و مقام ایشان نقش بسزایی داشته است.

سید جزائری؛ سر مزار مرحوم مجلسی؛ می‌رود و شب در عالم رؤیا ایشان را می‌بیند که به او می‌گوید: یک روز در حال گذر بودم که دیدم یک نفر را تا حد مرگ کتک می‌زنند. پرس و جو کردم و فهمیدم که تاجری است که توان پرداخت بدهی خود را ندارد. گفتم: چرا این آقا را کتک می‌زنید؟ همراه من بیایید و هر قدر این آقا به شما بدهکار است، من پرداخت می‌کنم. آنها را راضی کردم و تاجر را از مرگ نجات دادم. بعد از مرگ از من سؤال کردند که مجلسی با خود چه آورده‌ای؟ بعد هم یک به یک اعمالم را مورد بررسی قرار دادند و گفتند: بالاترین عملی که برای تو ذخیره کرده‌ایم، نجات دادن آن تاجر است!

بعد از مرگ همه را محاکمه می‌کنند. مجتهد و غیر مجتهد و هر کسی که باشی، باید جواب پس بدهی.

ما هستیم و شما و اعمالتان!

﴿وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فِرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ﴾^۱ آن اموالی که به آن فخر و مباهات



می‌کردید و شما را از معنویات باز می‌داشت، در دنیا جا گذاشتید و ما هستیم و شما و اعمالتان.

علوم معنوی با قلب سروکار دارد

حضرت امام^۱ بارها می‌فرمودند که علوم دانشگاهی ظهور در مادیت دارد. علوم معنوی نشان دیگری دارد، با قلب سرکار دارد.

تبعیت از اوامر اهل‌بیت: شرط ایمان است

امام صادق^۷ فرمودند: ما به کسی مؤمن نمی‌گوییم، مگر اینکه از تمام اوامر ما تبعیت نماید. «انا لانعد الرجل مؤمناً حتي يکون بجمع امرنا متبعاً».^۱

برای تبعیت از اوامر اهل‌بیت، اول باید انسان با شرکت در مجالس علم، معالم دینش را یاد بگیرد، هیچ مانع و رادعی هم نمی‌تواند انسان را از انجام این وظیفه منع کند، حتی پدر انسان.

ترک محرمات الهی و حفظ عفت زبان

حضرت در ادامه فرمودند: «الاولان من اتباع امرنا الورع». یعنی باید از محرمات الهی اجتناب بکنید. اگر کسی به شما بد گفت، نباید زبان شما از حد عفت خارج شود. اگر زبان از حد عفت خارج بشود، وامصیبتاه باباجان! اگر در نماز جماعت شرکت کنید، ولی زبان شما عفت نداشته باشد، تمام اعمال شما عاطل و باطل خواهد شد.



افاضه‌ی الهی به قلب در اثر حفظ زبان

حال اگر کسی به من فحش داد و من بخاطر پروردگار از او صرف نظر کردم، فوری از جانب پروردگار به قلب من افاضه می‌شود و در قلب اثر می‌گذارد. این معنای زهد است. «زهد» در لغت یعنی «تَرَكَ وَأَعْرَضَ عَنْهُ».

استفاده از حکمت جوان تارک گناه

واقعاً این روایت شنیدنی است که رسول اکرم^۹ فرمودند: اگر جوانی را دیدید که بخاطر خدا نگاه به نامحرم را ترک کرد، همان وقت به او نزدیک شوید و از کلمات حکمت‌آمیز او استفاده کنید. «إذا رأيتم الرجل قد أعطى الزهد في الدنيا فاقربوا منه فإنه يلقى الحكمة اليكم».^۱

علم حقیقی در نزد آل محمد: است

از این روایت معلوم می‌شود که علم باید افاضه بشود. حضرت فرمود: مشرق بروید، مغرب بروید، علم در نزد ما آل محمد^۹ است. علم حقیقی که قلب شما را اصلاح کند، قلب شما را روشن کند، در نزد ماست.^۲

معنای زهد در بیان امیرمؤمنان^۷

شخصی از امیرمؤمنان^۷ سؤال کرد: زهد چیست؟ «قیل^۳ لامیرالمؤمنین ما الزهد

۱ - کنزالعمال ج ۳ ص ۱۸۳ ح ۶۰۶۹ و فی مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۵۰ «فانه يلقن الحكمة»

۲ - قال ابو جعفر (ع) لسلمة بن كهيل و الحكم بن عتيبة: شرقا و غربا فلاتجدان علماً صحيحاً الا شيئاً خرج من عندنا اهل البيت. الكافي ج ۱ ص ۳۹۹

۳ - «قیل» اشاره به این است که قائل هر کسی باشد، اهمیتی ندارد، نه اینکه قول ضعیف باشد.



فی الدنيا؟^۱ حضرت در جواب فرمودند: زهد یعنی اعراض و دوری از حرام. «تنكب حرامها». زهد، لباس کهنه پوشیدن نیست، لباس اطلس بپوش، اما از حرام خدا پرهیز. بالاترین زاهد آن جوانی است که عمل بد را ترک کند، از نگاه به نامحرم پرهیز کند. همین که این جوان حرام را ترک کرد، با او همنشین شوید و از بیانات حکمت آمیزش استفاده کنید.

پیدا شدن فوری اثر معنویت در قلب

بینید این شخص چه موقعیتی دارد! همین، دلیل بر حقانیت دین اسلام است. عجب دینی است که این نتیجه را فوری در قلب اشخاص پیاده می کند. این شخص که حکمت نمی دانست، چطور شد که در اثر ترک یک عمل بد صاحب حکمت شد؟! پروردگار به خاطر اینکه این جوان - با اینکه غرائزش در کمال التهاب است - پا روی امیال نفسانی خود گذاشت، حکمت را به قلب او عنایت کرد. زاهد حقیقی اوست. از او استفاده کنید. پس معلوم می شود که اثر معنویت را فوری در خودتان حس خواهید کرد. ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لَقْمَانَ الْحِكْمَةَ﴾^۲ و قال^۳ «العقل والفهم»^۳ حکمتی که به لقمان^۴ داده شد، عقل و فهم بود

روایتی از امام صادق^۷ در بیان معنای زهد

۱ - معانی الاخبار، للشيخ الصدوق ص ۲۵۱

۲ - لقمان / ۱۲ «ما به لقمان حکمت دادیم»

۳ - حضرت موسی بن جعفر^(ع) فرمودند: حکمتی که خداوند به لقمان داد، عقل و فهم بود. الکافی ج ۱ ص ۱۶



این روایت، عجب روایتی است که امام صادق^۷ فرمودند: زهد به زایل کردن مال نیست، بلکه به این است که معنویت را که خدا به من داده، بالاتر از آن میلیاردهایی که به دیگران داده، بدانم. «لیس الزهد فی الدنيا باضاعة للمال بل الزهد فی الدنيا ان لاتكون بما فی یدک اوثق منك بما فی یدالله عزوجل»^۱.

غنی کیست؟

از لقمان حکیم^۷ پرسیدند: غنی کیست؟ ایشان فرمودند: غنی آن کسی است که پروردگار عزیز به او معنویت سرشار داده است، هر وقت مردم از او بخواهند، برای آنها بیان می کند و اگر کسی از او نخواهد، خودش از این گنجینه الهی استفاده می کند.^۲

وزانت و متانت درونی، ثمره‌ی مراقبه و ترک حرام

دوای درد درون را هم از درون بطلب

دوا و درد تو ای مغربی برون ز تو نیست

وقتی که در حال مراقبه هستی و خودت را در حضور و محضر پروردگار عزیز می بینی و زبانت را از حرام کنترل می کنی، وزانت و متانت در وجود شما پیدا می شود و خودت این را حس خواهی کرد، داداش جون!

روایتی که مرحوم آقای مطهری^۷ زیاد می خواند

خدا رحمت کند مرحوم آقای مطهری^۷ را و خدا نیامرزد آن کسی را که با

۱- الکافی ج ۵ ص ۷۰

۲- بحارالانوار ج ۱۳ ص ۴۲۱



دست جفای خودش، مؤمنین را از فیوضات محضر ایشان محروم کرد. ایشان غالباً این روایت را می‌خواندند که: «لولا تکثیر فی کلامکم و تمریج فی قلوبکم لرأیتهم ما اری و لسمعتهم ما اسمع».^۱

یعنی اگر یک قدری قلب و زبان را کنترل کنید، آنچه را رسول خدا^۹ می‌بیند، شما هم خواهید دید.

موقعیت بالای سکوت، اما نه در برابر پایمال شدن حق

فرمود: اگر کسی سکوت نصیب او شد، موقعیت بالایی دارد، اما همین شخص اگر ببیند که حق دارد از بین می‌رود، آنجا صحبت می‌کند. اگر ببیند که معنویات را پایمال می‌کنند، صحبت می‌کند.

عنان قافله‌ی دل به دست گرگ مده

عنان قافله‌ی دل به دست گرگ مده

که این همی نیاید زگرگ چوپانی

گرگ، آز و حرص و صفات رذیله هستند، اینها به منزله‌ی حیوانات مودیه هستند.

رؤیای بی‌نمازی که گرفتار قفس شده بود

یکی از رفقا را - که نماز نمی‌خواند - بنده در عالم رؤیا دیدم که یک قفس آوردند و این آقا را درون قفس کردند. همین که او را در داخل قفس

۱ - تفسیر المیزان، للعلامة الطباطبائي ج ۵ ص ۲۷۰



انداختند، به شکل یک کرکس درآمد. چنگالهایش را به میله‌های قفس می‌زد و می‌گفت: مرا نجات بده!

محسور شدن مردم در قیامت به شکل باطنشان

مردم در روز قیامت به شکل باطنشان محسور می‌شوند. «يَحْشُرُ النَّاسَ عَلَي صُورِ اَعْمَالِهِمْ وَ نِيَاثِهِمْ»^۱.

اگر این درنده خوئی ز طبیعتت بمیرد

همه عمر زنده باشی به مکان آدمیت

حضرت می‌فرماید: آن اشخاصی که تخلق عملی ندارند و به صفات حیوانی مانند صفت درندگی متصف‌اند، مانند مرده بین زنده‌ها هستند. «میت بین الاحیاء»^۲. صورت برزخی آنها -مثلاً- خوک است، میمون است.

یک صلوات بفرستید

احترام به عالم، احترام به پیامبر^۹ است

وقال: «من اکرم علماً فقد اکرمني»^۳. هر کس به عالمی احترام بگذارد، به من احترام گذاشته باشد.

یک صلوات دیگر بفرستید.

شب و نیمه شب التماس کن، داداش‌جون!

۱ - قال ابو عبد الله (ع): ان الله عز وجل يحشر الناس على نياتهم يوم القيامة. الكافي ج ۵ ص ۲۰

۲ - غررالحکم/ ۲۱۱۸

۳ - جامع الاخبار ص ۱۱۱



تا که زود است، شب و نیمه شب التماس کنید، آقا!

دعای نیمه شبی دفع صد بلا بکند

عتاب یار پری چهره عاشقانه بکش

که یک کرشمه تلافی صد بلا بکند

صلاح مریض به دست طیب است

عاشقم بر لطف و بر قهرش به جد

ای عجب من عاشق این هر دو ضد

بله! لطف خدا را دوست دارم، قهرش را هم دوست دارد.

باید صلاح خودت را به دست طیبِ طیبها بدهی. «انتم کالمرضی و رب

الارباب کالطیب».^۱

جز تو طیب نبود باید به هر دو کون

این دردهای بی حد ما را دوا کنی

پروردگار طیب است و شما مریض هستید، صلاح مریض به دست طیب

است، نه بر اساس خواسته‌های خودش.

استقامت در مقام مراقبه تا نابودی خطورات قلبی

«ولاتمریج فی قلوبکم»، یعنی باید آنقدر در مقام مراقبه باشی تا خطورات قلبی

به کلی نابود شود و صفحه‌ی دل نورانی شده و جای پروردگار شود.

نداری گر چنین دل تا که زود است



بزن بر دامن صاحب‌دلی دست

که تا از قید نفست وارهاند

(در تحت تعالیم معنوی) تو را تا منزل جانان رساند

افاضه‌ی حکمت به قلب در اثر ترک امیال نفسانی

ای جوانها! اوقات را مغتنم بشمارید.

باز آن روایت را بخوانم که وقتی از معنای زهد سؤال شد، حضرت فرمود: زهد در دنیا، دور جستن از حرام خداست. «تنکب حرامها»^۱ من جوانم، غرائز در حد کمال شعله‌ور شده، اما بخاطر فرمان پروردگار از حرام صرف نظر می‌کنم. به‌به! به‌به! آن وقت بر صفحه‌ی قلب چنین کسی حکمت نازل می‌شود و حضرت فرمود: به او نزدیک شوید و از کلمات حکمت‌آمیز او استفاده کنید.

اگر شما از امیال نفسانی‌تان صرف نظر کردید، ما باید در حضور شما بنشینیم و از شما آقایان و جوان‌ها حکمت بشنویم!

سخنرانی شماره (۶۳ ب) تاریخ ۶۸/۰۹/۲۹

بسم الله الرحمن الرحيم



اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

شیطان سه طائفه را وسوسه می کند

﴿ان الشيطان لكم عدو فاتخذوه عدوا﴾^۱ شیطان دشمن شماست، او را دشمن خود بگیرید. شیطان سه طائفه را وسوسه می کند، اول کسانی که از یاد خدا اعراض می کنند، مانند کسی که صبح مغازه اش را باز می کند و عصر هم می بندد و می رود، به هیچ چیز هم کاری ندارد. اگر هم حرفی به او بزنی، می گوید: کسب حلال است! اما نمی داند که کسب حلال مقرراتی دارد، احکامی دارد که باید یاد بگیرد. کأنَّ برای این ساخته شده است که صبح بیاید مغازه را باز کند و شب هم ببندد! از هیچ یک از احکام اسلامی خبر ندارد، آقا جان!

طائفه دیگری که در معرض وسوسه شیطان اند، کسانی اند که احکام خدا را یک دستی گرفته اند. نماز را تند می خوانند. پروردگار به ملائکه می فرماید: چرا این بنده من با عجله نماز می خواند؟! مگر رزق و روزی او به دست غیر من است؟! چرا این طوری نمازش را می خواند؟! باید نماز را مقدمه‌ی حفظ اموالش بدانند.

وقتی اسکندر وارد آن شهر شد، گفت: آیا شماها نمی ترسید به اموالتان نقصی وارد شود؟ گفتند: خیر! ما تو کلمان به پروردگار است، تمام اموالمان و خودمان همه در قبضه‌ی تصرف اوست. این است که کسی جرئت



ندارد، نقصانی به اموال ما وارد کند!

طائفه‌ی دیگری که در معرض وسوسه‌ی شیطان‌اند، کسانی‌اند که در مقام غفلت بسر می‌برند، خودشان را در حضور و محضر پروردگار نمی‌بینند. شیطان از پروردگار یک اختیاری گرفته است که از راه خون وارد عروق انسان می‌شود و او را وسوسه می‌کند. «ان الشیطان لیجری من ابن آدم مجری الدم»^۱.

اطلاع کامل شیطان از وضعیت شما

شیطان کاملاً به وضعیات شما مطلع است که چه کسی احکام شرع را یک دستی گرفته و چه کسی خودش را در حضور پروردگار می‌داند و چه کسی نمی‌داند، چه کسی مراقب است و چه کسی مراقب نیست.

مراقبه، راه محفوظ بودن از شر شیطان

پس بنابراین حضرت فرمودند: کسی از شر این خبیث (شیطان) محفوظ است که دائم در مقام مراقبه باشد و خودش را در حضور و محضر پروردگار بداند و در ادامه هم فرمودند: آن کسی که شب و روزش را بی تفاوت می‌گذراند، دائم صید شیطان است. «واما المهمل لاوقاته فهو صید الشیطان»^۲.

تضرع به درگاه پروردگار

حضرت در ادامه می‌فرمایند: بالتجاء و تضرع به درگاه پروردگار به

۱ - عوالی اللغالی، لابن ابی جمهور الاحسائی ج ۱ ص ۲۷۳

۲ - مصباح الشریعة ص ۸۰



ریسمان محکم الهی چنگ بزن. «فاعتصم بحبل الله الاوثق فهو الاتجاء الى الله». یک قدم باید شما بیاید، تا پروردگار ده قدم به سوی شما بیاید. شیطان یک جبهه است، نفس هم یک جبهه است. شیطان از اعوان و یاران نفس است و به وسوسه‌های نفس کمک می‌کند.

برای درمان قساوت قلب چه کنم؟

یک کسی به بنده گفت: آقا! من قساوت قلب پیدا کرده‌ام. برای درمان این بیماری چه کنم؟ گفتم: چند چیز است که رفع قساوت قلب می‌کند:

حضور در مسجد (درمان قساوت قلب)

اول، آمدن به مسجد است که پروردگار عزیز قلب کسی را که به مسجد بیاید را مورد نظر قرار می‌دهد و قلبش را از قساوت خارج می‌کند.

همنشینی با دانشمندان دین (درمان قساوت قلب)

دومین چیزی که قساوت قلب را می‌برد، همنشینی با دانشمندان دین است.

نماز شب (درمان قساوت قلب)

سومین چیزی هم که قساوت قلب را می‌برد، نماز شب است.

دردهایتان را به خدا بگویید

آیا جایز است از اول مغرب تا اذان صبح تلویزیون ببینید، استراحت کنید، داداش‌جون! و با پروردگار نیایش نکنید، دردهایتان را به او نگویید؟!

شیطان نماز شب، با قدرت‌ترین شیطان است

از همه‌ی شیاطین با قدرت‌تر، شیطانی است که موظف است اشخاصی را



که می‌خواهند نماز شب بخوانند را وسوسه کند. این شیطان در وسوسه خیلی استاد است.

شیطان، داناترین شخص بعد از امام زمان^۷ است

بعد از امام زمان^۷ شیطان داناترین شخص است^۱ که می‌گوید: باباجان! نماز شب مستحب است، باید به فکر سلامت بدن خودت باشی، تو محصلی، باید بخوابی تا فردا از درس عقب نمایی! وسوسه‌هایی می‌کند که به هر فقیهی بگویند، می‌گوید: درست است!

پروردگار در سحرها به قلبهای شما نگاه می‌کند

شیطان این وسوسه‌ها را می‌کند، اما نمی‌دانی داداش جون که پروردگار در سحرها به قلبهای شما نگاه می‌کند، شما را نورانی می‌کند، رزق فردای شما را مهیا می‌کند. «ان الله تبارک وتعالی ينظر في الاسحار الى قلوب المتيقظين»^۲.

اگر دیشب نماز شب خوانده بودی، امروز محتاج من نبودی!

شخصی آمد خدمت امام صادق^۷ و عرض کرد: یابن رسول الله! یک چیزی به من بده. حضرت فرمودند: به نظر دیشب نماز شب نخوانده‌ای! عرض کرد: خوانده‌ام، یابن رسول الله! حضرت فرمود: دروغ می‌گویی! اگر خوانده بودی، امروز محتاج به من نبودی، محتاج به سؤال نبودی. با نماز شب پروردگار عمر شما را زیاد می‌کند، نماز شب چراغ در قبر است.

۱ - لو كان للعلم من غير التقى شرف لكان اشرف خلق الله ابليساً.

۲ - المحجة البيضاء، للفيض الكاشاني ج ۲ ص ۳۹۹



شیطان قدم به قدم پیش می آید

«فانه يفتح عليك تسعة وتسعين باباً من الخير ليظفر بك عند تمام المائة».^۱ شیطان راه‌های شرعی را بلد است، وقتی شما را از نماز شب محروم کرد، می آید سراغ نماز جماعت و وسوسه می کند که نماز جماعت کدام است، برادر من! در مغازه‌ات بمان و به کارهای مردم رسیدگی کن! دل مؤمن را به دست بیاور! این طور وسوسه می کند، در حالی که انسان نمی داند که اگر در نماز جماعت شرکت نکند، درب خیرات بر او بسته می شود. باید به مسجد بیاید و به برادران ایمانی و به ضعفاء و مستضعفین توجه پیدا کند، تا پروردگار قلبش را از قساوت نجات دهد.

برکات حضور در مسجد

اگر کسی به مسجد - که خانه‌ی خداست - آمد، حقی بر صاحب‌خانه پیدا می کند. «حق علی المزور ان يكرم الزائر».^۲ پروردگار که صاحب این خانه است، او را موفق به ترک محرمات و فعل واجبات می کند، او را در معرض رحمت خودش قرار می دهد، راههای خیر را بر او می گشاید، یک رفیق دانا و آگاه نصیب او می کند. باید این اسلحه‌ها را داشته باشید، تا بتوانید در مقابل سگ نفس و شیطان آمادگی پیدا بکنید.

عمل بر خلاف وسوسه‌ی شیطان

۱ - مصباح الشریعة ص ۸۰

۲ - ثواب الاعمال، للشیخ الصدوق ص ۲۸



حضرت در ادامه می‌فرماید: «فقابلہ بالخلاف». یعنی اگر شیطان شما را وسوسه کرد، خلافتش را انجام دهید. «فقابلہ بالخلاف والصد عن سبیلہ». هر راهی که شیطان در برابر تو قرار می‌دهد، برخلافش برو.

شیطان هر کس را به روش خودش وسوسه می‌کند

یک کسی گفت: از زمین مستراح به صورت من ترشح شد، من گفتم: پاک است، چون زمین مستراح که نجس نیست، آقا جان من! شیطان دائم به دنبال این است که هر کسی را با روش خودش فریب دهد.

اگر آمادگی پیدا کردی، برای نماز شب بیدارت می‌کنند

اما بدان وقتی که - ان شاء الله تبارک و تعالی - آمادگی پیدا کردی، شما را برای نماز شب صدا می‌زنند، در می‌زنند، تکانت می‌دهند، مورد عنایت پروردگار قرار می‌گیری.

شیطان بر اهل ایمان و توکل تسلط ندارد

﴿ان کید الشیطان کان ضعیفاً﴾^۱ کید شیطان ضعیف است. ﴿انه لیس له سلطان علی الذین آمنوا و علی رحم یتوکلون﴾^۲ شیطان بر کسانی که ایمان بیاورند و بر پروردگارشان توکل کنند، تسلطی ندارد. سید بن طاووس^۳ به پسرش فرمود: ای پسر! همیشه در دو قلعه‌ی ایمان به پروردگار و توکل بر او متحصن باش، تا از شر شیطان در امان باشی.

۱ - نساء/ ۷۶

۲ - نحل/ ۹۹



معنای ایمان

ایمان به پروردگار به این معنی است که خود را در حضور و محضر پروردگار بدان، دروغ نگوئی، کسی را اذیت نکنی، غیبت نکنی، حرف زشت نزنی، یک انسان وظیفه‌شناس باشی. خودت منصفانه قضاوت کن.

سحرخیزی یک جوان (زمستان بهار مؤمن است)

دیروز به یک جوانی برخورددم و گفتم: باباجان من! شبها چه می‌کنی؟ گفت: آقا! من یک ساعت و نیم مانده به اذان بلند می‌شوم. من با خدا کار دارم. کارهای روزم را در همین ساعت با خدا تصفیه می‌کنم. حاجتم را در همین ساعت از خدا می‌گیرم، با خدا رابطه پیدا می‌کنم.

انصاف نیست که این شبهای طولانی زمستان تا صبح بخوابید. زمستان بهار مؤمن است. «الشتاء ربيع المؤمن»^۱. مؤمن در این شبها که غذایش هضم شده، خستگی‌اش هم در رفته، سحر بلند می‌شود، داداش‌جون! قرآن می‌خواند، پروردگار ان شاء الله سلامتی مزاج به او می‌دهد.

۱ - الامالی، للشيخ الصدوق ص ۳۰۸



سخنرانی شماره (۶۴ ب) تاریخ ۶۸/۱۰/۰۸

بسم الله الرحمن الرحيم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

﴿واتبع سبيل من اناب الى﴾^۱

شلوغ شدن قلب و بیچارگی در اثر غفلت از بندگی



پروردگار می‌فرماید: اگر خودت را برای عبادت من فارغ نکنی، ذهن و قلبت را شلوغ می‌کنم و بیچارگی‌هایت را برطرف نمی‌کنم. «املاً قلبک شغلاً بالدنیا ثم لا اسد فافتک»^۱. تمام شکاف‌هایی که در زندگی من پدیدار شده، همه به حال خودش است. ذهن شلوغ می‌شود، قلب شلوغ می‌شود.

کم شدن خاطرات قلبی، در اثر توجه به پروردگار

هر قدر که شما اقبال به پروردگار بکنید، آن خاطرات ذهنی و قلبی کم می‌شود و همین دلیلی بر وجود خداست که حضرت فرمود: «عرفت الله بفسخ العزائم»^۲. یعنی خدا را با به هم خوردن تصمیم‌ها شناختم. پروردگار همیشه خودش را به شما نشان می‌دهد. فرمود: اگر شما به من توجه بکنید، من هم خاطرات ذهنی شما را محو می‌کنم.

خاطرات قلبی فقط در امام^۷ به طور کامل محو می‌شود

البته فقط در شخص امام^۷ است که تمام خاطرات ذهنی محو می‌شود و ایشان تمام وجودشان در حضور و محضر پروردگار است، ولی در باقی مردم خطورات ذهنی و قلبی ضعیف می‌شود ولیکن به کلی از بین نمی‌رود.

گریه از خشیت خدا، ترک گناه و زهد در دنیا

عن ابي جعفر^۷ قال: «كان فيما ناجي الله به موسى علي الطور ان يا موسى ابلغ قومك انه ما يتقرب الي المتقربون بمثل البكاء من خشيتي و ما تعبد لي المتعبدون بمثل الورع عن

۱ - الکافی ج ۲ ص ۸۳

۲ - نهج البلاغة، قصار الکلام ۲۵۰



محارمی ولاتین لی المتزینون بمثل الزهد فی الدنيا».^۱

پروردگار در مناجات خود با موسی فرمود: ای موسی به قوم خود بگو که هیچ چیزی مانند گریه از خشیت من، بندگانم را به من نزدیک نمی کند و هیچ عبادتی بالاتر از ترک حرام نیست و هیچ زینتی برای بندگانم بالاتر از زهد در دنیا نمی باشد. ممکن است این سه عنوان در یک شخص باشد.

معنای خشیت

یکی از این سه عنوان، خشیت است به این معنی که انسان خودش را در حضور و محضر پروردگار بداند.

خضوع در برابر استاد

بنده به استاد خیلی علاقه داشتم، بخاطر اینکه به من تعلیم علم می داد. «من علمنی حرفا فقد صیرنی عبدا».^۲ هر کس یک کلمه به من یاد بدهد، من بنده‌ی او می شوم. اگر شرعاً جایز بود که من طهارت استاد را بگیریم، از شدت علاقه به استاد، این کار را می کردم. این قدر در برابر مقام استاد کرنش می کردم و خاضع بودم.

بخاطر خضوع من، استاد گفت: خودم با تو مباحثه می کنم!

آقایان اهل علم وقتی که از استاد درس می گیرند، می نشینند و با هم مباحثه می کنند. استاد بنده وقتی که این کرنش و تواضع را از من دید، به من

۱ - ثواب الاعمال، للشیخ الصدوق ص ۱۷۲

۲ - جامع السعادات، للشیخ محمد مهدی الترقی ج ۳ ص ۱۱۲



گفت: من خودم با تو مباحثه می‌کنم! (اگر استاد با شاگردش مباحثه کند، علم شاگرد خیلی بالا می‌رود و این از توفیقات پروردگار است)

صلوات نفاق را دور می‌کند، داداش‌جون!

یک صلوات بفرستید. مثل اینکه شام نخورده‌اید، یک صلوات دیگر بفرستید. فرستادن صلوات نفاق را دور می‌کند، داداش‌جون! صلوات سوم را هم بفرستید.

چه می‌کنید اگر رهبران دین در میان شما کم بشوند؟!

نبی اکرم^۹ می‌فرماید: «کیف بکم اذا قلت علماؤکم»^۱ یعنی ای مردم! چه می‌گذرد بر شما اگر آن زمان را درک بکنید که علمای اخلاق و رهبران دین - که شما را به سعادت آینده‌تان متوجه بکنند - کم بشوند؟! حضرت نفرمود که نان شما کم بشود، قند و شکر شما کم بشود، فرمود: «کیف بکم اذا قلت علماؤکم». چه می‌کنید اگر علمای اخلاق شما کم بشوند؟!

دنیا در نظر ما بزرگ شده، نیاز به استاد اخلاق داریم

یک روز وقتی بنده به مدرسه‌ی حجتیه‌ی قم رفتم، طلبه‌های آنجا گفتند: وقتی شما پیش آقای بروجردی رفتید، به ایشان بگویید که دنیا در نظر ما بزرگ شده است. (نسبت دنیا و آخرت، نسبت معکوس است، هر چه دنیا بزرگ



شود، آخرت در نظر انسان کوچک می‌شود) از ایشان تقاضا بفرمایید که برای ما استاد اخلاق تعیین بفرمایند. وقتی بنده محضر ایشان رسیدم و پیغام آقایان را رساندم، ایشان فرمودند: من از کجا برای ده هزار اهل علم که در حوزه مشغول به تحصیل هستند، استاد اخلاق پیدا بکنم؟!

الغاء خودیت، آغاز سفر به سوی پروردگار

اگر مردی برون آی و سفر کن

یعنی خودیت خودت را الغاء کن! «یا موسی دع نفسك و تعال». ^۱ یعنی ای موسی! اگر بخواهی به ما تقرب بجویی، باید خودیت خودت را الغاء کنی، آن وقت به سوی پروردگار سفر کنی. باید از شیطان احتراز کنی و مکاید نفس را به واسطه‌ی توجه به مقام اقدس حق، خنثی کنی.

پرهیز از امور غیر عقلانی

درباره‌ی حضرت لقمان ^۷ روایت شده است که ایشان هیچ وقت به اموری که هدف عقلانی نداشت، مشغول نمی‌شدند، اما بنده شنیدم که بعضی از مردم می‌گفتند که امشب زودتر به خانه برویم، چون فلان سریال پخش می‌شود!

نگاه شهوانی حتی به عکس و فیلم هم حرام است

انسان اگر به عکس هم به نظر شهوانی نگاه کند، حرام است. دیدن خیلی از

۱ - تحفة الملوك فی السیر والسلوك ص ۱۰۶



این فیلم‌ها که رعایت حجاب در آنها نشده است، اگر با نگاه ریه باشد، به اجماع تمام فقهاء جایز نیست.

باید درس بخوانید، تحصیل بکنید، داداش جون! این فیلم‌ها مال بچه‌هاست.

مقدمات رسیدن به مقام خشیت

پس بنابراین هیچ چیزی مانند گریه از خشیت خدا، انسان را به پروردگار نزدیک نمی‌کند. خشیت هم حاصل نمی‌شود مگر اینکه ان شاء الله مسائل حلال و حرامتان را یاد بگیرید و عمل بکنید و در مرحله‌ی بعد هم خودتان را از رذائل اخلاقی تصفیه بکنید، آن وقت خشیت برایتان حاصل می‌شود.

ترک حرام، زهد واقعی است

عنوان دیگری که در روایت بود، ورع از حرام الهی بود که در روایت دیگری هم حضرت فرمودند: هر کس یک حرام را ترک بکند، همان وقت پروردگار به قلب او حکمت را القاء می‌کند و چنین کسی زاهد واقعی است. پس بنا بر این روایت تمام این آقایان دانشگاهی و جوانهای ما و متعلمین معارف اسلامی، همه زاهدند. «زهد الناس من ترك الحرام»^۱ زاهدترین مردم آن کسی است که حرام را ترک بکند. این جوانی که تمام غرائز وجودی او رو به التهاب است و سرکشی می‌کند، اگر از حرام صرف نظر بکند، پروردگار دانش حقیقی را - که نزد آل محمد^۹ است - به قلب او القاء می‌کند. شما باید پیش او بنشینید و از کلماتش استفاده بکنید.



پس در روایت مناجات پروردگار با موسی^۷ سه عنوان ذکر شده بود: اول اهل گریه از خشیت خدا، دوم اهل ورع و سوم هم اهل زهد.

اهل خشیت هم‌افق با انبیاء الهی

حضرت موسی عرض کرد: پروردگار! چه عنایتی نسبت به این سه دسته می‌فرمایی؟ فرمود: آن کسانی که اهل خشیت من هستند، آنها با انبیاء الهی هم‌افق‌اند و یک درجه پایین‌تر از مقام عصمت قرار دارند.

نفس عصمت، خاص انبیاء و اوصیاء است

خدا رحمت کند مرحوم ابوالفتح را که در تفسیرش نوشته است که انبیاء و اوصیاء یک نفسی بر ما زیاده دارند و آن هم نفس عصمت است، هر قدر که ما سعی بکنیم، به مقام مقدس آنها نخواهیم رسید.

اهل ورع را در قیامت تفتیش نمی‌کنم

اما آن اشخاصی که اهل ورع‌اند و از محرمات الهی پرهیز می‌کنند، در روزی که همه‌ی مردم را تفتیش می‌کنم، آنها را تفتیش نمی‌کنم. «ولافتشهم حیاء منهم»^۱. چون آنها محرمات الهی را ترک کردند و از من حیا کردند، من هم حیا می‌کنم و آنها را تفتیش نمی‌کنم.

بهشت برای اهل زهد



اما آن اشخاصی که اهل زهد در دنیا بودند، بهشتم را به آنها عرضه می‌کنم، هر کجای آن را که خواستند، انتخاب کنند. این مال آن جوان‌هایی است که از غرائز خودشان در حرام صرف‌نظر کرده‌اند. سه تا صلوات بفرستند.

سخنرانی شماره (۶۴ الف) تاریخ ۶۸/۱۱/۰۹

بسم الله الرحمن الرحيم
اعوذ بالله من الشيطان الرجيم
﴿إِلا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۱



زیاد کردن عرض و طول زندگی برای رفع اضطراب قلب!

خدا رحمت کند مرحوم اشراقی را که می گفت: ما برای اینکه - به نظر خودمان- اطمینان قلب برایمان حاصل بشود، دائم عرض و طول زندگی را زیاد می کنیم، انسان با خود می گوید: شاید نگرانی و اضطراب قلب من بخاطر این است که منزل بیلاقی ندارم! یا بخاطر این است که اتومبیل ندارم! همه‌ی اینها را تهیه می کند، اما می بیند که اضطرابات قلبی شدیدتر شد. رحمت پروردگار بر غضبش سبقت دارد،^۱ از گوشه‌ی قلب ندا می شود که باباجان! خودت را خسته نکن! آیا تصور می کنی که سعادت و آرامش تو در این است که از نفست اطاعت کنی؟!

امیال نفسانی مانند تار عنکبوت

ولیکن آن مگسی که در تار عنکبوت افتاده، هرچه بیشتر تقلا می کند، بیشتر تارهای عنکبوت به پای او می پیچد، فهمیدی باباجان؟ هر چه که به غرائز نفسانی ترتیب اثر بدهید، وقتی به آن رسیدید، می بینید که بالاتر از آن را طلب می کنید!

گفت چشم تنگ دنیا دوست را یا قناعت پر کند یا خاک گور

همین دنیایی که داری برای تو بس است

بر همین اساس است که پروردگار می فرماید: هر مؤمنی - از زن و مرد-

۱ - «یا من سبقت رحمته غضبه». الصحيفة السجادية (ابطحی) ص ۳۴۵



عمل صالح بکند، او را از طلب دنیا باز می‌داریم و می‌گوییم: همین که داری، برای تو بس است. ﴿فلنحینه حیاة طيبة﴾^۱

پروردگار متکفل اولیاء خود است (وصیت مرحوم مامقانی)

مرحوم مامقانی بزرگ؛- که حاشیه‌ی توضیحی بر مکاسب نوشته است- در وصیت خود به فرزندش آقاشیخ عبدالله (که هر دو مجتهد بودند) می‌فرماید: همانطور که چوپان گله را از علفهای هرزه و مسموم‌کننده برحذر می‌دارد و آنها را در تحت تکفل و تحفظ خودش قرار می‌دهد، پروردگار عزیز هم اولیای خودش را از موارد غره برحذر می‌دارد و نمی‌گذارد برای به دست آوردن دنیا خودشان را به آب و آتش بزنند.

رمز موفقیت

رمز موفقیت این است و باید انسان جدیت بکند تا به جایی برسد که خود پروردگار عزیز ﷻ متکفل او بشود و او را از موارد غره برحذر بدارد.

مانند آن جوان باشید (واعظی در درون)

انسان باید تلاش کند تا مانند آن جوان باشد که وقتی رسول اکرم^۹ از او پرسید: علامت یقینت چیست؟ گفت: یا رسول‌الله! کسی در نهاد من است که مرا موعظه می‌کند و از روز واپسین برحذر می‌دارد.^۲

۱ - نخل/ ۹۷

۲ - الکافی ج ۲ ص ۵۳



تمام جدیت‌ها برای رسیدن به مقام یقین

تمام جدیت‌ها برای رسیدن به همین مقام است. ما هم صحبتش را می‌کنیم که «وصف العیش نصف العیش»^۱. آنهایی که این مقام را دارند و اهل بخیه‌اند، خودشان می‌فهمند. آنهایی هم که ندارند، درصدد باشند که مورد اعانت پروردگار واقع بشوند، انشاءالله.

چرا پروردگار ما را یاری نمی‌کند؟!

مرحوم فیض، کتاب «احیاء العلوم» غزالی را تهذیب کردند و برخی از حرفهای ناروا و نامناسب را حذف کرده و نام کتاب جدید را «احیاء الاحیاء» گذاشتند. ایشان در این کتاب به خطبه‌ای از نهج البلاغه اشاره می‌کنند که حضرت می‌فرماید: محبوب‌ترین بنده نزد خداوند، بنده‌ای است که پروردگار او را بر علیه نفسش اعانت و یاری کرده است.^۲ بعد در ادامه می‌نویسد که ما باید از خودمان سؤال کنیم که چرا پروردگار ما را یاری نمی‌کند؟! اگر مورد عنایت واقع شدی، نشانه دارد. نشانه‌ی آن این است که حزن و خوفی بر قلب می‌نشیند و چراغ هدایت در قلب روشن می‌شود، داداش‌جون! «فاستشعر الحزن وتجلب الخوف فزهر مصباح الهدی فی قلبه»^۳.

در هر ۱۰۰ نفر، دو نفر، سه نفر، چهار نفر، شاید به این مقام برسند که

۱ - توصیف کردن عیش و خوشی، نصف عیش و خوشی است.

۲ - عباد الله ان من احب عباد الله اليه عبدا اعانه الله على نفسه. نهج البلاغة خطبة ۸۷

۳ - نهج البلاغة خطبة ۸۷



غایت خلقت پروردگار است.

یک صلوات بفرستید

ثمرات اخلاص (روایتی از حضرت زهرا^۳)

گوهر خود را هویدا کن کمال این است و بس

خویش را در خویش پیدا کن کمال این است و بس

یک روایتی است از حضرت زهرا^۳ که ایشان می‌فرمایند: اگر شما اعمال خودتان را خالصانه به پروردگار عرضه کنید، پروردگار هم مصالح شما را به شما تحویل خواهد داد.

آیا من عمل خالص به پروردگار تحویل داده‌ام، تا پروردگار هم مصالح مرا مشخص کند؟ فقط کلمات پاک و خالص به سوی پروردگار می‌رود.
﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ﴾^۱

ما فقط غُرُغُر می‌کنیم که چرا پروردگار مصلحت ما را نمی‌دهد!
یک صلوات بفرستید.

گر از طریق صدق کنی راز دل به من
من هم بگویمت همه راز دل از صفا
گر تشنه به عشق منی از عطش بمیر
تا زندگی دهمت از چشمه بقا

دوا اینجاست، اما شفا آنجاست



گر دردمند غیر منی رو طیب جوی
 کآن هم پی علاج تو خواهد ز ما دوا
 خدا رحمت کند دکتر شفا را که در قم بود و در مطب خودش این جمله
 را نوشته بود: دوا اینجاست اما شفا آنجاست. (یعنی دوا را ما می‌دهیم، اما شفا
 پیش حضرت معصومه^۳ است)

اگر گناه جن و انس را هم کردی، نا امید نشو!

به هر کجا که روی وقت بازگشت
 با صد گنه به جانب الطاف ما بیا
 یعنی با کس دیگر به غیر من مأنوس نشو!
 لقمان حکیم^۷ به پسرش فرمود: پسر! اگر گناه جن و انس را کردی، مبدا
 نا امید بشوی و اگر به قدر جن و انس - که در طاقت تو نیست - عبادت
 کردی، مبدا غرّه شوی. خوف و رجاء مؤمن توازن دارد، آقا! در مرتبه‌ی
 توازن است، در مرتبه‌ی تعادل است.

مبدا شیطان بنای ایمانتان را خراب کند!

همه‌اش بنده به این آیه فکر می‌کنم که ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقِضُوا عَهْدَهُمْ بَعْدَ
 قُوَّةٍ أَنْكَاثًا﴾^۱ به شما رفقای عزیز توصیه می‌کنم که مراقب شیطان باشید،
 زیرا اگر در اثر مجاهدات و عبادات و مراقبت، یک قدری بنای ایمانتان را
 بالا ببرید، شیطان - اگر بتواند - سعی می‌کند که با یک معصیت - خدای

۱ - نخل / ۹۲ «مانند آن زن نباشید که بافته‌های خود را باز می‌کرد».



ناکرده- امثال بنده را مبتلا کرده و این بنا را از بیخ و بُن برکند و خراب بکند و من هم مصداق این آیه بشوم و تمام بافته‌هایم که با زحمت به دست آمده، بر باد فنا برود. شیطان اگر توانست این بنا را خراب می‌کند و اگر نتوانست، سیر شما را با انواع حيله‌ها و القائات کُند می‌کند. باید متوجه این قضایا باشید، آقا جان!

استغفار ملائکه برای طالب علم

«من خرج من بيته يطلب علماً شيعه سبعون الف ملك يستغفرون له».^۱

شما همین‌که از خانه‌هایتان حرکت می‌کنید به سمت این مسجد یا به سمت حوزه‌های علمیه برای طلب علم، پروردگار هفتاد هزار ملک را با شما همراه می‌کند و آنها برای شما استغفار و طلب آمرزش می‌کنند.

شما ارزش سرمایه‌ی خود را نمی‌دانید!

شما چنین موقعیتی دارد، چنین سرمایه‌ای دارید، اما ارزش این سرمایه را نمی‌دانید و به آن توجه ندارید! «ان ابدانکم لیس لها ثمنٌ الا الجنة فلا تبيعوها بغيرها».^۲ اگر خدا را اطاعت کنید، ما بازاء بدن‌های شما بهشت است. پروردگار با شما خرید و فروش می‌کند.^۳ بدن‌هایتان را در گرو اطاعت می‌گذارید و در ازاء آن بهشت به شما ارزانی می‌شود.

۱ - الکافی ج ۱ ص ۲۰

۲ - الامالی، للشیخ الطوسی ص ۱۸۲

۳ - «ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و امواهم بان لهم الجنة». توبه/ ۱۱۱



اولیاء خدا فارغ از بهشت، فقط خدا را می‌خواهند

اما نسبت به اولیاء خدا، عالم دیگری وجود دارد.

دیوانه‌کنی هر دو جهانش بخشی دیوانه‌ی تو هر دو جهان را چه کند
در روز قیامت به اهل بهشت خطاب می‌شود: آیا آنچه که انتظار داشتید،
من به شما دادم؟ همه می‌گویند: بله. خطاب می‌شود: آیا خواسته‌ی دیگری
هم دارید؟ اولیاء خدا عرضه می‌دارند: پروردگار! ما تو را می‌خواهیم.
آن چیزی که اولیاء خدا را اشباع می‌کند، فقط خود پروردگار است.

اگر فرمایشات اهل بیت: را نشنوید، قلبتان می‌میرد

امیرمؤمنان^۷ می‌فرمایند: «من ترك الاستماع عن ذوی العقول مات عقله».^۱

یعنی ای رفقای عزیز! اگر چنانچه در مجامع علمی و در مساجد، فرمایشات
اهل بیت: را نشنوید، عقل و قلب شما می‌میرد و از بین می‌رود، باباجان من!
مگر حضرت فرمود که شرق بروید، غرب بروید، هر جای عالم بروید،
علم در نزد ما آل محمد^۹ است؟^۲

احادیث اهل بیت: بهترین هدیه و مانع از آتش جهنم

همین احادیثی که نوشته می‌شود، در قیامت بین کسی که می‌نویسد و بین
آتش جهنم فاصله می‌اندازد و حضرت فرمود: هدیه‌ای بالاتر از این نیست
که شما یک حدیث یاد بگیرید و بنویسید و وقتی به خانه رفتید، آن را به

۱ - کنز الفوائد، ابوالفتح الکرآجکی ص ۸۸

۲ - الکافی ج ۱ ص ۳۹۹



اهل خانه بیاموزید. «ما اهدی المرء المسلم الی اخیه هدیه افضل من کلمه حکمة یریدہ الله بها هدی»^۱.

برترین صدقه، نشر احادیث اهل بیت: در میان مردم است

اگر این کار را انجام دهید، مشمول این حدیث می شوید که حضرت فرمود: برترین صدقه در نزد ما اهل بیت: این است که علوم ما را بیاموزید و به دیگران یاد بدهید. «ما تصدق الناس بصدقة مثل علم ینشر»^۲. هیچ صدقه و تحفه‌ای مانند این نیست که انسان علمی را در میان مردم نشر بدهد و آنها را از وادی غفلت نجات بدهد.

عمل خالصانه، شرط عنایت پروردگار

باید بیدار بشوید، آقا جان! باید توجه کنید، تا پروردگار عزیز شما را بیدار نکند. پس بنابر فرمایش حضرت زهراء^۳ باید اعمالمان را خالص کنیم تا پروردگار ما را مورد عنایت قرار دهد. شخصی عرض کرد: یا بن رسول الله! من مدعی نیستم که عملم خالص برای خداست، اما دوست دارم که عملم را خالص کنم. حضرت فرمودند: تو جزء مخلصین هستی، همین قدر که قدم برداشتی و درصدد هستی که تمام شئون خودت را، حرف زدنت را برای خدا خالص کنی، جزء مخلصین هستی.

مراقب زبانتان باشید

۱ - منیة المرید، للشہید الثانی ص ۱۰۵

۲ - منیة المرید، للشہید الثانی ص ۱۰۵



انسان باید مراقب حرف زدنش باشد، غیبت نکند، مذمت نکند. بنده در یک مجلسی بودم، دیدم اینها همدیگر را مذمت می کنند. نصیحتشان کردم، گفتم: یکدیگر را مذمت نکنید! اینطور حرف نزنید! این کارها حقیقتاً مفسده دارد، قوانین شرع تابع مصالح و مفاسد نفس الامریه است.

تأثیر بدگویی در امواج هوا

امام صادق^۷ فرمود: اگر از رفیق خودت بدگویی کنی، در امواج هوا اثر می گذارد و وقتی فردا او را ببینی، می بینی که اوقاتش تلخ است! (عجب حدیثی است) می بینی که خیلی نگران است! پس بنابراین اگر شما درصدد این باشید که اعمالتان را خالصاً به پروردگار تحویل بدهید، پروردگار هم مصالح زندگی شما را خودش متقبل می شود.

خبرانی شماره (۶۵ ب) تاریخ ۶/۱۱/۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم



﴿وانتم الاعلون ان كنتم مؤمنين﴾^۱

طول عمر و ترقی انسان در اثر احسان به خلق

قال ابو عبد الله^۷ «من يموت بالذنوب اكثر ممن يموت بالاجال ومن يعيش بالاحسان اكثر ممن يعيش بالاعمار»^۲. یعنی بقای عمر شما منوط به این است که چقدر به افراد جامعه احسان می کنید و این در رأس امور است. بارها تذکر داده شده است که فلان کس ترقی خواهد کرد، فلان کس جلو خواهد افتاد، فلان کس عمرش طولانی خواهد شد، در اثر احسان به خلق خدا. ببینید چقدر پروردگار مردم را دوست دارد! یک چنین موقعیتی باشد و انسان از آن استفاده نکند؟!

کوتاه شدن عمر در اثر گناهان

حضرت در قسمت دیگری از روایت هم می فرمایند: کسانی که بخاطر گناهان و اعمالشان می میرند، بیشتر از کسانی هستند که بخاطر رسیدن اجل شان از دنیا می روند! مثلاً عمر یک کسی ۵۰ سال است، اما معصیت می کند، با دستورات پروردگار مخالفت می کند و عمرش نصف می شود، ۵۰ سال می شود ۲۵ سال!

اسلام دین گوشه نشینی نیست، باید امر به معروف کنید

۱ - آل عمران / ۱۳۹

۲ - الامالی، للشيخ الطوسي ص ۳۰۵ «مرگ بخاطر گناهان بیشتر از مرگ بخاطر رسیدن اجل هاست و طول عمر و زندگی کردن بخاطر احسان به مردم بیشتر از زندگی بخاطر باقی بودن عمر هاست.



انسان یک تکلیف اجتماعی دارد، آقاجون! یک تکلیف انفرادی. تکلیف اجتماعی که مورد نظر شارع است، قضیه‌ی امر به معروف و نهی از منکر است، انسان نمی‌تواند نسبت به افراد جامعه که برادران و پدران و اولادهای او هستند، بی‌تفاوت باشد و بگوید: به من مربوط نیست! این مورد نظر اهل بیت نیست. دین مورد نظر اهل بیت، دینی است که تا ظهور قائم آل محمد^۹ باید دنیا را اداره بکند، دین گوشه‌نشینی نیست، این دین باید انسان به جامعه تحویل بدهد و شما هم باید ضرر افراد جامعه را ضرر خودت و نفع آنها را نفع خودت بدانی. البته برای انجام تکلیف اجتماعی، صلاحیت لازم است، هر کس نمی‌تواند این قضایا را بر عهده بگیرد.

تسلط اشرار در اثر ترک امر به معروف و نهی از منکر

امیرمؤمنان^۷ می‌فرماید: «لَا تَرْكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُولَىٰ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ»^۱. یعنی اگر امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید، اشرار مردم بر شما مسلط خواهند شد و اگر دعا کنید، مستجاب نخواهد شد.

زلزله را خودت درست می‌کنی، آقاجون!

زلزله را خودت ایجاد می‌کنی، زلزله را خودت درست می‌کنی، آقاجون!! زلزله از بی‌عدالتی من است، از انحراف من است، یک ضرر اجتماعی است که وقتی آمد، همه را می‌گیرد، همان‌طور که باران رحمت بر همه می‌بارد. (منتهی الامر اگر اشخاص وظیفه‌شناس در اثر زلزله بمیرند، جزء شهداء هستند)

۱ - نهج البلاغه، من وصیه له لما ضربه ابن ملجم / ۴۷



آیا اگر بنده یک فرزندی داشته باشم که درسش را بخواند و وظایف اجتماعی و انفرادی‌اش را هم رعایت کند، باید او را تنبیه کنم یا تشویق؟

هشدار قبل از موشک‌باران تهران در عالم رؤیا

یک نفر به بنده گفت: من قبل از موشک‌باران تهران در عالم رؤیا دیدم که یک عذابی آمد و گوشت‌ها را از بدن‌ها جدا کرد و سرها از بدن‌ها جدا شد و بسیاری از مردم زیر آوار رفتند، در همین حال این آیات را خواندند که ﴿كَلَّا اِنَّا لَظِي نَزَاعَةٌ لِّلشَّوْىِۥ تَدْعُوْا مِّنْ اَدْبُرٍ وَّاْتُوْا۟﴾^۱ یعنی نازل شدن این عذاب بخاطر پشت کردن مردم به احکام الهی است.

یاری دین خدا (قیام اباعبدالله^۷)

پروردگار از شما برای یاری دینش کمک می‌طلبد.^۲ نبی اکرم^۹ به اباعبدالله^۷ فرمودند: ^۳ حسین جان! چون یزید شکافی در دین ایجاد کرده است،^۴ باید بروی و این شکاف را ترمیم کنی. ثقل اصغر باید فدای ثقل اکبر شود. در اثر وحدت کلمه و پیاده شدن اسلام حقیقی در جامعه، پروردگار هم شما را یاری می‌کند.

۱ - معارج/ ۱۵ و ۱۶ و ۱۷

۲ - «استصرکم و له جنود السموات والارض». نهج البلاغه/ خطبة ۱۸۳

۳ - اللهوف علی قتلی الطفوف، للسید بن طاووس. ص ۴۰

۴ - یزید این شعر را می‌خوانده که: «لعبت هاشم بالملک فلا خیر جاء ولاوحی نزل». یعنی هیچ

خبری نیامده و وحیی نازل نشده است!! الاحتجاج، للشیخ الطبرسی ج ۲ ص ۳۴



شکست مسلمانان در اثر میگساری و اختلاط زن و مرد

در کتاب کوچکی که آقای حائری مرقوم فرموده‌اند،^۱ آمده است که مسلمانان با تجهیزات کم، اسپانیا را فتح و تا مرزهای فرانسه پیشروی کردند، اما با وضعیت خاصی شکست خوردند. دشمن برای شکستن وحدت کلمه‌ی مسلمانان، میگساری و اختلاط بین زن و مرد را رواج داد و توانست با این روش آنها را شکست بدهد و اسلام در اندلس غروب کرد.

آزادی مطلق، اسارت مطلق است

دشمن با رواج این حرفها که «انسان آزاد است!» و «در این دو روزه‌ی دنیا باید آزاد بود!»، جوانان مسلمان را گرفتار تعیش و میگساری و شهوترانی کرد، در حالی که آزادی مطلق، اسارت مطلق است.

پادشاه، بنده‌ی بنده‌ی من است!

به یکی از اولیاء خدا گفتند: پایت را جمع کن که پادشاه می‌آید! گفت: پادشاه، بنده‌ی بنده‌ی من است! پادشاه اسیر نفس است و من نفس را اسیر خود کرده‌ام، پس او بنده‌ی بنده‌ی من است!

شما بالاترید، اگر مؤمن باشید

پروردگار می‌فرماید: ﴿وَاتِمُّوا الْعِلْمَ أَنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۲ یعنی شما بالاترید، اگر

۱ - کتاب «غروب آفتاب در اندلس» نوشته‌ی مرحوم آیت الله مهدی حائری

۲ - آل عمران / ۱۳۹



مؤمن باشید. و در صورتی که از احکام اسلام تبعیت نکردید، باید زیر بیرق ذلت بروید.

افسوس که این مزرعه را آب گرفته

مرحوم قائم مقام هم شعری گفته که: مائیم که از پادشهان باج گرفتیم ... در آخر شعرش هم می گوید:

افسوس که این مزرعه را آب گرفته دهقان مصیبت زده را خواب گرفته

پیروزی مسلمانان در جنگ تبوک با تجهیزات کم

مسلمانان در جنگ تبوک با تجهیزات کم به جنگ دشمن رفتند و تا حدی امکاناتشان اندک بود که یک خرما را یک نفر در دهانش می گذاشت تا کمی قوت قلب بگیرد و به نفر بعدی می داد! اینطور اسلام را حفظ کردند.

ضرر فردی و اجتماعی در اثر کوتاهی در حفظ دین

این دین با خون انبیاء و اوصیاء و اولیاء آبیاری شده است و اگر ما برای حفظ این دین تلاش نکنیم، هم ضرر انفرادی دارد و هم ضرر اجتماعی. ضرر اجتماعی اش این است که بدها بر شما مسلط خواهند شد و دعای شما مستجاب نخواهد شد و آن قضایای سابق - خدای نخواست - دوباره زنده خواهد شد. باید ببینیم چطور شد که دوباره زلزله آمد؟

حکمت در نفوس فاسده اثری ندارد

نکته‌ی دیگر اینکه من باید خودم را تصفیه بکنم تا به درد اجتماع بخورم



که حضرت هادی^۷ فرمود: «الحكمة لاتنجع فی الطباع الفاسدة».^۱ یعنی حکمت در نفوس فاسده اثری ندارد. اول باید از رذائل تخلیه بشوم، تا آمادگی تخلیه به فضائل را پیدا بکنم. اول باید معده را از غذاهای بد و سمومی که در آن است پاک کرد، سپس از غذاهای مفید استفاده برد.

خدا نکند پروردگار کسی را به خودش واگذارد

«وانما یضل من لم یقبل منه هدی».^۲ پروردگار کسی را که به راهنمایی او هدایت نشود، گمراه می‌کند. پروردگار به این زودی بنده‌اش را رها نمی‌کند،^۳ اگر شما یک قدم به سوی او بروید، او ده برابر به شما عنایت و توجه می‌کند. اما وقتی ببیند که هر چه راه را به شما نشان می‌دهد، هر چه احسان می‌کند، شما نادیده می‌گیرید، آن وقت شما را به خودتان وا می‌گذارد.^۴ خدا نکند پروردگار کسی را به خودش واگذار کند. البته پروردگار به یک عده هم امکان می‌دهد که توبه بکنند تا سیئات آنها را تبدیل به حسنات بکنند.^۵

اشتغال بیش از اندازه به مخارج حروف (دوری از حقایق قرآن)

و اما یک تذکری به شما بدهم. یک کتابی راجع مقدمه‌ی تفسیر نوشته

۱ - اعلام الدین/ ۳۱۱

۲ - الکافی ج ۸ ص ۵۲

۳ - «ان الله تبارک و تعالی لا یوصف بالترک». عیون اخبارالرضا(ع)، للشیخ الصدوق ج ۲ ص ۱۱۳

۴ - «و رجل وکله الله الی نفسه ای خلا بینة و بین شیطانة». مجمع البحرین ج ۴ ص ۴۸

۵ - «ثم امکن اهل السيئات من التوبة بتبديل الحسنات». الکافی ج ۸ ص ۵۳



شده است و در آنجا از نبی اکرم^۹ روایتی نقل شده که حضرت فرمود: شیطان تلاش می کند یک عده را با مشغول شدن بیش از اندازه به مخارج حروف، از حقایق قرآن دور نگهدارد. یک روز بنده در مسجد آقاسیدعزیزالله بودم که دیدم دو نفر بر سر قرائت یک آیه از قرآن حدود چهل و پنج دقیقه با هم نزاع کردند!

«وکل امة قد رفع الله عنهم علم الكتاب حين نبوه»^۱ با پشت کردن به قرآن و احکام دین، پروردگار انسان را از حقایق علم کتاب محروم می کند. شیطان یک مقداری از عمر اینها را صرف می کند که از حقایق علم کتاب برخوردار نشوند. غین از کجا اداء شود، عین از کجا و..

آن کسانی که عرب زبان هستند هم به این غلیظی که بعضی از ما حروف را اداء می کنیم، اداء نمی کنند. امام جماعت مسجد الحرام با اینکه از فصاحت عرب است، می گوید «ایاکعبد و ایاکنستعین» و این قرائت را صحیح می داند. البته رعایت قواعد قرائت، زینت کلام است، اما چقدر از عمرمان را باید صرف آن بکنیم؟!

حضرت در ادامه ی روایت می فرماید: بعضی اشخاص عمرشان را صرف این می کنند که مخارج حروف را رعایت کنند، در حالی که از حقایق قرآن غافل اند. قرآن را می خوانند، حروفش را به پا می دارند، اما احکامش



را مراعات نمی‌کنند.^۱ این معنای «نبذ» کتاب است. اینها کسانی‌اند که پروردگار علم به کتاب را از آنها گرفته است. اما دانشمندان و رهبران دین تأسف می‌خورند که چرا عمرشان را در این صرف کرده‌اند که «عین» از کجا باشد و «غین» از کجا و از قضایای اصلی کتاب فروگذار کرده‌اند.^۲

مؤمن محتاج این سه خصلت است

امیدواریم پروردگار آن سه خصلتی را که امام‌جواد^۷ فرموده‌اند، به ما عنایت بفرماید. حضرت فرمودند: «المؤمن یحتاج الی ثلاث خصال: توفیق من الله و واعظ من نفسه و قبول من ینصحه».^۳ مؤمن محتاج سه خصلت است: توفیقی از پروردگار، واعظی در درون و قبول نصیحت ناصحان. انشاءالله در اثر کثرت ممارست و در اثر توجه به مقام اقدس حق، پروردگار این سه خصلت را به ما عنایت بفرماید.

سخنرانی شماره (۶۵ الف) تاریخ ۶۸/۱۰/۲۹

بسم الله الرحمن الرحيم

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

۱ - «وكان من نبذهم الكتاب ان اقاموا حروفه و حرفوا حدوده فهم يروونه و لا يروونه». الكافي ج ۸ ص ۵۳

۲ - «والعلماء یحزنهم تركهم للرعاية». الكافي ج ۸ ص ۵۳

۳ - تحف العقول / ۴۵۷



بشارت ملائکه به مؤمنین هنگام جان دادن

﴿ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة الاتخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التي كنتم توعدون﴾^۱ بدرستی که کسانی که گفتند پروردگار ما خداست و استقامت کردند، ملائکه (هنگام مرگ) بر ایشان نازل می‌شوند و می‌گویند که ترسید و محزون نباشید و بشارت باد بر شما به بهشتی که وعده داده شده بودید.

شکایت مسجد در روز قیامت

«يَكُونه تعطيل المسجد و قد ورد انه احد الثلاثة الذين يشكون الي الله عزوجل و الآخران عالمٌ بين يدي الجهاد و مصحف معلق قد وقع عليه الغبار لا يقرء فيه و ورد ان من مشى الي مسجد من مساجد الله فله بكل خطوة حتي يرجع الي منزله عشر حسنات و محي عنه عشر سيئات و رفع له عشر درجات»^۲.

یکی از چیزهایی که در قیامت از شما شکایت می‌کند، مسجد است که چرا در این مکان برای یادگیری معارف دینی و حقایق الهی حاضر نشدید؟

شکایت عالمی که از علم او استفاده نشود

یکی هم عالم و دانشمندی است که در میان مردم باشد و به او مراجعه نکنند. عالم کسب علم کرده است تا احکام اسلام را در میان مردم نشر بدهد، معارف را به آنها یاد بدهد. اگر مردم برای یادگرفتن نیایند، روز

۱ - فصلت / ۳۰

۲ - تحریر الوسیلة، الامام الخميني ج ۱ ص ۱۵۲



قیامت این عالم از آنها شکایت می کند.

شکایت قرآنی که خوانده نشود

سومین چیزی که در قیامت شکایت می کند، قرآنی است که در گوشه‌ی اتاق افتاده است و خوانده نمی شود. حال آنکه اگر انسان بخواهد حجاب‌های قلبش مرتفع بشود، زنگار قلب برطرف بشود، باید قرآن بخواند، باید لا اله الا الله بگوید، مواعظ الهیه را بشنود.

پس در روز قیامت سه چیز از ما شکایت می کند، مسجد و عالم و قرآن.

قرائت حداقل پنجاه آیه هر روز

انسان باید سعی کند هر روز کمتر از پنجاه آیه نخواند و اگر صد آیه بخواند، از ذاکرین الی الله ﷻ محسوب خواهد شد.

با کسی که در جماعت حاضر نمی شود، مشورت نکن!

بهتر است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی شود، غذا نخورد و در کارها با او مشورت نکند. با اینکه پروردگار به نبی اکرم^۹ می فرماید: ای حبیب من! با اصحاب خودت در کارها مشورت کن،^۱ اما با کسی که در جماعت مسلمانان حاضر نمی شود، با کسی که به مسجد نمی آید، مشورت نکن، خیری در زبان او نیست، ولش کن، باباجان!

همسایه نشدن و وصلت نکردن با کسی که به مسجد نمی آید



بهتر است انسان با کسی که به مسجد نمی‌آید، همسایه نشود، از او زن نگیرد و به او دختر ندهد. اینها درباره‌ی کسانی است که مسجد را مورد بی‌اعتنایی قرار می‌دهند و با چنین اشخاصی باید اینطور برخورد کرد.

امیر مؤمنان^۷ میزان اعمال در روز قیامت

انسان باید بیانات و فرمایشات اهل بیت را مورد نظر قرار بدهد. در روز قیامت اعمال ما را با امام^۷ مقایسه می‌کنند. امیر مؤمنان^۷ میزان اعمال است. وقتی به ایشان سلام می‌کنیم، عرضه می‌داریم که سلام بر شما ای میزان اعمال.^۱ زهد شما، علم شما، تقوی و ورع شما را با ایشان می‌سنجند.

حکمت و علم حقیقی بیانات آل محمد است

لقمان حکیم^۷ کسی بود که سلیمان و داود^۸ پای موعظه‌ی او حاضر می‌شدند. مگر پروردگار با لقمان خویشاوندی داشت که به او حکمت عنایت کرد؟! ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لَقْمَانَ الْحِكْمَةَ﴾.^۲ یعنی ما به لقمان حکمت دادیم. حکمت و علم حقیقی، بیانات آل محمد^۹ است.

باید اول قدم را خودتان بردارید

باید این بیانات را یک به یک در خودت پیاده بکنی. شما تصور می‌کنید که پروردگار باید در شما اراده بگذارد تا از محرمات الهی پرهیز کنید یا واجبات را انجام دهید؟! خیر. باید اول قدم را خودتان بردارید.

۱ - السلام علیک یا میزان الاعمال و مقلب الاحوال. المزار، للشهید الاول ص ۴۶

۲ - لقمان/۱۲



پروردگار می‌فرماید: اگر بنده‌ی من نیم متر به سوی من بیاید، من دو برابر به او توجه و عنایت می‌کنم. «اذا تقرب الی ذراعا تقربت الیه باعاً»^۱. باید قدم اول را خودت برداری و بیانات اهل بیت: را در خودت پیاده کنی.

ترازویی برای کشیدن معنویت اهل مسجد (رؤیای صادق)

یک شب در خواب دیدم که ترازویی را به مسجد آوردند و گفتند که ما می‌خواهیم اهل مسجد را بکشیم. آیا می‌خواستند این هیکل مادی را بکشند یا معنویات را؟ می‌خواستند که معنویات شما را بکشند.

ساعتی برای طلب علم قرار بده (سفارش لقمان^۲ به فرزندش)

اولین سفارش لقمان^۲ به فرزندش این است که فرزندم در بیست و چهار ساعت خود، یک ساعت را برای طلب علم دین قرار بده. «واجعل فی ایامک و لیالیك و ساعاتك لنفسك نصیباً فی طلب العلم»^۲. چطور شده که ما به درسهای مادی روز اهمیت قائلیم، اما از علم دین غافلیم!

ترجیح دنیا بر آخرت و محرومیت از هر دو

یکی از شاگردان مدارس به بنده گفت: جلسه‌ی مسجد را بخاطر امتحان فردا تعطیل کردم، با اینکه تمام مطالب درس را حفظ کرده بودم، اما سر جلسه‌ی امتحان همه چیز را فراموش کردم! می‌دانی چرا اینطور شد؟ چون دنیا را بر آخرت ترجیح داد. «ومن خیر الدنیا

۱ - الامالی، للسید المرتضی. ج ۲ ص ۶

۲ - تفسیر القمی، علی بن ابراهیم القمی ج ۲ ص ۱۶۴



علي الآخرة تفتت الدنيا و لا نصيب له في الآخرة»^۱. کسی که دنیا را بر آخرت برگزیند، هم دنیا از دستش می‌رود، هم آخرت.

نمازشب خواندن سلطان محمود برای پیروزی در جنگ

در یکی از جنگها، نفرات سپاه دشمن دو برابر نفرات سپاه سلطان محمود غزنوی بود. در احوال ایشان نوشته‌اند که نصف شب گفت: برای من آب بیاورید تا وضو بگیرم و نمازشب بخوانم! اطرافیان او گفتند: خوب است که سلطان امشب به استراحت پردازند که فردا جنگ سختی در پیش روی دارند. سلطان گفت: خیر، امشب من باید وظیفه‌ام را نسبت به پروردگار انجام دهم تا فردا هم پروردگار به لطف خودش عمل کند و در میدان جنگ مرا یاری کند. آن شب سلطان وضو گرفت و خوابید و فردا با آنکه تعداد نفرات دشمن بیشتر بود، آنها را درهم کوبید و شکست داد.

مبادا مجلس معنویت را بخاطر دنیا ترک کنید!

مبادا باباجان من! مجلس معنویت را -هرجا که هست، در هر مسجدی که هست- بخاطر دنیا ترک کنید! یک دفعه امتحان کن و معنویت را بر مادیت ترجیح بده و بین پروردگار با تو چه معامله‌ای خواهد کرد، بجای اینکه مطالب درسی از یادت برود، آمادگی شما دوچندان خواهد شد.

۱ - عوالی اللئالی، ابن ابی جمهور الاحسائی ج ۳ ص ۵۱۷



«فانك لن تجد له تضییعاً اشد من تركه»^۱. اگر مجلس معنویت را ترك كردید، یک ضایعه‌ای به شما می‌رسد که دیگر قابل جبران نخواهد بود. پروردگار عزیز که با لقمان خویشاوندی نداشت که به او حکمت عنایت کرد تا به جایی برسد که انبیای عظام از محضر ایشان استفاده کنند.

چرا خدا به لقمان ۷ حکمت داد؟

امام صادق ۷ قسم می‌خورد^۲ که خدا بخاطر حسب و نسب و مال و عشیره و جمال، به لقمان حکمت نداد، بلکه او کسی بود که در انجام اوامر الهی قوی بود. «والله ما اوتي لقمان الحكمة بحسب ولا مال ولا اهل ولا بسط في جسم و لا جمال و لكنه كان رجلاً قویاً في امر الله»^۳.

مگر تو همانی نیستی که گله‌بانی می‌کردی؟!

به لقمان ۷ گفتند: آیا تو همانی نیستی که گله‌بانی می‌کردی؟ گفت: بله. گفتند: چطور شد که اینطور شدی؟ گفت: من یک کارهایی کردم که اگر شما هم بکنید، مثل من، بلکه بالاتر از من خواهید شد و اگر نکنید، در چاه طبیعت خواهید ماند.

متأسفانه شیطان ما را در تردید نگه داشته است

متأسفانه بنده و امثال بنده استخاره می‌کنیم که فلان کار بد را بکنیم یا نکنیم!!

۱ - تفسیر القمی، علی بن ابراهیم القمی ج ۲ ص ۱۶۴

۲ - امام مبالغه نمی‌کند، قسم بیهوده نمی‌خورد.

۳ - تفسیر القمی، علی بن ابراهیم القمی ج ۲ ص ۱۶۱



شیطان ما را در تردید نگه داشته است، ولی حضرت لقمان^۷ صددرصد به دنبال انجام اوامر الهی بود. باید نماز را در اول وقت بخوانم ولو فردای، باید از رشوه‌خواری، تصرف در اموال مردم، نگاه به مناظر حرام و تمامی گناهان پرهیز کنم. باید روی تمام اینها خط بشکم.

لقمان^۷ بسیار ساکت بود

حضرت در ادامه فرمود که لقمان^۷ بسیار ساکت بود و حتی الامکان از حرف زدن پرهیز می‌کرد. «ساکتاً سکیتاً». کسی مانند لقمان^۷ که تمام حقایق را پروردگار در نهاد او گذاشته است، بسیار ساکت بوده است. یک کسی که انبیاء عظام از محضر او استفاده می‌کردند، چطور شده که اینطور ساکت است؟! «ساکتاً سکیتاً».

دیدن آنچه پیامبر^۹ می‌بیند با سکوت و حفظ قلب

نبی اکرم^۹ فرمودند: اگر کسی خودش را به سکوت عادت بدهد و قلبش را از واردات قلبیه و خطورات شیطانی حفظ بکند، گوش و چشم او را عوض خواهند کرد و آنچه که من پیغمبر می‌بینم، خواهد دید و آنچه من می‌شنوم، خواهد شنید.^۱

اوصاف لقمان حکیم^۷ (عمق نظر، روز نخوایدن، غضب نکردن)

لقمان حکیم^۷ نظرش عمیق بود، روزها نمی‌خوابید، (البته وظیفه‌ی ایشان غیر از



وظیفه‌ی نوع ماست، او لقمان حکیم بوده است) اصلاً غضب نمی کرد.^۱

هنگام غضب، شیطان بر گرده‌ی شما سوار است!

جدای از اینکه غضب کردن برای جسم انسان مضر است، حضرت فرمود: وقتی که شما غضب می کنید، شیطان روی گرده‌ی شما سوار است! بجای اینکه شما سوار شیطان بشوید، او سوار بر شماست!

اوصاف لقمان حکیم^۲ (شوخی نکردن، زهد در دنیا)

ایشان با کسی شوخی نمی کرد.^۲ وقتی انسان شوخی بکند، از موقعیت انسانیت او کاسته می شود، البته اگر بقدر نمک در غذا، یک قدری انسان ملایم باشد و بخندد، بد نیست.

لقمان حکیم^۳ از آمدن دنیا خوشحال می شد و نه از رفتنش محزون.^۳

بر سر آنم که گر ز دست برآید

دست به کاری زنم که غصه سرآید

معنای زهد در دو کلمه

پروردگار عزیز زهد را در همین دو کلمه بیان کرده است که اگر دنیا از

دستتان رفت، نگران نشوید و اگر به شما رو کرد، خوشحال نشوید.^۴

۱ - «لم ینم نهاراً قط... لم یغضب قط». تفسیرالقمی ج ۲ ص ۱۶۲

۲ - «ولم یمازح انساناً قط». تفسیرالقمی ج ۲ ص ۱۶۲

۳ - «ولم یفرح بشیء ان اتاه من امر الدنیا ولا حزن منها علی شیء قط». تفسیرالقمی ج ۲ ص ۱۶۲

۴ - عن علی بن الحسین (ع): الا و ان الزهد فی آیه من کتاب الله عزوجل: «لکیلا تأسوا علی ما فاتکم و

لا تفرحوا علی ما آتاکم». الکافی ج ۲ ص ۱۲۸



«لکیلاتأسوا علی ما فاتکم ولا تفرحوا بما آتاکم»^۱ اگر پروردگار از دست برود، باید غصه بخوری، نه اینکه با آمدن و رفتن دنیا محزون شوی. باید خودت را در حد تعادل نگه داری.

اوصاف لقمان حکیم^۷ (طلب علم و همنشینی با علماء)

حضرت لقمان^۷ اگر کلام حکمت آمیزی از کسی می شنید، از تفسیر و معنای آن سؤال می کرد،^۲ (درحالی که خودش معدن علم و مجسمه‌ی علم بود) از سند آن کلام سؤال می کرد. ایشان با فقهای عظام و دانشمندان و رهبران دین زیاد معاشرت می کرد.^۳ همنشینم به بود تا من از او بهتر بوم، باباجان! انسان جاهل، یا زیاده روی می کند یا کوتاهی. «الجاهل اما مفرط او مفرط».^۴

باباجان! خیر شما در رضایت پدر و مادر است

باباجان! ثواب شما، خیر شما در این است که رضایت پدر و مادر را به دست بیاورید. مبدا پدر و مادر از دست شما اذیت بشود. پدر و مادر که نمی گوید: مسجد نرو، نمی گوید: به احکام اسلامی گوش نده، نمی گوید: معارف اسلامی را نفهم. می گوید: برو، آقاجان من! اما زودتر بیا خانه و استراحت کن.

۱ - حدید/۲۳

۲ - «وَلَمْ يَسْمَعْ قَوْلًا قَطُّ مِنْ أَحَدٍ اسْتَحْسَنَهُ إِلَّا سَأَلَ عَنْ تَفْسِيرِهِ وَ عَمَّنْ أَخَذَهُ». تفسیرالقمی ج ۲ ص ۱۶۲

۳ - «وَكَانَ يَكْثُرُ مَجَالَسَةَ الْفُقَهَاءِ وَالْحُكَمَاءِ». تفسیرالقمی ج ۲ ص ۱۶۲

۴ - الاثنی عشریة، الخوالعالمی ص ۱۸۳



اگر پدر و مادر منتظر شما باشند، اگر چشم براه شما باشند، آقاجان من! و اذیت بشوند، شبهه‌ی حرمت دارد، به ضرر شماست و از موفقیت‌های شما کاسته خواهد شد.

اهل خانه را چشم انتظار نگذار! (نقل یک داستان)

یک نفر از بزرگان به خانواده‌اش خبر نداده بود که چه ساعتی خواهد آمد. این زن بیچاره در منزل بدون اینکه استراحت کند، تا نزدیک صبح چشم انتظار همسرش می‌ماند! آن آقا گفت: چون یک چشم را در انتظار گذاشتم، به چشم‌درد مبتلا شدم.

باباجان من! اگر کاری برای پیش آمد و دیر به منزل می‌رسی، با یک تلفن به خانه خبر بده، بگو: من گیر افتادم، دیر می‌آیم، اهل خانه را چشم انتظار نگذار.

یک صلوات بفرستید.

اوصاف لقمان حکیم^۷ (آموختن راههای غلبه بر نفس)

از دیگر اوصاف حضرت لقمان^۷ این بود که همیشه به دنبال آموختن راههای غلبه بر نفس بود.^۱

گر بر سر نفس خود امیری مردی

با همه عالم به جز با نفس شوم بد سرشت مدارا کن کمال این است و بس

۱ - «و يتعلم ما يغلب به نفسه». تفسیرالقمی ج ۲ ص ۱۶۲



اگر توانستی داداش جون! بر نفس خودت غلبه کنی، مردی.

گر بر سر نفس خود امیری مردی

بارک‌الله به یکی از جوانها که گفت: آقای میرزا! من نفسم را از حرام حبس کرده‌ام و به او گفته‌ام: به کمک پروردگار غیر ممکن است که من بگذارم عمل حرام انجام بدهی.

این کار بسیار مشکل است، بیخود نیست که شاعر گفته است:

گر بر سر نفس خود امیری مردی

مرد را باید در مبارزه با نفس پیدا کرد. البته بعضی‌ها انشاءالله موفق به مرحله‌ی بالاتر می‌شوند و در مکروهات هم در مقابل نفس می‌ایستند. حضرت لقمان^۷ چرا با دانشمندان معاشرت می‌کرد؟ برای اینکه راهی برای مجاهده با نفس و شیطان و غلبه بر آنها پیدا بکند.^۱

ابوعلی هم به دنبال نزدیک‌ترین راه به سوی خدا

در نامه‌ی دانشوران آمده است که ابوعلی به آن بزرگ نوشت: ای صدیق یگانه! نزدیک‌ترین راهها به سوی پروردگار کدام راه است؟

باید بررسی کنم که آیا من در دامن شیطانم یا نه؟

باید بررسی کنم که آیا من در دامن شیطانم یا نه؟ پروردگار که به لطف خودش فرموده است: مرا بخوانید، آیا من پروردگار را می‌خوانم یا افعال و کردار و اطوار من - العیاذ بالله - شیطان را می‌خواند!

۱ - «و یجاهد به هوا و یحترز به من الشیطان». تفسیرالقمی ج ۲ ص ۱۶۲



اوصاف لقمان حکیم^۷ (تفکر در تشخیص وظایف اجتماعی و فردی)

لقمان حکیم^۷ دائم به این فکر می کرد که در مقابل حوادث روز چه وظیفه ای دارد؟ در اجتماعات چه وظیفه ای دارد؟ قلبش را با تفکر مداوا می کرد.^۱ شیطان در کنار من نشسته است و مرا می بیند، ولی من او را نمی بینم، نفس هم هست، در مقابل این دشمنان و در مقابل حوادث روز چه باید بکنم؟

باید در کشتی اهل بیت: سواری بشوی، داداش جون!

حافظ از دست مده دولت آن کشتی نوح

ورنه طوفان حوادث بکند بنیادت

باید در کشتی اهل بیت سوار بشوی، داداش جون!

اوصاف لقمان حکیم^۷ (مشغول نشدن به امور بی فایده)

از دیگر صفات ایشان این بود که خود را به اموری که فایده ای برای او نداشت، مشغول نمی کرد. متأسفانه شما -مثل بچه ها- خودتان را مشغول به این فیلم هایی کرده اید که فایده ای برای انسان ندارد.

نزول حکمت بر لقمان^۷ در اثر تخلق به این صفات

این صفات در لقمان^۷ بود که وقتی خواهید، پروردگار حکمت را بر او

۱ - «وكان يداوى قلبه بالتفكير». تفسيرالقمي ج ۲ ص ۱۶۲



نازل کرد و از فرق سر تا قدمش را فرا گرفت.^۱ بلند شد در حالی که ناطق به حکمت بود، داداش جون!

شبها بیدار شو تا خدا بیدارت کند

از جان بگذر جانان بطلب
شبها بیدار شود، تا خدا بیدارت کند.

با قلب سلیم اسلام بجوی
پس مرتبه‌ی سلمان بطلب
در وادی عشق بزن قدمی
پس دولت بی پایان بطلب
گر گنج حقایق می‌طلبی
از گنج دل ویران بطلب

نقش کردم رخ زیبای تو در خانه‌ی دل

وقتی دل ویران می‌شود که اسم جلاله را در آن نقش بکنی.

نقش کردم رخ زیبای تو در خانه‌ی دل
خانه ویران شد و آن نقش به دیوار بماند
اسم جلاله را بر خانه‌ی دل نقش کن تا ان شاء الله به درجات عالیه نائل
بشوی! سه تا صلوات بفرستید، داداش جون!

۱ - «فبذلک اوتی الحکمة». تفسیرالقمی ج ۲ ص ۱۶۲



سخنرانی شماره (۶۶ الف) تاریخ ۶۸/۱۱/۰۳

بسم الله الرحمن الرحيم



اعوذ بالله من الشيطان

خدا به لقمان ۷ حکمت داد، چون قوی در امر خدا بود

امام صادق ۷ قسم بیجا نمی خورد، مبالغه هم نمی کند. حضرت فرمود: قسم به خدا اگر پروردگار به لقمان حکمت داد و علوم حقیقه را بر او فرود آورد و صبح کرد در حالی که دانشمندترین افراد جامعه بود و حقایق اسلامی را به افراد جامعه القاء می کرد، بخاطر حسب و نسب و مال و جمال نبود، بلکه به این خاطر که قوی در امر خدا بود. «ولکن رجل قوی فی امر الله عزوجل».^۱

اگر ده تا بگویی، یکی هم نمی گویم! (این مکتب امام صادق ۷ است)

شخصی عرضه داشت: یا بن رسول الله! کسی به من گفته است که اگر یک کلمه به من فحش بدهی، من ده تا فحش می دهم! حضرت فرمود: تو به او بگو: اگر ده تا بگویی، من یکی هم نمی گویم!

این مکتب امام صادق ۷ است که اگر دنیا را هم به او بدهند، مرتکب حرام نمی شود. یک چنین کسی با این قوت و شهامت - ولو جوان باشد و تازه به مسجد آمده باشد- را اگر دیدید، با او معاشرت کنید و ببینید که چقدر روشن است و چقدر از روحيات او می توانید استفاده کنید.

اگر بنده مجاز بودم، از صندلی پایین می کشیدم! (احترام پدر)

حضرت لقمان ۷ در حضور مردم تکیه نمی داد، اما بنده در یک مجلسی دیدم

۱ - تفسیر القمی ج ۲ ص ۱۶۱



یک نفر که از تحصیل در اروپا برگشته بود، در حضور پدر و مادرش - که باید خاک قدم آنها باشد- روی صندلی نشسته و پاهایش را هم روی هم انداخته بود! بنده مجاز نبودم و گرنه او را از روی صندلی می کشیدم پایین، گفتم تازه از خارج آمده، شاید به او بر بخورد. آیا این ادب است؟! آیا این ادب به پدر و مادر است؟! انسان باید در حضور پدر برای نشستن اجازه بگیرد. ای داد بیداد!

اوصاف لقمان^۷ (رعایت آداب اجتماعی، خنده با تبسم، عمق نظر)

حضرت لقمان^۷ آداب اجتماعی را رعایت می کردند، در آب دهان انداختن، آب بینی انداختن، مراعات اشخاص را می کردند. عمیق النظر بودند، خنده شان تبسم بود، نه اینکه با اخلاق خشن با افراد جامعه برخورد بکند، خنده شان به قدر نمک در آش بود.

اگر با کسی رفیق شدی، در میان راه معطلش نکن! (نقل یک رؤیا)

خدا رحمت کند مرحوم اشراقی^۱ را که شخصیتی باسواد و دانشمند، بلکه مجتهد بود و آقایان در حوزه های علمیه از سخنرانی های ایشان استفاده می کردند. یک شب بنده ایشان را در عالم رؤیا دیدم و عرض کردم که آقا شما در مرتبه ی چندم ایمان هستید؟ ایشان گفتند: من در مرتبه ی هفتم هستم. بعد ایشان به بنده توصیه کردند که اگر با کسی رفیق شدی، در میان راه معطلش نکن و توصیه ی دیگرشان هم این بود که حتی المقدور سعی کنید خنده تان تبسم باشد و دندان هایتان معلوم نباشد.



بی تفاوتی حضرت امام^۱ به دنیا

اگر دنیا به لقمان حکیم^۲ اقبال می کرد، خوشحال نمی شد، مثل حضرت امام^۱ که برای ایشان هم اقبال و ادبار دنیا مساوی بود. من با ایشان معاشرت کرده بودم، بود و نبود دنیا در نظرشان تفاوتی نمی کرد و تعادل در وجودشان برقرار بود. اگر پولی به دستشان می رسید، خود را مکلف می دانستند که به اهلش برسانند و خودشان هم به قدر شئونات زندگی برخوردار شوند، اگر هم پولی از دست می رفت، محزون نمی شدند.

بر سر آنم که گر ز دست برآید

دست به کاری زنم که (قصه و) غصه سرآید

﴿لکیلا تأسوا علی ما فاتکم ولا تفرحوا بما آتاکم﴾^۱

﴿ما عندکم ینفد﴾^۲ آنچه نزد شماست، نابود می شود.

بالآخره این پول یک چند روزی در دست من است، آنچه که من با خودم می برم، علم و عمل صالح است.

علم توأم با زندگی است

وقتی بنده رادیو را روشن کردم، شنیدم که می گوید: علم و زندگی. حقیقتاً علم توأم با زندگی است. اگر انسان تحصیل علم بکند، زنده است، «فالانس موتی

۱ - حدید/۲۳

۲ - نحل/۹۶



و اهل العلم احياء».^۱ اهل علم نمرده‌اند، بلکه به دانش و بینش زنده‌اند، آقا!

اوصاف لقمان حکیم^۷

پس بنابراین لقمان حکیم^۷ از حرف کسی نمی‌خندید، مبدا در گناه واقع بشود، نسبت به افراد جامعه بی‌تفاوت نبود، اگر به دو نفر برمی‌خورد که دعوا می‌کنند، آنها را وای می‌داشت که صورت یکدیگر را ماچ کنند و آشتی کنند، چون افراد جامعه را به منزله‌ی شخص واحد می‌دانست، برادران خود می‌دانست، با علماء زیاد همنشینی می‌کرد تا راههای کنترل نفس را بیاموزد.

مبارک نباشد آن روزی که بر علم من اضافه نشود

نبی اکرم^۹ هم می‌فرمود: مبارک نباشد آن روزی که بر من بگذرد و بر علم من چیزی اضافه نشود. ﴿وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾^۲ یعنی ای حبیب من! بگو: پروردگارا! علم مرا زیاد کن، علمی که تواضع مرا زیاد کند، ادب مرا زیاد کند.

لذت پدران و مادران از دیدن شما جوانهای مؤدب

شماها انشاءالله برگردید به منازل خودتان و پدران و مادران شما این دسته‌های گل را، این جوانها را ببینند که چقدر مؤدب شده‌اند، حرفهایشان حساب شده است، گوش و زبان و چشمشان از اعمال بد پاکیزه است. بارک الله! آنوقت یک ساعتی هم برای خودتان انتخاب کنید. انشاءالله امیدواریم که به حق امام‌زمان^۷ موفق و پیروز بشوید.

۱ - دیوان الامام علی (ع) ص ۲۴

۲ - طه / ۱۱۴



تعالل خوف و رجاء در قلب

فرمود: ای پسر من! اگر قلب مؤمن را دریاورند، خوف و رجاء در حد تعادل است. ای پسر من! اگر گناه جن و انس را بجا آوردی، از درگاه خدا مأیوس نشو و اگر اطاعت جن و انس را هم کردی، به اعمال امیدوار نباش آقا جونم! در حد تعادل باش.

همی لاتقنطوا خوانی عزیزم مگر یا ویلنا ناخواندنی بی

آن خدایی که فرموده: از رحمت خدا نا امید نشوید، ﴿لَاتَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ﴾^۱، همان خدا فرموده: وای بر ما! بدرستی که ما ظالم بوده ایم. ﴿يَا وَيْلَنَا اِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ﴾^۲

پس بنابراین، ای عزیزان من! برادران من! انشاءالله بنده و شما به آدابی که لقمان حکیم^۷ متأدب بود، تخلق پیدا بکنیم. خیلی از شما تشکر می کنم که واقعاً از برکت دعای شما بود که بنده شفاء پیدا کردم و خدمت شما رسیدم.

سخنرانی شماره (۶۶ الف) تاریخ ۶/۱۱/۶۸

بسم الله الرحمن الرحيم



اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

﴿جنات عدن تجري من تحتها الانهار خالدين فيها وذلك جزاء من تركي﴾^۱

معنویت خودتان را وزن کنید

امیرمؤمنان^۷ می‌فرمایند: «عباد الله زنوا انفسکم من قبل ان توزنوا»^۲. یعنی ای بندگان خدا! خودتان را وزن کنید، معنویاتتان را وزن بکنید، قبل از اینکه شما را وزن کنند.

حضور در مجالس معنوی برای تطبیق اعمال بر بیانات اهل بیت^(ع)

حضرت امام^۱ می‌فرمودند: حضور در مجالس معنوی برای این است که رفتارمان را قدم به قدم اصلاح بکنیم.

اگر شما بخواهید زبان خارجی یاد بگیرید، باید قدم قدم مراحل یادگیری را طی بکنید، در اینجا هم قدم به قدم باید خودت را وزن بکنی. حضور در مجالس معنوی برای این است که افعالمان را بر فرمایشات اهل بیت: منطبق بکنیم. اگر بنده اعمال را با بیانات اهل بیت: بسنجم، آنوقت بر سرم خواهم زد که چقدر عقبم!

الهام پروردگار به قلب بنده‌ای که دوستش دارد

«اذا احب الله عبداً الهمة رشده»^۳. وقتی که پروردگار بخواهد دست کسی را

۱ - طه / ۷۶

۲ - نهج البلاغة، خطبة ۹۰

۳ - غررالحکم/ ۴۱۷۷



بگیرد، به او الهام می کند، یعنی به قلبش می اندازد که راه تو این است.

غفلت نکنید!

بنده در ایام جوانی اساتید بسیار قوی داشتم، اما غفلت کردم، شما غفلت نکنید و عمر را مغتتم بشمارید. مانند بچه‌ها به دنبال بازی و سرگرمی نباشید. بنده به شما کلیات را عرض می کنم و خود شما باید جزئیات را متنبه شوید و بدانید که غرض از حضور شما در مجالس معنوی، تطبیق اعمالتان با فرمایشات اهل بیت است.

واعظی در درون

حضرت می فرماید: «واعلموا انه من لم یعن علی نفسه حتی یكون له منها واعظٌ و زاجر لم یکن من غیرها زاجر و واعظٌ». ^۱ یعنی وقتی که سیر عملی کردید، پروردگار یک واعظ و زاجری در نفس شما قرار می دهد و اگر کسی از این نعمت الهی محروم باشد، نصیحت واعظان به او سودی نخواهد بخشید.

وقتی رسول الله ^۹ از آن شخص پرسید: علامت ایمانت چیست؟ عرض کرد: یا رسول الله! کسی در باطن من است که مرا شب و روز نصیحت می کند و مرا از پس پرده برحذر می دارد و می گوید: تا رسول پروردگار نیامده است، خود را دریاب!

شدیدترین ساعت بنی آدم



امام صادق^۷ می‌فرماید: شدیدترین ساعت بنی آدم وقتی است که ملک الموت می‌آید، آقاجان! اگر جوانی، اگر پیری، هر چه هستی، شدیدترین ساعت بنی آدم همان وقت است که نه طیبی به داد تو می‌رسد، نه اقوام و عشیره تو را یاری می‌کنند. تنها کسی که تو را یاری می‌کند، عمل است و خدای عزیز.

واعظ درون، علامت یاری پروردگار است

آیا شما آن واعظ و زاجر را دارید؟ آیا در نفس تو کسی هست که تو را موعظه کند و از پس پرده با خبر بکند؟ اگر دارید، مژده بر شما و معلوم می‌شود که مورد اعانت پروردگار قرار گرفته‌اید که حضرت فرمود: از محبوبترین بندگان نزد خدا، بنده‌ای است که پروردگار او را در مبارزه با نفسش یاری کند. «وان من احب عباد الله عبداً اعانه الله علي نفسه».^۱

قطع تعلقات

تا که زود است بزن بر دامن صاحب دلی دست
که تا از قید نفست وارهاند تو را تا منزل جانان رساند
علاقه‌ها را باید بزنی، رقعا! علاقه به پست و مقام و... را باید بزنی. باید هدف و غرض شما خدمت به خلق خدا و جامعه باشد. اگر امروز شما نخست‌وزیر باشی و فردا کس دیگری این پست را داشته باشد، نباید برای شما فرقی بکند، چون غرض شما باید خدمت به خلق خدا باشد، نه پست و



مقام.

علاقه به رفیق را باید بزنی! اگر علاقه به رفیق مانع از انجام عبادت شما بشود، باید این علاقه را بزنی! دنیای مذموم همین علاقه‌هاست، آقاجان! باید این علاقه‌ها را بزنی، علاقه به جمال و مال و مقام و همه را باید بزنی.

قطع تمام تعلقات هنگام مرگ

خواهی وصال دوست عمانی در آن بکوش

وز هرچه غیر اوست تو باید جدا شوی

اگر علاقه‌ها را قطع نکنی، هنگام مرگ ملک‌الموت می‌آید و همه‌ی سیم‌ها را قطع می‌کند، داداش‌جون! امام باقر^۷ می‌فرماید که انسان در آن وقت حاضر است تمام دنیا را بدهد تا یک ساعت به او مهلت داده شود! اما راهی نیست. «فلم یجد الیه سبیلا»^۱ حضرت ملک‌الموت می‌فرماید: سالها را گذراندی! ماه‌ها را گذراندی! ساعت‌ها را گذراندی!

اگر تعلقات را قطع کنی، دعایت مستجاب است

باقی‌مانده‌ی عمر قیمت ندارد، باباجان! «فان بقية العمر لا ثمن لها»^۲ در یک دقیقه ممکن است که تمام علائق را قطع بکنی، داداش‌جون! وقتی علائق

۱ - و قد روی ان ملك الموت اذا ظهر للعبد عند موته اعلمه انه قد بقى من عمرک ساعة لا تستأخر عنها طرفة عين فيبدو للعبد من الحزن والحسرة والاسف ما لو كانت له الدنيا بخذافيها لاعطاها بدل ان يضم الى تلك الساعة ساعة اخرى ليتدارك فيها تفريطه ولا يجد اليها سبيلا. جامع السعادات ج ۳/ ۴۸

۲ - منية‌المريد، للشهيد الثاني ص ۲۲۶ و عن علی(ع): بقية عمرالمؤمن لا قيمة لها يدرك بها قد فات ويحيي ما

مات. الدعوات، للرواندي ۱۲۲



را قطع کردی، دعایت هم مستجاب می‌شود و آن وقت است که فرد بارز «ادعونی» در خارج تحقق پیدا می‌کند. «ادعونی» یعنی مرا بخوانید، ولی ما خدا را نمی‌خوانیم، غُرْغُرِ بی‌خود می‌زنیم، ما نفسمان را صدا می‌زنیم، ما گرفتار امیال نفسانی هستیم! گرفتار مقام و رفیق و تعلقات هستیم!

نمونه‌ای از یاری پروردگار در مبارزه با نفس و شیطان

«فانه یوید الحق علی الباطل و ینصر المظلوم».^۱ یکی از رفقا گفت: من در مبارزه با نفس و شیطان یک قدری شکست خوردم، (اینجا دائم در حال مبارزه هستند) سرم را روی بالین گذاشتم، تعقیبات هم نخواندم و گفتم: ای پروردگار عزیزم! چرا مرا یاری نکردی؟! بعد هم خواندم! (فیض عظیم بر سر او آمد) ندایی گفت که بلند شو! بلند شدم و یک قدرتی در من پیدا شد که تمام امیال نفسانی را از بین برد.

رستگاری بزرگ در اثر غلبه‌ی عقل بر نفس

«ومن جاوز عقله نفسه الامارة بالسوء بالجهد والاستکانة والخضوع علی بساط خدمة الله تعالی فقد فاز فوزاً عظیماً».^۲ اگر کسی عقلش بر نفسش غلبه بکند، به فوز و رستگاری بزرگ دست یافته است، اما وای بر من که باید همیشه این شعر را بخوانم (همان شعری که درویش اسدالله در مسجد آقا می‌خواند):
ز دست غیر نالام که چون حباب مدام همیشه خانه خراب هوای خویشتم

۱ - مصباح الشریعة ص ۸۰

۲ - مصباح الشریعة ص ۱۶۹



خدا نکند که من از قلم افتاده باشم!

همیشه خانه خرابم! خدا نکند که من از قلم افتاده باشم. اگر جلوی نفس را نگیری، خدای ناکرده در ذهنت مرتکز می‌شود که من آب از سرم گذشت! هشدار تا نیفکندت پیروی نفس

در ورطه‌ای که سود ندارد شناوری

گر کیمیای دولت جاویدت آرزوست

بشناس قدر خویش که گوگرد احمری

این مصراع را در خواب برای من خواندند

این یک مصراع را در خواب برای من خواندند که:

بشناس قدر خویش که گوگرد احمری

معنای گوگرد احمر

امام صادق^ع فرمود: آیا شما گوگرد احمر دیده‌اید؟ عرض کردند: یابن رسول الله! گوگرد احمر کدام است؟ فرمود: مؤمن وقتی که به مقام یقین برسد و پروردگار خودش را با آن قبض و بسطهایی که در دلش می‌شود، به چشم دل ببیند، آن دل دیگر قیمت دارد. (قربان این دل بشوم) تا بخواهد فکر معصیت بکند، قلبش در حجاب می‌رود، تمام موارد را به واسطه‌ی قلبش احساس می‌کند.

مقام عقل مستفاد

این مقام، مقام عقل مستفاد است که دیگر از خودش می‌جوشد. یک برقی



در باطنش شعله‌ور می‌شود و آن راهی که هدف انبیاء عظام است، برای او ظاهر می‌شود. «دق جلیله و لطف غلیظه وبرق له لامع کثیر البرق فابان له الطريق».^۱

ای مرغ پای بسته به دام هوای نفس

ولی ما نوعاً مصداق این بیت هستیم که:

ای مرغ پای بسته به دام هوای نفس کی بر هوای عالم روحانیان پری
ما در چاه طبیعت مانده‌ایم و نمی‌توانیم پرواز کنیم. آیا می‌دانی چرا نمی‌توانی
پرواز کنی، داداش‌جون؟ اگر راهش را بلد شدی، ان‌شاءالله می‌رسی. اول
باید تعلق را بزنی، داداش‌جون!

خروج از وادی طبیعت (مطلبی از حضرت امام^۱)

اگر مردی برون آی و سفر کن

حضرت امام^۱ این مصراع را این طور معنی می‌کرد که یعنی از وادی
طبیعت یک قدم خارج شو، برون آی و سفر کن، یعنی آن تعلقات را بزنی،
خودیت را بزنی، علاقه به مقام و پول و رفیق و .. را بزنی. آن وقت ببین که
چطور پرواز می‌کنی و چه درجاتی را پشت سر هم طی می‌کنی!

تو نازنین جهانی کجا توانی کرد!

اما شاعر گفت:

ولیک این عمل رهروان چالاک است



تو نازنین جهانی کجا توانی کرد

همه‌ی حواست به این است که چرا چایی یک مقدار جوشیده است،
حواست به این مسائل است، تو نازنین جهانی کجا توانی کرد.

غلبه‌ی عقل بر نفس

پس بنابراین اگر کسی خرد و عقلش با جدیت و خشوع و خدمت در
درگاه حضرت حق، بر نفس اماره غلبه کند، به رستگاری بزرگ نائل شده
است. «فقد فاز فوزاً عظيماً».^۱

اگر نمی‌توانید بالا بروید، لااقل از این مرحله عقب‌تر نروید!

به بعضی از رفقا عرض کردم که اگر نمی‌توانید بنا را بالا ببرید و شیطان و
نفس و دنیا و تعلقات نمی‌گذارند که شما بنایتان را بالا ببرید، لااقل
نگذارید همین بنا را هم خراب بکنند که از این مرحله هم عقب‌تر بروید.
﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَصَتْ غَزَاهُمْ مِنْ بَعْدِ قُوَّةِ انْكَاثٍ﴾^۲ مانند آن زن احمق نباشید که
دستور می‌داد همه‌ی بافته‌ها را رشته کنند!

خودیت، حجاب بین من و پروردگار

آن خودیت بین خودت و پروردگار را حذف کن.
تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز

۱ - مصباح الشریعة ص ۱۶۹

۲ - نحل/۹۲



«وانك لاتحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم الاعمال دونك».^۱ ای پروردگار عزیزم! تو حجاب نیستی، تو رافع حجابی، اما عمل من مانع از لقاء حضرت توست، فهمیدی، داداش جون!

برای رفع این حجاب چه باید بکنیم؟

«وان الراحل اليك قريب المسافة».^۲ راه کسی که به سوی تو بیاید، نزدیک است. اما برای رفع این حجاب چه باید بکنیم؟ حضرت فرمود: «و ليس لقتلها و قطعها سلاح و آلة مثل الافتقار الى الله سبحانه».^۳ آن چیزی که این حجاب را قلع و قمع می کند، اظهار بیچارگی و افتقار به درگاه خداست. ابن فهد^۴ عرضه می دارد:

مالی سوی فقری الیک وسیلة فبالافتقار الیک فقری ادفع^۵

یعنی ای پروردگار عزیزم! با اظهار نیاز و بیچارگی نسبت به حضرت تو، فقر و بیچارگی هایم را برطرف می نمایم.

بیداری شب برای رفع حجاب

«والسهر باللیل».^۵ صبح ها بلند می شوید و ورزش می کنید، یکقدری هم سحرها بیدار شوید و ورزش معنوی بکنید، داداش جون! اگر بیدار نشوید، با

۱ - مصباح المتجهّد، للشیخ الطوسی ص ۱۶۲

۲ - مصباح المتجهّد، للشیخ الطوسی ص ۵۸۳

۳ - مصباح الشریعة ص ۱۶۹

۴ - عدة الداعی، لابن فهد الحلّی ص ۲۸

۵ - مصباح الشریعة ص ۱۶۹



این ورزش کردن نتیجه‌ای غیر از جهل و ضلالت نصیبت نخواهد شد.
«الشتاء ربیع المؤمن»^۱ یعنی زمستان بهار مؤمن است.

اگر کسی در راه رفع این حجاب بمیرد، شهید است

«فان مات صاحبه مات شهيداً»^۲ اگر کسی در راه مبارزه با نفس و رفع حجاب بین خود و پروردگارش از دنیا برود، شهید است. عاقبتش «رضوان الله الاکبر» است. پروردگار هم می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾^۳ آن اشخاصی که در راه ما مجاهده می‌کنند، چراغ هدایت را فرا راه آنها می‌گماریم.
خدا عاقبت شما را به خیر کند.

تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز

سخنرانی شماره (۶۶ ب) تاریخ ۶۸/۱۱/۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

در ظاهر ولی خدا، در باطن دشمن خدا!

۱ - الامالی، للشيخ الصدوق ص ۳۰۸

۲ - مصباح الشریعة ص ۱۶۹

۳ - عنکبوت/ ۶۹



حضرت رضا^۷ می فرمایند: «لا تکتن ولیاً لله فی العلانیه عدواً له فی السر»^۱. یعنی مبادا در ظاهر ولی خدا باشی، در نظر مردم عبادت بکنی، اما در سر و باطن، دشمن خدا باشی.

عمل بر خلاف خواسته‌ی نفس، نظر اهل بیت: است

«اصبر علی ما تکره»^۲. حضرت فرمودند: در آن تکالیفی که پروردگار تو را الزام فرموده است و نفس نمی‌خواهد زیر بار تکلیف برود، خلاف خواسته‌ی نفست عمل کن.

نفس می‌خواهد همیشه دراز کش باشد، در راحتی باشد.

باید در مسیر حق بر خلاف خواسته‌ی نفس استقامت کنید. این نظر اهل بیت است.

آشکار شدن آنچه ظالم حسابش را نمی‌کرد (در قیامت)

پروردگار می‌فرماید: ﴿وَبَدَا لَهُمْ مِنْ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ﴾^۳. یعنی در روز قیامت آنچه که ظالمان حسابش را نمی‌کردند، برای آنها آشکار می‌شود.

مؤمن در دنیا به حسابش رسیدگی می‌کند

مؤمن در دنیا خودش را بررسی می‌کند، به حسابش رسیدگی می‌کند.

۱ - بحارالانوار ج ۷۵ ص ۳۶۵

۲ - الانوار البهیة، للشیخ عباس القمی ص ۲۶۵

۳ - زمر/ ۴۷



حضرت فرمود: خودتان را محاسبه کنید، قبل از آنکه به حسابتان رسیدگی شود. «زنوا انفسکم من قبل ان توزنوا».^۱

انسان بی معنویت، وزنی ندارد

یک روز در خواب دیدم که یک ترازو به داخل مسجد آوردند و گفتند که می‌خواهیم اشخاص را بکشیم، یعنی حقیقت شما را بکشند، معنویت شما را بکشند. آن کسی که معنویت ندارد، در نظر پروردگار وزنی ندارد.

آشکار شدن عیوب در اثر محاسبه

حضرت علی^۷ فرمودند که اگر کسی خودش را محاسبه کند، پروردگار عیوب او را یکی بعد از دیگری در نظرش نصب می‌کند. «من حاسب نفسه وقف علی عیوبه».^۲

عرضه‌ی اعمال بر پیامبر و اهل بیت:

حضرت رضا^۷ فرمودند: اعمال شما هر صبح و شام بر ما عرضه می‌شود. «ان اعمالکم لتعرض علی فی کل یوم و لیلة».^۳ هر دوشنبه و پنجشنبه هم اعمال ما به نبی اکرم^۹ عرضه می‌شود.

تجسم تعلقات هنگام مرگ (علامت سوء عاقبت)

۱ - نهج البلاغة خطبة ۹۰

۲ - غررالحکم ج ۸۹۲۷

۳ - الکافی ج ۱ ص ۲۱۹



پس باید انسان تعلقات را بزند، تعلق به مال و رفیق و مقام و... را باید بزند. هر تعلقی که انسان داشته باشد، هنگام مرگ برای او مجسم می‌شود و این علامت سوء خاتمه است. «جميع ما ألفه الانسان في عمره يعود ذكره في قلبه عند موته»^۱ اگر انسان اکثر میلش به معاصی باشد، هنگام مرگ معاصی برای او تجسم پیدا می‌کند و اگر اکثر میلش به اطاعت باشد، اطاعت برای او تجسم پیدا می‌کند. اگر شخصی - خدای ناکرده - شغلش استهزاء و مسخره کردن اولیاء خدا باشد، به همین منوال جان خواهد سپرد. این است که اولیاء خدا از این قضیه برحذر بودند که مبدا - خدای نخواستہ - مبتلا به سوء عاقبت شوند. حضرت هم فرمودند که کسی - مثلاً - پنجاه سال عمل اهل بهشت را انجام می‌دهد تا حدی که همه فکر می‌کنند او اهل بهشت است، اما عاقبت به خیر نمی‌شود!^۲

قبر، باغی از باغهای بهشت یا حفره‌ای از حفره‌های جهنم

قبر هم همین‌طور است، یا باغی از باغهای بهشت است، یا حفره‌ای از حفره‌های جهنم. «روضة من رياض الجنة او حفرة من حفرالنيران»^۳ وقتی بدن میت را غسل می‌دهند، اگر جایش بد باشد، فریاد می‌زند که قدری کندتر مرا بشوید و بخاک بسپارید! جایی که مرا می‌برید، جای بدی است.

۱ - جامع السعادات، محمد مهدی النراقی ج ۱ ص ۲۱۷

۲ - عن ابی عبدالله (ع): یسلک بالسعید فی طریق الاشقیاء حتی یقول الناس ما اشبهه بهم بل هو منهم ثم یتدارک السعادة و قد یسلک بالشقی طریق السعداء حتی یقول الناس ما اشبهه بهم بل هو منهم ثم یتدارک الشقاء ان من کتبه الله من السعداء و ان لم یبق من الدنیا الا فواق ناقة ختم له بالسعادة. الکافی ج ۱ ص ۱۵۳

۳ - الاختصاص، للشیخ المفید ص ۳۴۷



متأسفانه ما آبادی قبر خود را فراموش کرده‌ایم!

متأسفانه ما عمران و آبادی قبر خود را فراموش کرده‌ایم و سرمان به همین تعلقات و مقام و پول و دنیا و شؤون دنیا مشغول شده است، تا وقت جان سپردن برسد.

مجاهده در طول عمر برای نجات از تصورات شهوانی

هر کس بخواهد که از فکر گناه و تصورات شهوانی نجات پیدا بکند، باید در طول عمرش مجاهده بکند. «و من أراد أن یکف خاطره عن الانتقال الی المعاصی و الشهوات فلا طریق له الا المجاهده طول عمره».^۱

خدا رحمت کند مرحوم محدث زاده را که غالباً در سخنرانی‌اش به آن داستان اشاره می‌کرد که به شخصی وقت مردن هر چه شهادتین را تلقین می‌کردند، می‌گفت: «این الطریق الی حمام منجاب».^۲ اگر کسی با همین حال جان بسپارد، بلاشکال در جهنم است.

اگر کسی بخواهد از این خاطرات شهوانی و معاصی نجات یابد، باید در طول عمرش مجاهده بکند، چون نفس زود تعلق پیدا می‌کند، نفس مرکز تعلق است، به همه چیز تعلق پیدا می‌کند، باید ریشه‌اش را بزنید، آقا جان!

افلیج که نیستی، باباجان! تا می‌توانی تعلقات را بزن

۱ - جامع السعادات، محمد مهدی النراقی ج ۱ ص ۲۱۹

۲ - مرحوم شیخ عباس قمی این داستان را به صورت کامل در کتاب منازل الاخره بیان کرده است.



«وفي قمع الشهوات عن قلبه فهذا هو القدر الذي يدخل تحت الاختيار». ^۱ آن قدری که تحت اختیار ماست، این است که تعلقات را بزنی، افلیج که نیستیم، باباجان!

این که گویی این کنم یا آن کنم خود دلیل اختیار است ..
پروردگار عزیز شما را مختار خلق کرده است.

مگر پروردگار ما را نجات دهد، والا راه نجاتی نیست

«ويكون طول المجاهدة و المواظبة علي العلم و تخلية السر عن الشواغل الدنيوية و تقييده بالتوجه الى الله و حبه و انسه عدة و ذخيرة لحالة سكرات الموت». باید انسان خودش را مقید به پروردگار عزیز بکند. مگر پروردگار عزیز ما را نجات بدهد و الا راه نجاتی نیست.

عید برای کسی است که دستش پر باشد

دیشب که مدیحه می خواندند، من گریه می کردم و لو عید بود، ولی عید برای کسی است که دستش پر باشد، نه مثل من دستش خالی باشد. مگر اینکه هنگام مرگ پنج تن و اهل بیت بیایند.

بر اساس تعلقات خواهی مُرد

«اذ المرء يموت علي ما عاش عليه و يحشر علي ما مات عليه». بر همان چیزی که خودت را آمیخته کرده ای و تعلق پیدا کرده ای، بر همان خواهی مُرد. این



است که مؤمن باید دائماً تعلقات را بزند و از پروردگار استمداد بطلبد.
بکوب حلقه‌ی در را که عاقبت ز سرای سری برون آید چو حلقه را بجنبانی

افاضه‌ی پروردگار در ماه رجب

در این ماه رجب اگر خودت را تصفیه کنی، پروردگار عزیز آنقدر بر تو افاضه می‌فرماید که نه گوش‌ی شنیده، نه چشم‌ی دیده و نه بر قلب کسی خطور کرده است. «ما لا عین رأی و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر».^۱
نفس همه چیز را، حتی محالات را هم می‌تواند تصور بکند، «النفس فی وحدته کل القوی».^۲ نفس قدرت خلاقیت بالایی دارد، آقاجون من! اما مع ذلک از تصور این افاضه‌ی الهی عاجز است. باید به پروردگار توسل بجویی و از او بخواهید که تعلقات از شما جدا شود و باید در ماه رجب و شعبان و انشاءالله در ماه رمضان این مراتب را بدست بیاورید تا ذخیره‌ای برای قبر باشد. باید پروردگار به داد ما برسد. سه تا صلوات بفرستید.

سخنرانی شماره (۶۷ الف) تاریخ ۶۸/۱۱/۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ - الامالی، للشیخ الصدوق ص ۶۳۵

۲ - شرح الاسماء الحسنی، لملاهادی السبزواری ج ۲ ص ۹۲



اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

﴿ولقد خلقنا الانسان ونعلم ما توسوس به نفسه و نحن اقرب اليه من حبل الوريد﴾^۱

اطلاع پروردگار بر خطورات ذهنی

آن خدایی که ما پرستش می کنیم، یک موجودی است لا یتناهی که از وسوسه‌هایی که در ذهن ما خطور می کند مطلع است.

شخصی گفت: یابن رسول الله ﴿علیم بذات الصدور﴾^۲ یعنی چه؟ حضرت فرمودند: یعنی آن خیالی که در سویدای قلب توست، در محضر و حضور رب العالمین است. اگر خیال بد بکنی، او مطلع است.

خواب دیدم دو شاخه را از برق کشیدند و همه جا تاریک شد!

یک شخصی به بنده گفت: من در عالم رؤیا دیدم که یک کسی آمد و دو شاخه‌ای که در پریش برق بود، کشید و رفت و برق خاموش شود. (تعبیر این خواب خیلی بد است) گفت: من از اول ماه رجب یک التزامی داشتم که فلان کار بد را نکنم، این دو شاخه هم در برق بود و چراغ هم روشن بود. همین که من آن التزام را ترک کردم و یک قدری وسوسه شدم که آن عمل بد را انجام بدهم، شب در عالم رؤیا دیدم که دو شاخه را کشیدند و رفتند! حالا دم فیل به زمین می‌رسد که من دو مرتبه آن التزام را - که از برکات ماه رجب بوده- پیدا کنم و دو مرتبه از عالم غیب بیایند و این دو



شاخه را در برق بزنند.

اگر در خواب ببینید که برق خاموش شد، خیلی بد است، علامت تاریکی است، آقاجان! اینها از اخبار غیبی است و پیامبر اکرم^۹ هم وقتی صبح به مسجد تشریف می‌آوردند، می‌فرمودند: آیا کسی یک خواب خوبی دیده است که بشارت‌آمیز باشد؟ «هل من مبشرات». ^۱ البته این شخصی که این خواب را دیده است، آدم خوبی است و از قلم نیفتاده است که این خواب را دیده است و عیب کارش را به او اطلاع داده‌اند.

عقل چیست؟

«روی ان النبی^۹ قیل له ما العقل؟ قال العمل بطاعة الله». ^۲ از نبی اکرم^۹ پرسیده شد: عقل چیست؟ حضرت فرمودند: عمل کردن به بندگی خداست. خدا دیگر قهر و آشتی ندارد که هر ساعت با او قهر و آشتی کنی.

اینهمه خدا را صدا زدی، اما دعای تو مستجاب نشد!

خدا رحمت کند حاج سیدمهدی قوام را که گفت: یک بار شیطان پیش یک کسی آمد و گفت: اینهمه خدا را صدا زدی، اما دعای تو مستجاب نشد! (قبل از زمان پیامبر اکرم^۹ شیطان به افراد سرکشی می‌کرد. شیطان از خدا یک اختیاری گرفته است که با حرکت خون در مزاج انسان حرکت می‌کند. ^۳ به شما هم

۱ - الکافی ج ۸ ص ۹۰

۲ - روضة الواعظین، للفتال النیسابوری ص ۴

۳ - «ان الشیطان لیجری من ابن آدم مجری الدم». عوالی اللئالی ج ۱ ص ۲۷۳



قدرت داده است که کید شیطان را خنثی کنید) شیطان این شخص را وسوسه کرد که چطور شده است که خدا جواب تو را نمی‌دهد؟! آن شخص عاقل بود و در جواب شیطان گفت: اگر مصلحت نباشد، پروردگار عزیز عز و جل دعای مرا مستجاب نمی‌کند. بر فرض هم که دعای مرا مستجاب نکند، به من عقل داده است، سلامتی داده است. یک چنین مولایی صلاح نمی‌داند که این حاجت من روا بشود، شاید در طول زمان حاجت مرا بدهد. این شخص خیلی عاقل بوده است، نه اینکه مثل بنده باشد که اگر خدا حاجتم را نداد، با او قهر بکنم.

اقسام استجاب دعا

اصلاً دعای غیر مستجاب نداریم، یا گناهان شما در اثر دعا پاک می‌شود، یا اینکه در اثر دعا ذخیره‌ای برای آخرت شما قرار می‌دهند و یا اینکه حاجتتان را بالفعل می‌دهند. پس دعای غیر مستجاب نداریم. اما دعای مستجاب در نظر ما این است که فقط حاجت ما داده شود!

لعنت خدا بر تو! پروردگار نعمت وجود به من داده است

آن شخص عاقل به شیطان گفت: لعنت خدا بر تو باد! پروردگار نعمت وجود به من داده است. امام صادق ع فرمود: «الرحمن اسم خاص»^۱. یعنی پروردگار به شما اعطاء وجود کرده است، آن کسی که شما را از کتم عدم به دار وجود آورده است، پروردگار است. «اسم» اینجا به معنی ظهور

۱ - روی عن الصادق (ع) انه قال: الرحمن اسم خاص بصفة عامة والرحيم اسم عام بصفة خاصة. تفسیر نورالقلوب، ج ۱ ص ۱۴



است، یعنی ظهور نعمت وجود فقط به سبب پروردگار است، نه کس دیگر. «بصفة عامة» یعنی این نعمت را به همه می‌دهد، به گبر می‌دهد، به آتش پرست می‌دهد، به مسیحی می‌دهد، به مسلمان می‌دهد. چنان خان کرم گسترده که سیمرغ در قاف روزی خورد

اعطاء کمال وجود

«الرحیم اسم عام لصفة خاصة». پروردگار، هم اعطاء وجود می‌کند و هم اعطاء کمال وجود.

ارائه‌ی طریق و ایصال به مطلوب

به یک کسی ارائه طریق می‌کنند و راه را به او نشان می‌دهند، مثلاً اگر بخواهی به حرم حضرت عبدالعظیم^۷ بروی، باید بروی مسجد ماشاءالله و آب متکا و ... تا بررسی به حرم، اما ممکن است که راه را گم کنی و متحیر بمانی، اما گاهی هم دست شما را می‌گیرند و به مطلوب می‌رسانند، ایصال به سوی کمال و مطلوب می‌کنند.

یعنی ان شاءالله در اثر تداوم عمل و اطاعت پروردگار یک راداری در وجود شما قرار می‌دهند، مانند آن جوانی که وقتی رسول الله^۹ از او پرسید: علامت ایمانت چیست؟ جواب داد که یارسول الله! کسی در قلب من است که مرا از روز واپسین برحذر می‌دارد، مرا موعظه می‌کند، مرا نصف شب بیدار می‌کند.

این معنای اعطای کمال وجود است، اینکه مرا برای نماز شب بیدار می‌کند



و به روزه وامی دارد.

خیلی به خدا احتیاج دارم

ای داد بیداد! هنوز حرف یکی از این جوانها از یادم نرفته است که وقتی به او گفتم: باباجان! مرحوم حاج میرزا جواد آقا، می فرماید که یک ساعت به سحر بلند شوید، اما شما یک ساعت و نیم به سحر مانده بلند شده‌ای! در جواب من گفت: آقای میرزا! من خیلی احتیاج به خدا دارم، شکاف‌هایی که من برای خودم باز کرده‌ام، با این چیزها پر نمی‌شود!

امر شیطان به بطالت در صورت عجز از کشاندن به حرام

شیطان و نفس اگر از کشاندن شما به انجام حرام عاجز شوند، تلاش خواهند کرد که شما را امر به بطالت کنند، مثلاً برو هوای آزاد تنفس کن! برو بالای شهر، اینجا هوا کثیف است و از اینگونه حرفها.

سرنوشت من درباره‌ی هوای کثیف

درباره‌ی این هوای کثیف، بنده یک سرنوشتی دارم که شاید بعضی از اذهان نتوانند آن را تحمل کنند و من از گفتن آن خودداری می‌کنم.^۱

۱ - مرحوم آیت الله حق شناس؛ می فرمودند که یک روز بعضی از آقایان به اصرار مرا به خارج از تهران برای تفریح همراه خود برده بودند که وضعیت معنوی من به ریخت و سریعاً به تهران برای اقامه‌ی نماز جماعت مسجد امین الدوله مراجعت کردم و قبل از رسیدن به تهران لایه‌ی غلیظ دود کاملاً مشهود بود و در همین حال شنیدم که گفتند: شما نباید مسجد را رها کنید! ما اگر اراده کنیم شما را در درون همین دود هم حفظ خواهیم کرد!



خواص نماز شب (سلامتی بدن، وسعت رزق و موفقیت)

وقتی شما نصف شب خواب را پاره می‌کنی، بلند می‌شوی، این باید به جهات بهداشتی به شما ضرر بزند و حال اینکه یکی از خواص نماز شب حفظ بهداشت شماس است. فهمیدی، باباجان من!

از خواص نماز شب حفظ رزق شماس است، حفظ تعهدات شماس است، موفقیت شماس است، آقاجان من! آن وقت شیطان و نفس امر به بطالت می‌کنند.

داستانی از مبارزه با شیطان با برخاستن برای نماز شب

یک کسی به بنده گفت: همان شبی که شما حدیث نماز شب را خواندی، اتفاقاً برای من مهمان آمده بود و تا دیر وقت بیدار بودم، (کسی که بخواند نماز شب بخواند، باید یک قدری زودتر بخوابد) وقت سحر کسل بودم، دیدم شیطان شروع کرد به وسوسه که باباجان! بخواب، قربان! بخواب، به فتوای جمیع علماء حفظ بدن واجب است. (یک حرفهایی هم می‌زند که اگر مرحوم آقای خوانساری؛ هم باشد، می‌فرمایند همه مطابق شرع است، آقاجان! راست می‌گوید حفظ بدن واجب است). گفتم: برو ای خبیث! و یک مرتبه از جا بلند شدم. آیا می‌دانی خدا با او چه معامله‌ای کرد؟! اگر بخواهی بدانی باید از خودش و از قلبش پرسی.

وسوسه‌ی شیطان در چه کسانی اثر نمی‌گذارد؟

وسوسه‌ی شیطان فقط در کسانی که خدا بیدارشان می‌کند، اثر نمی‌گذارد. اگر مرا گرفتند و تکان دادند و گفتند: «انفروا انفروا» یعنی کوچ کنید،



کوچ کنید، قافله رفت، دیگر وسوسه‌ی شیطان مؤثر نخواهد شد.
 کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش
 وه که چه بی خبر از غلغل بانگ جرسی
 اما امثال بنده را با وسوسه به اینکه فردا تعطیل است و یک خرده بخواب و
 نماز شب مستحب است و این حرفها، از نماز شب محروم می کند.

سخنرانی شماره (۶۷ ب) تاریخ ۶۸/۱۱/۲۷

بسم الله الرحمن الرحيم
 اعوذ بالله من الشیطان الرجیم



«تجافی جنوهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفاً و طمعاً و مما رزقناهم ينفقون»^۱

ذکر با غفلت نمی سازد

موقعیت زمانی ماه رجب است و دعا در این ماه مستجاب است. «طوبی للذاکرین»^۲ خوشا بحال کسانی که ذاکرند. ذکر با غفلت نمی سازد.

یک چشم زدن غافل از آن ماه نباشی

شاید که نگاهی کند آگاه نباشی

عالم محضر پروردگار عزیز است

حضرت امام^۱ فرمودند: عالم محضر پروردگار عزیز است وَعَالَمٌ و ما همه در حضور او هستیم. اگر تو او را نمی بینی او اعمال ظاهریه و باطن شما را مورد بررسی قرار می دهد.

پروردگار همنشین اهل ذکر است

«طوبی للذاکرین طوبی للطائعين يقول الله تعالی انا جلیس من جالسنی و مطیع لمن اطاعنی»^۳ هر کس متذکر پروردگار باشد، پروردگار جلیس و همنشین اوست. یک موجودی که فوق لایتنهای است - که در فلسفه می گویند عدتاً و شدتاً و مدتاً فوق لایتنهای است - می گوید من مطیع کسی هستم که مرا اطاعت کند!

۱ - سجده ۱۶/

۲ - اقبال الاعمال، للسیّد بن طاووس ج ۳ ص ۱۷۴

۳ - اقبال الاعمال، للسیّد بن طاووس ج ۳ ص ۱۷۴



غُرور دنیا را رها کنید

«فارفضوا- یا اهل الارض- ما اتم علیہ من غُرورها و هلموا الی کرامتی»^۱ ای اهل زمین! غرور دنیا را رها کنید. غرور آن گول‌زنکی است که در دهان بچه‌ی شیرخوار می‌گذارند و او می‌مکد و تصور می‌کند که خیلی شیر خورده است و حال آنکه چیزی نخورده است. مانند شخص تشنه‌ای که سراب می‌بیند و تصور می‌کند که آب است.

ضایع شدن عمری که قیمت ندارد!

شیطان و نفس و عوامل محیط، روز به روز عمر شما را می‌گیرند، عمری که به فرموده‌ی حضرت، ما به ازاء ندارد، «فان بقية العمر لاثمن لها»^۲. بنای شما را خراب می‌کنند، نمی‌گذارند بنای شما بالا برود، شما هم آنقدر سحرخیزی و توجه به مقام اقدس پروردگار ندارید که در برابر آنها ایستادگی کنید.

از گربه کمتری!

ولو پروردگار می‌فرماید: ﴿ان کید الشیطان کان ضعیفاً﴾^۳ یعنی کید شیطان ضعیف است، اما سعدی هم می‌گوید:
با شیرمردی‌ات سگ ابلیس صید کرد

۱ - مسکن الفوائد ، للشهید الثانی ص ۲۷

۲ - منية المرید، للشهید الثانی ص ۲۲۶

۳ - نساء/ ۷۶



ای بی‌هنر بمیر که از گریه کمتری
یک گریه وقتی بخواهد از خودش دفاع کند، با چهار تا سنگ هم مقابله
می‌کند، اما تو شیرمردی هستی که خاطرات تو را مشغول کرده و ابلیس
تو را صید کرده است!

استغفار در ماه رجب

«و غافر من استغفرنی».^۱ هر کس در این ماه استغفار بکند، او را می‌بخشم.

﴿استغفروا ربکم ثم توبوا الیه یرسل السماء علیکم مدرراً و یردکم قوه الی قوتکم﴾.^۲

استغفار پیامبر^۹ برای رفع کدورت همنشینی با مردم

نبی اکرم^۹ در مجلسی که تشریف می‌بردند و بیرون می‌آمدند، ۲۵ مرتبه
استغفار می‌کردند و می‌فرمودند که در برخورد با اجتماع قلب من کدر شده
است. «انه لیغان علی قلبی».^۳ یعنی قلب من مکدر شده است.

کدورت قلبی در اثر برخورد با مردم (حتی برای اهل مراقبه)

اساتید اخلاق وقتی به این روایت می‌رسند، می‌گویند: اگر شما از اول صبح
تا آخر شب هم در کمال مراقبه باشید، مع ذلک در اثر برخوردهای
اجتماعی، در شب یک کدورتی در دل خودتان استشمام خواهید کرد.

مذاکره‌ی حدیث برای رفع کدورت قلبی

۱ - اقبال الاعمال، للسید بن طاووس ج ۳ ص ۱۷۴

۲ - هود/ ۵۲

۳ - مستدرک الوسائل ج ۵ ص ۳۷۵



شما هم برای رفع این کدورتها باید با یکدیگر مذاکره‌ی حدیث بکنید. قلب‌های شما را احادیث اهل بیت: جلاء می‌دهد. «تناکروا و تلاقوا و تحذثوا فان الحدیث جلاء للقلوب».^۱

ما ارزاق مستمعین را به دست تو دادیم (رؤیایی در مشهد مقدس)

آی رفقای عزیز! وقتی من به ارض اقدس (مشهد) مشرف شدم،^۲ همان وقتی بود که تهران بمباران هوایی شده بود- خدمت حضرت ثامن الحجج^۷ عرض کردم: آقا جان! وقتی در مسجد بنده می‌خواهم برنامه‌ی شما را پیاده بکنم،^۳ بعضی‌ها پارازیت می‌اندازند. (پارازیت یک لغت خارجی است و بر کرم‌های طفیلی ریز اطلاق می‌شود و اگر خاطر آقایان باشد، در زمان جنگ متفقین وقتی رادیو آلمان را می‌گرفتید، پارازیت می‌انداختند، یعنی ایجاد مانع می‌کردند که شما رادیو آلمان را گوش ندهید)

عرض کردم: یا بن رسول‌الله! من فردا در حضور شما برای ادامه‌ی جلسه‌ی اخلاق مسجد استخاره می‌کنم و تکلیفم را درست می‌کنم. شب در عالم رؤیا فرمودند: آقا می‌فرمایند که ما ارزاق مستمعین را - یعنی شماها را- به دست تو دادیم، مثل یک اسکناس‌های بسته بسته و باید اینها را به اهلش برسانی.

۱ - حدیث نبوی. الکافی ج ۱ ص ۴۱

۲ - از خصوصیات زیارت ثامن الحجج(ع) رفع هموم و غموم است و در آن زیارتی که از احادیث مرکب شده است، شرح این معنی آمده است. (این قسمت از سخنان آیت الله حق شناس می‌باشد)

۳ - ظاهراً بعضی اشخاص در درس اخلاق ایشان اخلاق ایجاد می‌کردند.



رزق شما در این مواعظ الهیه است (برنامه‌ی خودسازی)

این است که وقتی شما اینجا می‌آیید، رزق شما را در این مواعظ الهیه، قرار می‌دهند. آی رفقا، فهمیدید؟! دیگر لازم نیست، باباجان من! من برای شما برنامه را بگویم، برنامه خودسازی است، وقتی که سفرالی‌الله را آغاز کردید، اولین مرحله کنترل نفس و امیال نفسانی است، بعد از اینکه از خودیت خودتان به سوی حق سفر کردید، باید برنامه را پیاده بکنید و دیگر لازم نیست که بنده به هر کدامتان بگویم که چه باید بکنید.

باید به مطالب درس اخلاق توجه کنید

چطور وقتی سر کلاس درس می‌روید، استاد- مثلاً- اقسام اهرم را برای شما بیان می‌کند و اینکه شتر هم یک نوع اهرم است، ﴿افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت﴾^۱ بازوی مقاومت دارد، بازوی قدرت دارد، نقطه‌ی اتكاء دارد. همانطور که وقتی از شما مطالب کلاس پرسیده می‌شود، جواب می‌دهید، اگر از مطالب درس اخلاق هم سؤال کردند، باید بتوانید جواب بدهید.

مذاکره‌ی حدیث برای جلای قلب

پس اولین موضوعی که امروز ما گفتیم، این بود که باید احادیث و اخبار مورد مذاکره واقع بشود تا قلب جلاء پیدا بکند و بعد سیر بکنید.

تو را به خلوت دل بود مسکن و من غافل...



تو را به خلوت دل بود مسکن و من غافل ... ای داد بیداد!
 تو را به خلوت دل بود مسکن و من غافل
 به هرزه در طلبت گرد هر دیار دویدم
 سؤال کرد: یارسول الله! خدا کجاست؟ حضرت فرمود: خدا در قلب شماست.
 خدا در قلب است، منتهی:

ز لوح دل چو زدودم غبار ظلمت کثرت
 جمال شاهد وحدت به چشم خویش بدیدم

غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد

چشم من غبار آلوده است، جمال یار که پرده ندارد.

جمال یار ندارد نقاب و پرده ولیک

غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد

چشم ما غبار آلود است، یعنی توجه به مقام کثرت دارد و این مانع از توجه به مقام وحدت است. کثرت با وحدت جمع نمی شود، اجتماع ضدین محال است. باید دل را خلوت بکنی. ز لوح دل چو زدودم غبار ظلمت کثرت، یعنی مقام رفت، پول رفت، فکر بازی رفت، دنیا رفت، تعلقات رفت، آن وقت پروردگار عزیز را به چشم خویش بدیدم.
 یک صلوات بفرستید.

مؤمن اهل عمل است



امیرمؤمنان^۷ در اوصاف مؤمن می‌فرماید: «یصف الحق و يعمل به»^۱. یعنی مؤمن حق را توصیف می‌کند و به آن عمل می‌کند. همین یک موعظه برای من و شما کافی است و با دیدن این روایت باید بنده خجالت بکشم. نه اینکه دائم شما از بنده بخواهید که برای شما حدیث بگویم. اگر به این احادیث عمل نکنید، از رحمت خدا دور خواهید شد، باید عمل بکنید، وقتی که دانستید، باید در عمل پیاده بکنید، آقا جان من! اگر نمی‌توانی همه‌ی نمازهایت را اول وقت بخوانی، حتی‌المقدور یک وعده‌اش را اول وقت بخوان، وعده‌های دیگر را هم باید از پروردگار عزیز درخواست کنی.

مؤمن به دنبال کسب تمام فضایل انسانیت است

«یصف الحق و يعمل به لا یدع للخیر غایة الا امها»^۲. مؤمن می‌پرسد که کدام فضیلت است که من به آن متخلق نیستم؟ یک به یک تمام فضایل را قصد می‌کند. مؤمن می‌گوید که من باید از تمام فضایل انسانیت برخوردار شوم.

هستی اسیر چاه طبیعت

زننده باد چنین آدمی! ولی متأسفانه من در چاه طبیعت فرو رفته‌ام، اسیر چاه

طبیعت هستم، اما مقام قرب موسی عمرانم آرزوست!

هستی اسیر چاه طبیعت چگونه باز

قرب و مقام موسی عمرانم آرزوست

۱ - نهج البلاغه خطبة ۸۷

۲ - نهج البلاغه خطبة ۸۷



بجای اینکه قوس صعودی را طی بکنم، قوس نزولی را طی می‌کنم، به سمت پایین سیر می‌کنم نه به سمت بالا، آقاجون من!

گریه‌ی من برای این است که ما از صفات مؤمن محرومیم

اینکه بنده در اول صحبت‌م گریه کردم برای این است که این صفاتی را که حضرت برای مؤمن بیان می‌فرماید، ما نداریم، فاقد این صفات هستیم.

تخلق مؤمن حتی به فضایل احتمالی

حضرت در ادامه می‌فرمایند: «ولامظنة الاقصدها». یعنی مؤمن نه تنها به فضایل یقینی متخلق می‌شود، بلکه اگر گمان هم داشته باشد که انجام کاری فضیلت است، آن را بجا می‌آورد و به آن متخلق می‌شود. مؤمن به دنبال سیر استکمالی در دنیا است.

خلقت انسان برای سیر استکمالی

این حدیث در کتاب علل الشرایع بیان شده است که شخصی سؤال کرد: یا بن رسول الله! پروردگار ما را برای چه خلق کرده است؟ آیا ما را خلق کرده تا به جهنم ببرد؟! «لم خلق الله الخلق؟». حضرت فرمود: پروردگار شما را برای این خلق کرده تا سیر استکمالی بکنید، برای اینکه آخرین پَرش سیر استکمالی را بکنید.^۱

قرآن پیشوای مؤمن است

۱ - علل الشرایع، للشیخ الصدوق ج ۱ ص ۹



«قد أمکن الکتاب من زمامه فهو قائده و امامه».^۱ پیشوای مؤمن کتاب عزیز است، قرآن کریم است، قرآنی که اگر کسی به او اهانت بکند، مرتد است، واجب القتل است، اجازه‌ی حاکم هم نمی‌خواهد.

مؤمن به دنبال خواسته‌ی خداست، نه خواسته‌ی دل

«قد خلع سراپیل الشهوات». مؤمن لباس خواسته‌ی دل را کنده است، به دنبال این است که پروردگار چه می‌خواهد.

مؤمن فارغ از تمام هموم

«و تخلی من الهموم». از تمام هموم خالی شده است. اینکه می‌پرسی چطور می‌شود انسان از این هموم فارغ شده و هم^۲ واحد داشته باشد، همین است. مؤمن تعلقات را زد، مقام و پول و همه‌ی اطوار را زد، تا به این مقام رسید. «خرج من صفة العمی و مشاركة اهل الهوی». دیگر خدایی شد، دیگر به دنبال «دل» می‌خواهد» نیست.

شما با این قد و بالا چطور وسط راه مردم بازی می‌کنی؟!

اگر انسان در مکتب امام صادق^۳ نیاید، مایه‌ی خجالت است. در وسط راه - که حق عموم مردم است - بعضی‌ها مشغول توپ بازی بودند و یکی از اینها توپ را زد به پیشانی بنده! گفتم: باباجان من! حالا این چیزی نیست، اما شما با این قد و بالا چطور در مسیر راه مردم بازی می‌کنید؟! اگر عمل شما



ایجاد مزاحمت برای عابرین بکند، حرام است. گفت: ما می‌خواهیم بازی بکنیم! گفتیم: بله! می‌خواهید بازی بکنید که کارتان به اینجا رسیده است! حالا من نمی‌گویم که شما بازی نکنید، بازی بکنید، تفریح بکنید، اما نه اینکه در وسط شاهراه - که محل عبور مردم است - توپ را بر سر مردم بزنید. البته ماها که اهل این حرفها نیستیم، اما وقتی بچه‌ها از حضرت یحیی^۷ برای بازی دعوت کردند، ایشان فرمودند: ما برای بازی خلق نشده‌ایم. «ما للعب خلقنا».^۱

رسیدن به مقام یقین در اثر تخلق عملی

«فهو من اليقين على مثل ضوء الشمس».^۲ پروردگار عزیز در اثر استقامت و در اثر تخلق عملی، یقین و حقیقت علم آل‌محمد^۹ را به او عنایت کرده است. ﴿وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾.^۳ «معناه لافدناهم علماً کثیراً».^۴ اگر چه مولوی گفت:

پای استدلالیان چوبین بود پای چوبین سخت بی‌تمکین بود
اما میرداماد هم در جواب او گفته:
پای چوبین را نمایم آهنین رو صراط المستقیم را بین
پای چوبین را در اثر همراه شدن حکمت نظری با حکمت عملی آهنین

۱ - مجمع البیان، للشیخ الطبرسی ج ۶ ص ۴۰۸

۲ - نَجِّ البلاغه خطبة ۸۷

۳ - جن ۱۶/ «و اگر بر این راه استقامت کنند به تحقیق به آنها آب فراوان می‌نوشانیم».

۴ - مجمع البیان، للشیخ الطبرسی ج ۱۰ ص ۱۵۱ «معنای آب فراوان علم زیاد است».



نماییم. «وان اعبدونی هذا صراط مستقیم»^۱

به هم ریختن کارها در اثر ترک مجالس معنوی

بنده خیلی تشکر می‌کنم از بذل عنایت شما. خدا شاهد است که اگر در این مجالس شرکت نکنید، کارهایتان به هم ریخته خواهد شد. هفته‌ی قبل هم این روایت را خواندم که پروردگار می‌فرماید: ای دنیا! خدمتگزار کسی باش که در خدمت ماست و به سختی بیانداز کسی را که در خدمت توست. «یا دنیا اخدمی من خدمتی و اتعبی من خدمک»^۲.

مبادا چیزی مانع نماز اول وقت شما بشود

مبادا درس شما با نماز اول وقت مزاحمت کند، یا کسب و کار شما مانع از نماز اول وقت بشود و بگویی که وسط معامله است، وسط بستن معادلات جبری است و نماز را عقب بیاندازی! از آن کارگر یاد بگیرید که وقتی در منزل بنده مشغول به کار بود، همین که اذان گفتند، گفت: آقا من باید بروم و نمازم را بخوانم. قربان این کارگر بروم! من باید دست و پای چنین کسی را ببوسم! باید پشت سر این کارگر نماز خواند، خیلی بهتر از من است!

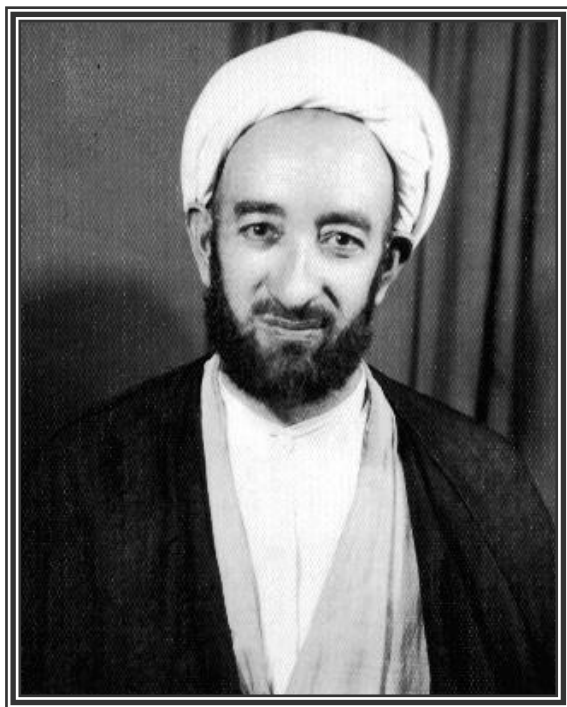
رققا این را در دفتر خاطراتتان بنویسید که اگر دنیا با آخرت مزاحمت پیدا بکند و شما از آخرت صرف نظر بکنید، از نماز اول وقت صرف نظر

۱ - جن ۱۶/

۲ - من لا یحضره الفقیه، للشیخ الصدوق ج ۴ ص ۳۶۳



بکنید و به دنیا پردازید، نه دنیای شما درست خواهد شد و نه آن معادلات
جبری!



تصویری از مرحوم آیت الله حق شناس در سنین میانسالی